



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



سنن النبی ^ص

آداب، سنن و روش رفتاری
پیامبر گرامی اسلام

علامه سید محمد حسین طباطبائی



ترجمہ : حسین اسناد ولی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سنن النبی صلی الله علیه و آله: آداب و سنن پیامبر (ص) - آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام

نویسنده:

محمد حسین طباطبایی

ناشر چاپی:

پیام آزادی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	سنن النبی صلی الله علیه و آله: آداب و سنن پیامبر (ص) - آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	سخن مترجم
۱۳	مقدمه مؤلف
۱۴	۱ شمایل و کلیات اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۴	اشاره
۱۷	وضع داخلی آن حضرت
۱۸	وضع خارج از منزل پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۸	وضع مجلس آن حضرت
۱۹	اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۵	۲ آداب معاشرت پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۵	اشاره
۳۰	ملحقات
۳۸	۳ آداب و سنن آن حضرت در نظافت و آرایش و مانند آن
۳۸	اشاره
۴۰	ملحقات
۴۲	۴ آداب و سنن آن حضرت در سفر و لواحق آن
۴۲	اشاره
۴۴	ملحقات
۴۵	۵ آداب و سنن آن حضرت در لباس
۴۵	اشاره
۴۸	ملحقات

۴۹	۶ آداب و سنن آن حضرت در مسکن
۴۹	اشاره
۴۹	ملحقات
۵۰	۷ آداب و سنن آن حضرت در خوابیدن و بستر خواب
۵۰	اشاره
۵۰	ملحقات
۵۲	۸ آداب و سنن آن حضرت در زناشویی و تربیت فرزند
۵۲	اشاره
۵۳	ملحقات
۵۵	۹ آداب و سنن آن حضرت در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و آداب سفره
۵۵	اشاره
۶۰	ملحقات
۶۳	۱۰ آداب و سنن آن حضرت در بیت الخلاء
۶۳	اشاره
۶۵	ملحقات
۶۵	۱۱ آداب و سنن آن حضرت در امور اموات
۶۵	اشاره
۶۷	ملحقات
۶۹	۱۲ آداب و سنن آن حضرت در معالجه و مداوا
۶۹	اشاره
۷۰	ملحقات
۷۱	۱۳ آداب و سنن آن حضرت در مسواک کردن
۷۱	اشاره
۷۱	ملحقات

۷۲	۱۴ آداب و سنن آن حضرت در وضو
۷۲	اشاره
۷۳	ملحقات
۷۳	۱۵ آداب و سنن آن حضرت در غسل
۷۳	اشاره
۷۴	ملحقات
۷۴	۱۶ آداب و سنن آن حضرت در نماز
۷۴	اشاره
۸۳	ملحقات
۸۹	۱۷ آداب و سنن آن حضرت در روزه
۸۹	اشاره
۹۱	ملحقات
۹۲	۱۸ آداب و سنن آن حضرت در اعتکاف
۹۳	۱۹ آداب و سنن آن حضرت در صدقه دادن
۹۳	اشاره
۹۳	ملحقات
۹۴	۲۰ آداب و سنن آن حضرت در قرائت قرآن
۹۴	اشاره
۹۵	ملحقات
۹۶	۲۱ آداب و سنن آن حضرت در دعا و ذکر پاره‌ای از ادعیه و اذکار او
۹۶	اشاره
۹۶	دعای آن حضرت وقتی که در آینه نگاه می‌کرد
۹۶	دعای آن حضرت وقتی که بر مرکب سواری می‌نشست
۹۷	دعای آن حضرت در سفر هنگامی که شب فرا می‌رسید

- ۹۷ دعای آن حضرت وقتی که لباس نو می‌پوشید
- ۹۸ دعای آن حضرت وقتی که از مجلسی برمی‌خاست
- ۹۸ دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به مسجد و خروج از آن
- ۹۸ دعای آن حضرت هنگامی که به بستر خواب می‌رفت
- ۹۹ دعای آن حضرت وقتی که سفره غذا را نزد او می‌نهادند
- ۹۹ دعای آن حضرت هنگامی که به سوی غذا دست می‌برد
- ۹۹ دعای آن حضرت هنگامی که سفره را برمی‌چیدند
- ۱۰۰ دعای آن حضرت هنگام غذا خوردن و شیر نوشیدن
- ۱۰۰ دعای آن حضرت هنگامی که میوه تازه می‌دید
- ۱۰۰ دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به دستشویی
- ۱۰۱ دعای آن حضرت وقتی که به قبرستان می‌گذشت
- ۱۰۱ دعای آن حضرت در زیارت اهل قبور
- ۱۰۱ دعای آن حضرت چون از چیزی خوشحال می‌شد
- ۱۰۲ دعای آن حضرت وقت دیدن چیزی که آن را دوست می‌داشت
- ۱۰۲ ذکری که آن حضرت موقع شنیدن «اذان» می‌گفت
- ۱۰۲ ذکری که آن حضرت در رکعت آخر نماز مغرب می‌گفت
- ۱۰۲ ذکر و دعای آن حضرت در قنوت نماز وتر
- ۱۰۳ دعای آن حضرت موقع افطار
- ۱۰۳ دعای آن حضرت در تعقیب نماز
- ۱۰۳ دعای دیگر آن حضرت در تعقیب نماز
- ۱۰۴ دعای آن حضرت بعد از نافله صبح
- ۱۰۵ دعای آن حضرت در تعقیب نماز صبح
- ۱۰۵ ذکر آن حضرت بعد از نماز صبح
- ۱۰۵ دعای آن حضرت بعد از نماز ظهر

- ۱۰۶ دعای آن حضرت در سجده
- ۱۰۶ دعای آن حضرت آن‌گاه که می‌خواست از نماز باز گردد
- ۱۰۶ دعای آن حضرت بعد از هر نماز
- ۱۰۷ نماز و دعای آن حضرت در آغاز سال جدید
- ۱۰۷ دعای آن حضرت در شب نیمه ماه شعبان
- ۱۰۸ دعای آن حضرت موقع دیدن ماه نو
- ۱۰۸ دعای آن حضرت موقع دیدن هلال ماه رمضان
- ۱۰۸ ذکر آن حضرت در هر روز
- ۱۰۹ عمل دیگری از آن حضرت در شب نیمه شعبان
- ۱۱۰ ذکر آن حضرت در هر صبح و شام
- ۱۱۱ دعا و تعویذ آن حضرت برای سر درد
- ۱۱۱ دعا و تعویذ آن حضرت برای تب و سایر دردها
- ۱۱۱ دعا و تعویذ آن حضرت برای تب
- ۱۱۲ دعا و تعویذ آن حضرت برای دفع سحر
- ۱۱۲ دعا و تعویذی دیگر
- ۱۱۲ دعای آن حضرت موقع گرفتاری و غم
- ۱۱۳ دعای آن حضرت برای حفظ قرآن
- ۱۱۳ دعای آن حضرت برای محفوظ ماندن از شر دشمنان
- ۱۱۴ ملحقات
- ۱۱۴ اشاره
- ۱۱۵ دعای آن حضرت هنگام صبح
- ۱۱۵ تعویذ رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۱۱۶ تعویذ دیگر در گرفتاری‌ها و در کلیه ناراحتی‌ها و شداید
- ۱۱۶ دعای آن حضرت چون از امری محزون می‌گشت (دعای فرج)

- ۱۱۷ دعای آن حضرت موقع دیدن هلال
- ۱۱۷ ملحقات حج
- ۱۱۸ نوادر ملحقات
- ۱۱۹ ملحقات شمایل پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۲۶ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سنن النبی صلی الله علیه و آله: آداب و سنن پیامبر (ص) - آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰.

عنوان قرارداد: سنن النبی صلی الله علیه و آله. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: سنن النبی: آداب و سنن پیامبر (ص) / تالیف محمد طباطبائی؛ ترجمه حسین استادولی.

وضعیت ویراست: [ویراست ۲]

مشخصات نشر: تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص.

شابک: ۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۳۰۲-۴۲۴-۵؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۱۲۰۰۰

ریال (چاپ دوازدهم)؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ سیزدهم)

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۰.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۱.

یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۳.

یادداشت: چاپ دوازدهم: مهر ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ سیزدهم: آبان ۱۳۸۵.

یادداشت: عنوان روی جلد: سنن النبی (ص): آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - احادیث - احادیث

موضوع: Muhammad, Prophet -- Hadiths

موضوع: سنت نبوی

موضوع: مستحب (فقه)

موضوع: احادیث شیعه - قرن ۱۴

شناسه افزوده: استادولی، حسین، ۱۳۳۱ - مترجم

رده بندی کنگره: BP۲۴/۴۶ ط ۲ س ۹۰۴۱ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۹-۱۴۸۸۳

سخن مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بشر در زندگی خود همواره به یک سلسله آداب و رسوم پایبند بوده و شیوه‌ای را برای خویش برگزیده و زندگی خود را بر اساس همین آداب و رسوم ادامه می‌دهد، خواه آنها را خود اختراع کرده و یا از دیگران اقتباس نموده باشد. اما از آن رو که انسان آفریده خداست، بی‌تردید بهترین برنامه برای کمال جسم و روح او برنامه‌ای است که از سوی خداوند تنظیم یافته باشد، و این برنامه در

آداب و رسوم پیامبران بزرگ خدا و اوصیای گرامی ایشان متجلی است، و کامل‌ترین آنها همان راه و روش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، چنان که در سوره مبارکه احزاب، آیه ۲۱، راه و روش آن حضرت، بهترین الگو و سرمشق زندگی برای هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد معرفی گردیده است.

از این رو، هر مسلمانی شائق است که از رفتار پیامبر خویش آگاه باشد.

می‌خواهد بداند سیمای پیامبر او چگونه بوده؛ آداب شخصی آن حضرت از قبیل خوردن و آشامیدن، خوابیدن و بیدار شدن، رفت و آمد، نشست و برخاست، نظافت، سفر، لباس و مسکن، معالجه و درمان و ...، و آداب عبادی ایشان مانند نماز و روزه، حج و صدقه، دعا و قرآن خواندن و ...، و آداب خانوادگی او همچون ازدواج، همسررداری و تربیت فرزند و ...، و آداب اجتماعی و معاشرت حضرتش با مردم و دوستان و یاران، و دهها آداب و

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸

سننی که آن بزرگوار رعایت می‌کرده، چه بوده است.

به همین دلیل گردآوری آنها از لابلای کتب اخبار و تاریخ و سیره، و نگارش کتاب در این زمینه بسیار ضروری می‌نماید، آن هم از سوی کسانی که با علم حدیث آشنایند و طریق استنباط احکام را به خوبی می‌دانند.

این کتاب باید دانست که آداب و سنن و رفتار و رسوم پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مجموعه‌ای از اعمال واجب و مستحب است که قسمت اعظم فقه و اخلاق اسلام را تشکیل می‌دهد.

مرحوم آیه الله، استاد علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) سالها قبل، به انگیزه استفاده عملی خود و دیگران، بخش مهمی از این آداب و سنن را در کتابی به نام سنن النبی صلی الله علیه و آله گرد آورد. اهمیت این کتاب در آن است که به همت و دقت عالمی جامع، مجتهدی کامل و محدثی متبع تألیف یافته که می‌تواند رساله عملیه‌ای باشد برای همه کسانی که می‌خواهند به شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله زندگی کنند و برنامه آن حضرت را حتی المقدور دستور العمل زندگی فردی و اجتماعی خویش قرار دهند.

پس از آنکه استاد علامه، این کتاب را برای ترجمه به دانشمند گرامی، آقای محمد هادی فقهی سپرد، مترجم گرانقدر هنگام ترجمه هر باب، به احادیث بسیار دیگری برخورد نمود که از اعتبار لازم نیز برخوردار بود و از قلم شریف علامه افتاده بود. لذا آنها را گردآوری نموده، از مؤلف اجازه گرفت و آنها را به عنوان ملحقات به اصل کتاب افزود و بدین وسیله کتاب را کامل ساخت.

این کتاب با همه فخامت و اعتباری که دارد کمتر در دسترس علاقمندان قرار داشت، به همین جهت به پیشنهاد ناشر موفق و با سابقه اسلامی، مدیر محترم انتشارات پیام آزادی، به ترجمه آن اقدام شد. در این ترجمه، امور زیر انجام گرفته که لازم است خوانندگان گرامی در جریان آن قرار گیرند:

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹

(۱) به جهت استفاده عموم از این کتاب، آوردن متن عربی روایات ضروری نمی‌نمود، لذا به ترجمه آنها اکتفا گردید.

(۲) مؤلف گرامی نام منابع خود را ذکر نموده تا هم اعتبار کتاب محفوظ بماند و هم راه برای مراجعه محققان هموار باشد، اما در این ترجمه نام منابع حذف شد، زیرا اعتماد خوانندگان عزیز بر نوشتار مرحوم علامه است.

(۳) یک مورد در اصل کتاب، و حدود ده- دوازده مورد در ملحقات یا عینا تکراری بود و یا مضمون آنها تکرار شده بود که آنها حذف شد، ولی شماره‌ها در متن به جای نهاده شد تا برای کسانی که بخواهند به اصل عربی کتاب مراجعه کنند اشکالی پدید نیاید.

(۴) تعداد ۲۳ روایت (۳۷۷-۳۹۹) از ملحقات آداب دعا حذف شد، زیرا اولاً دعاهای آن حضرت منحصر به دعاهای مذکور نیست

و اگر بنا بر تتبع باشد باید همه دعاها ذکر شود و گر نه همان اندازه که نقل شده کافی است و نقل این دعاها بر حجم کتاب می‌افزود و کتاب را به صورت کتاب دعا در می‌آورد. ثانیاً خود گردآورنده محترم نیز ترجمه آنها را ضروری ندیده و در چاپ خود به آن اقدام ننموده است.

(۵) بیشتر بیانات مؤلف رحمه الله به پاورقی برده شده و با امضای مؤلف از سایر پاورقیها مشخص گردیده است.

(۶) در این ترجمه، ترجمه قبل مورد توجه قرار گرفته و در بسیاری موارد از الفاظ و تعابیر آنکه زیبا و رسا به نظر می‌رسید استفاده گردیده است.

همچنین اشکالاتی که در آن ترجمه رخ داده بود- و اندک هم نبود- بر طرف گردید. مثلاً- در باب آداب معاشرت، روایت ۶۱، عبارت آن این است: و اذا جلس لم یحلّ حیوته حتّی یقوم جلیسه، و چنین ترجمه شده: «وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی می‌نشست تا او حضور داشت، حضرت لباس و زینت خود را از تن خارج نمی‌ساخت.» در صورتی که معنای صحیح آن چنین است: «وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی می‌نشست تا او از مجلس بر نمی‌خواست

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰

آن حضرت هم بر نمی‌خواست و مجلس را ترک نمی‌کرد (چنان که وقتی حضرتش با کسی دست می‌داد تا طرف مقابل دست خود را نمی‌کشید آن حضرت دست خود را نمی‌کشید).»

در پایان، امید است نشر این کتاب، مردم عزیز کشور اسلامی و ایمانی ما را هر چه بیشتر با راه و روش و آداب و سنن پیامبر عظیم الشان خود آشنا سازد تا بتوانند برنامه زندگی خویش را بر اساس آن تنظیم کنند و از این رهگذر جامعه‌ای آداب‌دان و متخلق به اخلاق الهی داشته باشیم.

حسین استاد ولی

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱

(۱)

مقدمه مؤلف

(۲) به نام خداوند بخشنده مهربان سپاس و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است، و سلام و درود بر سرور و سالارمان محمد مصطفی، و همه خاندان پاکش باد.

این کتاب محصول امکاناتی است که خدای سبحان در اختیار ما نهاد و فرصتی که به ما بخشید تا بتوانیم بخشی از روایاتی را که محدثان مسلمان از آداب و سنن سرورمان رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند به اندازه‌ای که وقت اندک اجازه داده و دست کوتاه پژوهش بدان رسیده گرد آوریم، و از خدای سبحان می‌خواهیم که به فضل خویش ما را در عمل به بیش و کم و سخت و آسان و مهم و غیر مهم آن موفق بدارد.

خدای سبحان فرموده: لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة «۱» «همانا برای شما در رسول خدا سرمشقی نیکوست».

پیامبر صلی الله علیه و آله در ضمن سفارشات خود به علی علیه السلام فرمود: ... ششم آنکه از روش من در نماز و روزه و صدقه پیروی کنی.

علی علیه السلام فرمود: هر که به آداب الهی آراسته گردد، این کار او را به رستگاری

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲

همیشگی می‌رساند.

(۱) امام صادق علیه السّلام فرمود: من برای فرد مسلمان خوش ندارم که بمیرد در حالی که هنوز برخی از آداب پیامبر صلی الله علیه و آله را به جا نیاورده باشد.

بی‌شک خو گرفتن با آداب پیامبر صلی الله علیه و آله و آراستگی به اخلاق و سنن ظاهری و باطنی آن حضرت، کمال نهایی و آخرین هدف زندگی است و سعادت دنیا و آخرت را به همراه دارد.

ما در این کتاب به ایراد مکروهات نپرداختیم، زیرا مذهب شیعه بر این پایه نهاده است که هیچ مکروه و مباحی از آن جهت که مکروه و مباح است از آن حضرت سر نزده [مگر آنکه آن عمل مکروه یا مباح به دلیل خاصی از این عنوان بیرون آمده باشد]، و عقل و نقل نیز گواه این مطلب‌اند.

و با خود شرط کردیم که به جهت رعایت اختصار، سند روایات را حذف کنیم، ولی نام کتابهایی را که از آنها نقل کرده‌ایم و نام مؤلفان آنها را آورده و میان روایاتی که سند داشته و روایاتی که سند آنها مذکور نبوده فرق نهادیم تا کسی که جویای اصل آنهاست بتواند به آسانی به مدارک و منابع آنها مراجعه نماید «۱».

و نیز شمایل آن حضرت را- با اینکه از موضوع کتاب خارج است- آوردیم هم به جهت تبرک و تیمّن و هم بدان جهت که ذکر بسیاری از اخلاق حضرتش در ضمن آنها نهفته است. همچنین وقایع جزئی را نیاوردیم و تنها به جوامع و کلیات اخلاق آن حضرت بسنده کردیم. و تنها خداست که باید از او یاری جست.

(۱) در ترجمه، به جهت اختصار و عدم فایده برای خوانندگان محترم پارسی زبان، نام مدارک نیز آورده نشد و طالبین می‌توانند به اصل عربی کتاب مراجعه فرمایند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳

(۱)

۱ شمایل و کلیات اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

(۲) ۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار بزرگ و گرانقدر بود. در دیدگان عظیم و موقّر می‌نمود و در دلها عزیز و گرامی بود. چهره مبارکش مانند ماه شب چهارده می‌تابید و درخشان و نورانی بود. رنگ چهره‌اش سفید مایل به سرخی بود. نه از لاغری در دیده‌ها حقیر می‌نمود، و نه از فربهی انگشت‌نما بود. چهره‌ای سپید و نورانی، دیدگانی درشت و سیاه، ابروانی باریک و کمانی، جمجمه‌ای بزرگ و قامتی معتدل و میانه داشت.

پیشانی مبارکش بلند، و بینی‌اش باریک و کشیده بود. در سفیدی چشمانش اندکی سرخی دیده می‌شد. ابروانی پیوسته و گونه‌هایی صاف و هموار داشت.

میچ‌هایش درشت، ساقهای دستش بلند بود. مفصل‌شانه‌ها بزرگ و خود‌شانه‌ها پهن بود. کفهای دست و پایش کلفت و پر گوشت بود.

برآمدگی‌های دو طرف سینه‌اش مو نداشت، گودی کف پایش بیش از حد متعارف [...] مژه‌هایش بلند، محاسنش پر پشت و افتاده

و شاربش پر پشت بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴

موهای سفید چندی که در سر و رویش پیدا شده بود به واسطه خضاب، سبز به نظر می‌رسید. دهانش فراخ «۱» و شیرین، میان بینی‌اش بر آمده، دندانهایش سپید و از هم باز، و مویش آویخته بود، از میان سینه تا ناف خطی باریک از مو داشت. تمام اندامهایش معتدل بود. شکمش با سینه برابر بود، سینه‌اش پهن و گردنش در زیبایی چون بتی نگارین و به سپیدی نقره بود.

(۱) دستها و پاهایش کشیده، و ساقها و پاشنه‌هایش کم گوشت بود. چانه‌ای کوتاه و پیشانی بر آمده داشت. رانهایش خیلی کلفت نبود، لگن خاصره‌اش [مانند دلاوران] پهن بود، بندهایش قرص و محکم بود. نه بسیار بلند قد و بی‌قواره، و نه خیلی کوتاه و زنده بود. موی سرش نه مجعد و پیچیده و نه لخت و افتاده بود. چهره‌اش نه کم گوشت بود و نه پر گوشت و نه سپید زنده. استخوانهای مفصلش درشت و سر استخوانهایش پهن و بینی‌اش کشیده بود. شکم و سینه‌اش مویی نداشت جز خط باریکی از مو که از سینه تا نافش کشیده شده بود. چهار شانه بود، بدنی بی‌مو داشت جز همان مویی که از سینه تا ناف کشیده بود. بیشتر موهای سپیدی که نشان پیری است در دو طرف سر او به چشم می‌خورد.

کف دستهایش مانند کف دست عطر فروشان معطر بود. کف دستش گشاده، استخوانهای قلم دست و پایش بلند بود. هنگام رضا و شادی چهره‌اش چون آینه‌ای رنگارنگ درخشان و جذاب بود. کشیده گام بر می‌داشت و آرام و با وقار راه می‌رفت. در کارهای خیر از همه پیشقدم بود. هنگام راه رفتن چنان گام می‌زد گویی از سرایشی فرود می‌آید. در حین تبسم دندانهایش بسان دانه‌های تگرگ نمایان می‌شد، و در هنگام خنده دندانهایش چون برق جهنده می‌درخشید.

اندامی زیبا و خوبی پسندیده داشت. خوش برخورد و خوش مجلس بود.

هنگامی که با مردم رو به رو می‌شد پیشانی‌اش چون چراغی فروزان نظر آنان را جلب

(۱) فراخی دهان در عرب از کمالات به حساب می‌آید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵

می‌کرد. دانه‌های عرق مانند مروارید بر چهره‌اش می‌غلطید و بوی عرقش خوشبوتر از مشک بود. مهر نبوت در میان شانه‌هایش نمایان بود.

(۱) ۲. ابو هریره گوید: آن حضرت هنگامی که می‌خواست به سوی جلو یا پشت سر خود بنگرد با تمام بدن بر می‌گشت.

(۲) ۳. جابر بن سمره گوید: ساقهای پای آن حضرت باریک و لطیف بود.

(۳) ۴. ابو جحیفه گوید: موهای گونه آن حضرت جو گندمی و موی بالای زرخندان سپید بود.

(۴) ۵. امّ هانی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که چهار گیسوی بافته داشت.

ابن شهر آشوب گوید: درست آن است که آن حضرت دو گیسو داشت و آن رسمی بود از هاشم جدّ اعلای آن حضرت.

(۵) ۶. انس گوید: در سر و صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله بیش از چهارده تار موی سفید نشمردم.

(۶) ۷. و گویند: هفده تار موی سپید داشت.

(۷) ۸. عبد الله بن عمر گوید: موی سپید آن حضرت نزدیک به بیست تار مو بود.

(۸) ۹. براء بن عازب گوید: بلندی موی سر آن حضرت به قدری بود که به دوشها می‌رسید.

(۹) ۱۰. انس گوید: موی سر آن حضرت به بنا گوش می‌رسید.

(۱۰) ۱۱. عایشه گوید: بلندی موی سر آن حضرت از بنا گوش می‌گذشت ولی به دوشها نمی‌رسید «۱».

(۱۱) ۱۲. پیامبر صلی الله علیه و آله از راهی نمی‌گذشت مگر اینکه هر که از آنجا عبور می‌کرد از

(۱) شاید اختلاف روایت ۱۱ با ۹ بدان جهت است که آرایش موی سر آن حضرت یکسان نبوده، گاه موی سرش بلند می‌شد و بر دوشها می‌ریخت، و گاه کوتاه می‌کرد و تا بنا گوش می‌رسید، و گاه در حج از نه می‌تراشید. و نیز گفته‌اند: هر گاه موی سر را رها می‌کرد تا بنا گوش می‌رسید و هر گاه شانه می‌زد و فرق باز می‌گرد از بنا گوش می‌گذشت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶

عطر عرق آن حضرت پی می‌برد که ایشان از آنجا گذشته است. و به هر سنگ و درختی می‌گذشت بر آن حضرت سجده می‌کردند.

(۱) ۱۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ما گروه پیامبران دیده‌هایمان می‌خواهد ولی دل‌هایمان نمی‌خواهد، و از پشت سر می‌بینیم چنان که از پیش رو می‌بینیم.

(۲) ۱۴. یکی از معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله که اخبار متواتر بر آن دلالت دارد و کافر و مؤمن به آن اعتراف نموده‌اند مهر نبوت است که بر موهای مترکم میان دو کتف آن حضرت نمایان بود.

(۳) ۱۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله سایه‌اش بر زمین نمی‌افتاد (سایه نداشت).

(۴) ۱۶. نوفلی گوید: در نزد حضرت امام هادی علیه السلام از صدا و آهنگ خوش گفتگو کردم، فرمود: امام سجاد علیه السلام قرآن تلاوت می‌کرد و گاهی مردم از صدای زیبای او بیهوش می‌شدند، و اگر امام اندکی از صدای زیبای خود را ظاهر کند مردم طاقت شنیدن آن صوت زیبا را ندارند. گفتم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم نماز نمی‌خواند و صدای خود را به تلاوت قرآن بلند نمی‌ساخت [پس چرا مردم بیهوش نمی‌شدند]؟

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه طاقت مردمی که پشت سر او بودند صدای خود را آشکار می‌ساخت.

مؤلف: این اخبار به سندهای بسیار دیگری نیز روایت شده است.

(۵) ۱۷. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: از دایی خود هند بن ابی هاله که از وصف‌کنندگان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود خواستم و دوست داشتم که مقداری از اوصاف آن حضرت را برایم بیان کند تا بدان در آویزم و به سهم خود از آن پیروی نمایم، گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دل و دیده هر کس موقر و با عظمت می‌نمود، روی نکویش چون ماه شب چهارده می‌درخشید، از میان قامت، بلندتر و از دراز قامت، کوتاه‌تر بود. سری نسبتاً بزرگ و موهایی نه پیچیده و نه لخت و افتاده داشت. اگر

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷

موی سرش ژولیده می‌شد فرق باز می‌کرد و هر گاه آن را بلند می‌نمود از نرمه گوش تجاوز نمی‌کرد. چهره‌ای درخشان، پیشانی بلند، ابروانی بلند و کشیده و پر پشت و ناپیوسته داشت. میان ابروانش رگی بود که به هنگام خشم برجسته می‌شد. هاله‌ای از نور بر چهره‌اش پرتو افکنده بود به طوری که اگر کسی دقت نمی‌کرد می‌پنداشت که میان بینی‌اش برآمدگی دارد.

(۱) محاسنش کوتاه و پر پشت، گونه‌های صاف، دهانش اندکی بزرگ، میان دندانهایش باز و شیرین دهان بود، از سینه تا نافش خطی باریک از مو کشیده شده بود، گردنش گویی گردن نگارینی است از نقره سپید و درخشان. اندامهایش متناسب بود. تنومند و عضله‌هایش محکم بود. سینه و شکمش برابر بود. چهارشانه و درشت استخوان بود. پهن سینه و سفید پوست بود و برآمدگی‌های دو طرف سینه و شکم او مو نداشت.

ساقهای دست و شانه‌ها و بالای سینه‌اش پر مو بود. مچها بزرگ، کف دستها پهن و کف دستها و پاهایش کلفت و پر گوشت بود.

اندامهایش میانه و به اندازه بود، استخوانهای دست و پایش کشیده، گودی کف پاها بیشتر از معمول و پاشنه‌های پایش صاف و نرم بود به طوری که آب از آن می‌چکید. استوار قدم بر می‌داشت و آرام و با وقار راه می‌رفت و گامهای بلند بر می‌داشت. چنان راه می‌رفت که گویی از سرازیری فرود می‌آید. چون به کسی رو می‌کرد با تمام بدن رو می‌کرد. دیدگانش را فرو می‌افکند. به زمین بیش از آسمان نگاه می‌کرد. به کسی خیره نمی‌شد، بلکه کوتاه نظر می‌کرد. با هر کس روبرو می‌شد در سلام کردن بر او پیشی می‌گرفت.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: گفتم از سخن گفتنش برایم بگو. گفت:

آن حضرت پیوسته اندوهگین و در تفکر بود. آسایش نداشت. پیوسته خموش بود و جز به هنگام نیاز سخن نمی‌گفت. لب به سخن می‌گشود و آن را به نحوی بلیغ به پایان می‌برد. سخنان کوتاه و جامع می‌گفت و کم و زیاد در جملات او نبود. خویی نرم

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸

داشت. نه خشن بود، نه خوار و زیر دست.

(۱) هر نعمتی در نظرش بزرگ می‌نمود گرچه اندک باشد و هر گز نعمتی را مذمت نمی‌کرد؛ آری از هیچ طعامی بد نمی‌گفت و تعریف هم نمی‌کرد.

دنیا و ناملايماتش او را به خشم نمی‌آورد ولی هنگامی که پای حق در میان بود از شدت خشم کسی او را نمی‌شناخت و چیزی مانع او نبود تا آنکه حق را بازستاند. با تمام دست اشاره می‌کرد [نه با انگشت] و به هنگام تعجب دست را پشت و رو می‌کرد. زمانی که سخن می‌گفت دستها را به هم می‌چسباند و شست دست چپ را به کف دست راست می‌زد. چون خشم می‌گرفت روی خود را بر می‌گرداند و چشم را فرو می‌خواباند. بیشتر خنده‌اش تبسم بود و چون می‌خندید دندانهایش مانند دانه‌های تگرگ نمایان می‌شد.

امام مجتبی علیه السلام فرمود: مدتی این مطالب را از حسین علیه السلام پنهان کردم سپس برای او باز گفتم، دیدم او پیش از من از آنها آگاه بوده است! در این باره از او پرسیدم، دیدم او از پدر بزرگوارش از وضع داخلی و خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله و از چگونگی مجلس و شکل و شمایل آن حضرت پرسیده بود و همه را باز گفت و چیزی را فرو نگذاشت.

وضع داخلی آن حضرت

(۲) امام حسین علیه السلام فرمود: از پدرم از وضع داخلی رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم، فرمود: به منزل رفتنش به اختیار خود بود و چون به منزل می‌رفت اوقات خویش را سه قسمت می‌کرد: قسمتی برای عبادت خداوند، قسمتی برای خانواده و قسمتی برای خود. اما قسمت خودش را باز میان خود و مردم قسمت می‌کرد و پس از فراغت از کار خواص به کارهای عموم می‌پرداخت و چیزی از آن وقت را برای

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹

خود باقی نمی‌نهاد. و از جمله روش آن حضرت در رابطه با امت این بود که اهل فضل را به عنایت خود ویژه می‌داشت، و هر کس را به مقدار فضیلتی که در دین داشت احترام می‌کرد. برخی یک حاجت، برخی دو حاجت و برخی چندین حاجت داشتند و حضرت به رسیدگی آنها می‌پرداخت و آنان را سرگرم اصلاح کار خودشان و مردم می‌کرد، از کار و بارشان می‌پرسید و آنچه را لازم بود به آنان خبر می‌داد و می‌فرمود: «باید حاضران به غایبان برسانند، و حاجت کسانی را که به من دسترسی ندارند به من برسانید، زیرا هر که حاجت کسانی را که دسترسی به سلطان ندارند به گوش سلطان برساند خداوند قدمهای او را در روز قیامت ثابت و استوار سازد.» در مجلس آن حضرت جز این گونه مطالب گفته نمی‌شد و از کسی غیر آن را نمی‌پذیرفت. آنان برای درک فیض و طلب علم خدمت حضرتش شرفیاب می‌شدند و بی‌آنکه چیزی فراگیرند پراکنده نمی‌شدند، و چون از آن مجلس

باز می‌گشتند خود رهنمایانی بودند.

وضع خارج از منزل پیامبر صلی الله علیه و آله

(۱) و از پدرم امیر مؤمنان علیه السلام از وضع رسول خدا صلی الله علیه و آله در خارج از منزل پرسیدم که چگونه رفتار می‌کرد؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله زبان خود را از سخنان غیر لازم باز می‌داشت. با مردم انس می‌گرفت و آنان را از خود رمیده نمی‌ساخت.

بزرگ هر قومی را گرامی می‌داشت و او را بر آنان می‌گماشت. از مردم می‌پرهیخت و خود را از آنان می‌پایید بدون آنکه از آنان روی گرداند یا با آنان بد خلقی کند. از یاران خود سراغ می‌گرفت و از مردم از آنچه در میان آنان می‌گذشت پرسش می‌نمود. هر کار نیکی را تحسین و تقویت می‌کرد و هر کار زشتی را تقیح می‌کرد و خوار می‌شمرد. در کارها میانه رو بود و افراط و تفریط نداشت. از

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰

مردم غافل نمی‌شد مبادا آنان غفلت ورزند و به انحراف گرایند. در باره حق نه کوتاهی داشت و نه از آن تجاوز می‌کرد. اطرافیان آن حضرت نیکان مردم بودند، و برترین آنان در نظر او کسانی بودند که نسبت به مسلمانان خیرخواه و دلسوزتر بودند، و بزرگترین آنان کسانی بودند که با برادران دینی خود بهتر همدردی و همکاری داشته باشند.

وضع مجلس آن حضرت

(۱) امام حسین علیه السلام فرمود: از پدرم از وضع مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم، فرمود: آن حضرت در هیچ مجلسی نمی‌نشست و بر نمی‌خواست مگر به یاد خدا. در مجالس جای مخصوصی برای خود انتخاب نمی‌کرد و از این کار نیز نهی می‌نمود. هر گاه به گروهی می‌پیوست هر جا که خالی بود می‌نشست و دیگران را نیز دستور می‌داد که چنین کنند.

حق هر یک از اهل مجلس را ادا می‌کرد و کسی از آنان نمی‌پنداشت که دیگری نزد آن حضرت از او گرامی‌تر است. با هر کس می‌نشست به قدری صبر می‌کرد تا خود آن شخص بر خیزد و برود. هر کس از او حاجتی می‌خواست باز نمی‌گشت مگر آنکه یا به حاجت خود رسیده بود یا به بیان خوشی از آن حضرت دلخوش گشته بود. خوی نیکش شامل همه بود به حدی که مردم او را پدری مهربان می‌دانستند و همه در حق، نزد او برابر بودند. مجلس او مجلس حلم و حیا و صداقت و امانت بود. در آن آوازه‌ها بلند نمی‌شد و عرض و آبروی کسی نمی‌ریخت و اگر از کسی لغزشی سر می‌زد جای دیگر بازگو نمی‌شد. اهل مجلس با یک دگر عادلانه رفتار می‌کردند و بر اساس تقوا با هم رفاقت و دوستی می‌نمودند. با یک دگر فروتن بودند، مهتران را احترام می‌کردند و با کهتران مهربان بودند و نیازمندان را بر خود مقدم

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱

می‌داشتند و از غریبان نگهداری می‌کردند.

(۱) گفتم: روش رسول خدا صلی الله علیه و آله با همنشینان چگونه بود؟ فرمود: همیشه خوشرو و خوش خلق و نرمخو بود. خشن و درشت‌خو و پر خنده و سبکسر و بدزبان و عیججو و چاپلوس نبود. از آنچه به آن میل و رغبت نداشت غفلت می‌ورزید. طوری بود که آرزومندان از او مأیوس و نومید نمی‌شدند. خود را از سه چیز به سختی دور می‌داشت: «جدال و کشمکش، پرحرفی و ذکر مطالب بی‌فایده». نسبت به مردم نیز از سه چیز پرهیز داشت: «کسی را نکوهش و سرزنش نمی‌کرد. لغزشهای کسی را جستجو نمی‌نمود و عیب کسی را پی نمی‌گرفت».

سخن نمی‌گفت مگر در جایی که امید ثواب در آن می‌داشت. هنگام سخن گفتن چنان اهل مجلس را جذب می‌کرد که همه سر به زیر افکنده، گویی پرنده بر سرشان نشسته، آرام و بی‌حرکت می‌ماندند، و چون ساکت می‌شد آنان سخن می‌گفتند و نزد آن حضرت بر سر سخنی نزاع نمی‌کردند. هر که سخن می‌گفت همه ساکت به سخنانش گوش می‌دادند تا سخنش پایان یابد. و در محضر حضرتش به نوبت سخن می‌گفتند. از چیزی که اهل مجلس می‌خندیدند می‌خندید و از آنچه آنان تعجب می‌کردند تعجب می‌کرد. بر بی‌ادبی غریبان در خواسته‌ها و گفتارشان صبر می‌کرد تا جایی که اصحاب در صدد جلب اشخاص مزاحم برمی‌آمدند. می‌فرمود: چون حاجتمندی را دیدید او را کمک کنید. مدح و ثنای کسی را نمی‌پذیرفت مگر از کسی که بخواهد تشکر نماید. سخن کسی را نمی‌برید مگر آنکه از حد می‌گذشت که در آن صورت با نهی او یا برخاستن، سخن او را قطع می‌کرد.

امام حسین علیه السلام فرمود: سپس از سکوت رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم، پدرم فرمود:

سکوت آن حضرت بر چهار پایه استوار بود: حلم، حذر، تقدیر و تفکر. سکوتش در تقدیر و اندازه‌گیری در این بود که همه مردم را به یک چشم ببیند و به گفتار همه یکسان گوش دهد. و سکوتش در تفکر آن بود که در چیزهای فناپذیر و فناپذیر آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۲

اندیشه می‌کرد. و سکوتش در حلم آن بود که حلم و صبر را با هم داشت، به طوری که چیزی او را به خشم نمی‌آورد و از کوره به در نمی‌برد. و سکوتش در حذر در چهار مورد بود: به کارهای نیک می‌پرداخت تا دیگران نیز از او پیروی کنند. کارهای زشت را ترک می‌کرد تا دیگران نیز از آن پرهیزند. کوشش خود را به کار می‌برد تا برای اصلاح امت خود نظری درست ارائه دهد. و به آنچه خیر دنیا و آخرت در آن بود اقدام می‌نمود.

(۱) ۱۸. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چهره‌ای درخشان داشت و رنگش مانند مروارید سپید بود. هنگام راه رفتن اندکی به جلو متمایل می‌شد. من هرگز مشک و عنبری را نبویدم که از عطر بدن آن حضرت خوشبوتر باشد و هیچ دیبا و ابریشمی را دست نکشیدم که از کف دست آن حضرت نرم‌تر باشد ...

(۲) ۱۹. کعب بن مالک گوید: هر گاه چیزی رسول خدا صلی الله علیه و آله را خوشحال می‌کرد چهره مبارکش چون قرص قمر روشن می‌شد.

(۳) ۲۰. غزالی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه شیوا گفتارتر و شیرین سخن‌تر بود و خود می‌فرمود: من شیواترین مردم عرب هستم و بهشتیان با لغت محمّد سخن می‌گویند ... آن حضرت با کوتاه‌ترین و در عین حال پرمعنی‌ترین جملات سخن می‌گفت و زیاد و کم در سخنانش نبود. قطعات گفتارش به یک دیگر پیوسته بود و سخن را به طوری شمرده ادا می‌کرد که شنونده آن را به خوبی در می‌یافت و به حافظه می‌سپرد. جوهره صدایش بلند و آهنگ صدایش از همه مردم زیباتر بود.

(۴) ۲۱. عایشه گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: یا رسول الله، شما که به بیت الخلاء می‌روید و بیرون می‌آید من بی‌درنگ به آنجا می‌روم ولی چیزی جز بوی مشک نمی‌یابم؟! فرمود: ما گروه پیامبران بدنهای ما بر نسیم‌های بهشتی می‌روید و خوشبوست، از این رو چیزی از آن خارج نمی‌شود مگر آنکه زمین آن را در خود فرو می‌برد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۳

اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله

(۱) ۲۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عقل را آفرید و به او گفت: عقب برو، عقب رفت. سپس فرمود: پیش بیا، پیش آمد. آن‌گاه فرمود: مخلوقی را نیافریدم که نزد من محبوبتر از تو باشد. پس نود و نه جزء از آن را به [من] محمّد بخشید، و یک جزء دیگر را میان همه بندگان قسمت نمود.

(۲) ۲۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: من به اخلاق نیک و پسندیده برانگیخته شده‌ام.

(۳) ۲۴. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند رسول خویش را به اخلاق نیک و پسندیده مخصوص گردانید، شما هم خود را بیازمایید، اگر آن اخلاق نیک در شما بود خدای را سپاس گفته و از او بخواهید تا آن را در شما بیفزاید. سپس امام علیه السلام آنها را بدین ترتیب ده خصلت شمرد: یقین، قناعت، صبر، شکر، بردباری، خوش خلقی، سخاوت، غیرت، شجاعت و جوانمردی.

(۴) ۲۵. انس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله شجاع‌ترین، نیکوترین و سخی‌ترین مردم بود.

شبی صدای هولناکی به گوش مردم مدینه رسید که همه وحشترده به سوی آن صدا شتافتند. در این میان دیدند رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از همه بیرون آمده در حالی که سوار بر اسب ابو طلحه شده و شمشیر بر گردن انداخته و به مردم می‌فرماید: نترسید، چیزی نیست، عجب اسب تیز تکی است!

(۵) ۲۶. علی علیه السلام فرمود: چون تنور جنگ گرم می‌شد و دو لشکر به هم می‌رسیدند ما به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناهنده می‌شدیم و هیچ کس به دشمن نزدیکتر از آن حضرت نبود.

(۶) ۲۷. ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از دختران پرده‌نشین باحیاط‌تر بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۴

و هر گاه چیزی را دوست نمی‌داشت از قیافه آن حضرت درمی‌یافتیم.

(۱) ۲۸. امام صادق علیه السلام به حفص بن غیاث فرمود: ای حفص، هر که صبر کند اندکی صبر کرده و هر که بی‌تابی کند اندکی بی‌تابی کرده است. سپس فرمود: در همه کارهای صبر پیشه‌ساز، زیرا خدای بزرگ محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت و او را امر به صبر و مدارا نمود و فرمود: «بر آنچه می‌گویند صبر کن و به طوری شایسته از آنان دوری گزین، و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و مرفه و اگذار «۱»»، و نیز فرمود: «بدی دیگران را با بهترین روش دور کن، تا آن که میان تو و او دشمنی است گویی دوست گرم و صمیمی است. و از این خصلت برنخورند جز کسانی که صبر پیشه کنند و کسی که دارای بهره‌ای بزرگ [از اندیشه و خرد] است» «۲» رسول خدا صلی الله علیه و آله هم صبر نمود تا او را به چیزهای بزرگ متهم کردند. از این رو دل‌تنگ شد و خداوند این آیه را نازل نمود: «و ما به خوبی می‌دانیم که تو سینه‌ات از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود. پس به همراه ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده گزاران باش «۳»». باز هم او را تکذیب کردند و متهم نمودند و حضرت غمگین شد و خداوند این آیه را فرستاد: «ما به خوبی می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را غمگین می‌کند. اما آنان تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه این ستمگران آیات خدا را تکذیب می‌کنند.

البته پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند و بر تکذیب شدن صبر کردند، و آزارها دیدند تا آنکه یاری ما به آنان رسید «۴»».

پس پیامبر صلی الله علیه و آله خود را به صبر ملزم ساخت، تا آنکه آنها پا را فراتر نهاده و نام خدا را بر زبان آورده، او را تکذیب نمودند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در باره خودم و خاندان و آبرویم صبر کردم ولی در باره بدگفتن به معبودم صبر ندارم. آن‌گاه خداوند

(۱) مزمل / ۱۰ و ۱۱.

(۲) فصلت / ۳۴ و ۳۵.

(۳) حجر / ۹۷ و ۹۸.

(۴) انعام / ۳۳ و ۳۴.

این آیه را نازل کرد: «ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفریدیم و هیچ خستگی به ما نرسید، پس [تو هم خسته نشو و] بر آنچه می‌گویند صبر کن» (۱).

(۱) پس پیامبر صلی الله علیه و آله در همه احوال صبر کرد تا او را به امامان از عترتش مژده دادند و آنان به داشتن صبر معرفی گردیدند. خداوند والامقام فرمود: «و از آنان پیشوایانی ساختیم که به امر ما هدایت کنند، چون صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند» (۲).

اینجا بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به بدن». خداوند هم از صبر او قدردانی کرد و این آیه را نازل فرمود: «کلمه نیکوی پروردگارت [و وعده‌های نجات و پیروزی او] در باره بنی اسرائیل انجام یافت به پاداش صبری که کردند، و آنچه را فرعون و قومش می‌ساختند و آنچه را برمی‌افراشتند واژگون نمودیم» (۳). پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این هم بشارت است و هم انتقام».

آن‌گاه خداوند پیکار با مشرکان را برای او روا دانست و این آیه را نازل کرد:

«هر کجا مشرکان را یافتید بکشید و آنان را بگیرید و محاصره کنید و در هر کمینگاهی بر سر راهشان بنشینید» (۴). و هر کجا بر آنان دست یافتید بکشیدشان» (۵). پس خداوند آنان را به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله و دوستانش به قتل رساند و پاداش صبر آن حضرت را به او عنایت فرمود، علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره کرده است. پس هر که صبر کند و به حساب خدا گذارد، از دنیا بیرون نرود تا آنکه خداوند چشم او را در باره دشمنانش روشن کند، علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره خواهد نمود.

(۲) ۲۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل نزد او آمد و گفت: یا رسول الله، خداوند مرا با هدیه‌ای به سوی تو فرستاده که چنین هدیه‌ای را پیش از شما به هیچ کس عطا

(۱) ق/ ۳۸ و ۳۹.

(۲) سجده/ ۲۴.

(۳) اعراف/ ۱۳۷.

(۴) توبه/ ۶.

(۵) بقره/ ۱۹۱.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۶

نکرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن هدیه چیست؟ گفت: صبر، و نیکوتر از صبر.

فرمود: آن چیست؟ گفت: رضا، و نیکوتر از آن. فرمود: آن چیست؟ گفت: زهد، و بهتر از آن. فرمود: آن چیست؟ گفت: اخلاص، و بهتر از آن. فرمود: آن چیست؟

گفت: یقین، و بهتر از آن. فرمود: گفتم: آن چیست ای جبرئیل؟ گفت: نردبان آن توکل بر خداست. گفتم: توکل بر خدا چیست؟ گفت: دانستن آنکه مخلوق [بدون خواست خدا] نه زبانی تواند زد و نه سودی تواند رساند. نه می‌تواند عطا کند و نه منع نماید. و نیز نومید بودن از مخلوق. هر گاه بنده چنین باشد دیگر برای هیچ کس جز خدا عملی انجام نمی‌دهد و جز خدا به کسی امید نمی‌بندد و از کسی نمی‌ترسد و به هیچ کس جز خدا چشم طمع نمی‌دوزد؛ این است توکل.

(۱) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گفتم: ای جبرئیل، تفسیر صبر چیست؟ گفت: آن است که آدمی در سختی شکیبایی کند همان گونه که در شادی شکیبایی می‌کند، و در هنگام نیازمندی شکیبایی کند چنان که در وقت بی‌نیازی شکیبایی می‌کند، و در

بلا و گرفتاری شکیبایی کند چنان که در عافیت و سلامتی شکیبایی می‌کند. بنا بر این از حال خود از بلایی که به او می‌رسد نزد کسی شکایت نکند.

گفتم: تفسیر قناعت چیست؟ گفت: آن است که به آنچه از دنیا به او می‌رسد قناعت ورزد؛ با چیز کم بسازد و بر عطای اندک سپاس گزارد.

گفتم: تفسیر رضا چیست؟ گفت: کسی که از آقای خود راضی است بر او خشم نمی‌گیرد، چه به نعمتهای دنیا برسد چه نرسد. و هیچ گاه به عمل اندک خود راضی نمی‌گردد.

گفتم: تفسیر زهد چیست؟ گفت: زاهد دوست می‌دارد کسی را که خالقش را دوست می‌دارد، و دشمن می‌دارد کسی را که خالقش را دشمن می‌دارد. از حلال دنیا احتیاط و دوری می‌کند و به حرام آن اعتنا نمی‌نماید، زیرا حلال آن حساب دارد و حرامش عقاب. بر همه مسلمانان مهر می‌ورزد چنان که به خود مهر می‌ورزد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۷

از سخن [بیهوده] خودداری می‌کند چنان که از مرداری که بوی گندش بلند شده دوری می‌کند. از کالای بی‌ارزش دنیا و زرق و برق آن دوری می‌کند چنان که از آتش دوری می‌نماید که مبادا شعله‌اش او را فرا گیرد. آرزوی خود را کوتاه می‌سازد و مرگ او پیش چشمش مجسم است.

گفتم: ای جبرئیل، تفسیر اخلاص چیست؟ گفت: با اخلاص کسی است که از مردم چیزی نخواهد تا خود بدان دست یابد، و هر گاه به دست آورد بدان راضی می‌شود، و اگر چیزی در دستش باقی ماند در راه خدا می‌بخشد. و چون از مردم درخواستی نکرد به بندگی خود در برابر خداوند اقرار نموده، و اگر به چیزی دست یافت و بدان راضی شد پس از خداوند راضی شده و خدای بزرگ نیز از او راضی است. و اگر چیزی در راه خدا بخشید در حدّ وثوق و اعتماد به خدای خود قرار دارد.

گفتم: تفسیر یقین چیست؟ گفت: مؤمن چنان برای خدا کار می‌کند که گویی خدا را می‌بیند، و اگر او خدا را نمی‌بیند. خدا او را می‌بیند و به طور یقین می‌داند که آنچه به او رسیده نمی‌توانست از او خطا برود، و آنچه از او خطا رفته نمی‌توانست به او برسد. اینها که گفته شد شاخه‌های توکل و نردبان زهد است.

(۱) ۳۰. امام باقر علیه السلام می‌فرمود: فرشته‌ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد، خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید: اگر بخواهی همه ریگهای مکه را برایت طلا-سازم! آن حضرت سر به سوی آسمان برداشت و گفت: پروردگارا، می‌خواهم روزی سیر باشم و سپاس تو گویم، و روزی گرسنه باشم و از تو درخواست نمایم.

(۲) ۳۱. امام باقر علیه السلام می‌فرمود: فرشته‌ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت:

خداوند تو را مختار فرموده که بنده‌ای فروتن و رسول باشی یا پادشاه و رسول! آن حضرت به جبرئیل علیه السلام نگاه کرد و او با دست اشاره کرد که فروتنی اختیار کن.

پس حضرت فرمود: می‌خواهم بنده‌ای فروتن و رسول باشم. آن فرشته در حالی که

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۸

کلیدهای خزائن زمین را در دست داشت گفت: اگر پادشاهی را هم پذیری از مقامی که نزد خدا داری نخواهد کاست.

(۱) ۳۲. علی علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله و تأسی به آن حضرت فرمود: پیامبر پاک و پاکیزه خود را سرمشق گیر ... که از دنیا نیم لقمه‌ای برگرفت و چشمی بدان ندوخت.

از همه کس پهلویش از دنیا لاغرتر و شکمش از دنیا خالی‌تر بود. دنیا بر او عرضه شد ولی نپذیرفت. و هر گاه دانست که خداوند چیزی را دشمن دارد او نیز آن را دشمن داشت و چیزی را که خدا حقیر دانست او نیز حقیر شمرد. و اگر خصلتی جز این در ما نبود

که دوست می‌داریم آنچه را خدا دشمن داشته، و بزرگ می‌داریم چیزی را که خدا کوچک شمرده، همین در مخالفت و دشمنی ما با خدا و سرپیچی از فرمان او بس بود! همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله بر روی زمین غذا می‌خورد. چون بندگان می‌نشست. کفش خود را به دست خویش پینه می‌زد و لباسش را وصله می‌دوخت. بر الاغ بی‌پالان سوار می‌شد و دیگری را هم در ردیف خود سوار می‌کرد. و چون دید پرنده‌ای با نقش و نگار بر در اتاقش آویخته، به یکی از زنان خود فرمود: ای فلانی، این پرده را از نظرم دور دار، که هر گاه به آن می‌نگرم به یاد دنیا و زرق و برق آن می‌افتم! پیامبر صلی الله علیه و آله قلبا از دنیا روی گرداند و یاد آن را در درون خود بکشت. او دوست داشت زینتهای دنیا از نظرش پنهان باشد تا مبادا جامه‌ای زیبا و فاخر از آن برگردد و آن را خانه همیشگی خود پندارد و امید اقامت در آن را در سر پیروراند.

پس دنیا را به کلی از جان خود بیرون کرد و یاد آن را از دل براند و آن را از نظر پنهان داشت. آری هر که چیزی را دشمن دارد نگاه به آن را نیز دشمن دارد و خوش ندارد نامی از آن در نزد او به میان آید.

(۲) ۳۳. امام صادق علیه السلام فرمود: چیزی از دنیا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله خوشتر از آن نبود که در دنیا گرسنه و ترسناک [از خدا و نگران از اوضاع] باشد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۹

(۱) ۳۴. حضرت حسین بن علی علیه السلام ضمن خبری طولانی در شرح حال رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن حضرت از ترس خدا چندان می‌گریست که جای نمازش تر می‌شد، با آنکه گناهی نداشت.

(۲) ۳۵. روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چندان می‌گریست که بیهوش می‌گشت.

به آن حضرت عرض شد: مگر خداوند گناهان گذشته و آینده شما را نبخشوده است؟

فرمود: آیا بنده شکرگزار خدا نباشم؟ ... بیهوشی‌های علی بن ابی طالب علیه السلام نیز در مقامات عبادت و بندگی چنین بود.

(۳) ۳۶. روایت است که ابراهیم خلیل علیه السلام هنگامی که به نماز می‌ایستاد از ترس خدا صدایی مانند صدای جوشش دیگ از او شنیده می‌شد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز چنین بود.

(۴) ۳۷. ابو سعید خدری گوید: چون آیه شریفه اذکروا الله ذکرًا کثیرا «۱» (خدا را فراوان یاد کنید) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر به ذکر خدا مشغول شد که کفّار گفتند: او جن زده و دیوانه گشته است.

(۵) ۳۸. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی هفتاد بار به درگاه خدا توبه می‌کرد. راوی گوید: گفتم: آیا آن حضرت می‌گفت:

«استغفر الله و أتوب الیه»؟

فرمود: نه، بلکه می‌گفت:

«أتوب الی الله»

. گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله توبه می‌کرد و هیچ گاه بر نمی‌گشت ولی ما توبه می‌کنیم و باز به گناه برمی‌گردیم! امام علیه السلام فرمود: باید از خدا کمک خواست.

(۶) ۳۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از هیچ مجلسی - گرچه کوتاه - بر نمی‌خواست مگر اینکه بیست و پنج بار استغفار می‌کرد.

(۷) ۴۰. امیر مؤمنان علیه السلام هر گاه به وصف رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پرداخت می‌فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه مردم بخشنده‌تر، دلیرتر، راستگوتر، باوفاتر، نرمخوتر و

(۱) احزاب / ۴۱.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۰

خوش معاشرت تر بود. هر که در ابتدا او را می‌دید هیبتش او را می‌گرفت، و هر که با حضرتش آمیزش می‌نمود و شناخت پیدا می‌کرد به او علاقمند می‌گردید. من که پیش از او و بعد از او ماندش را ندیده‌ام.

(۱) ۴۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به اخلاق نیک آراسته گردید، که خداوند مرا به اخلاق نیک برانگیخته است. و از اخلاقهای نیک آن است که آدمی گذشت کند از کسی که به او ستم کرده، و بخشش کند به کسی که او را محروم ساخته، و بیپوندد با کسی که از او بریده، و عیادت کند از کسی که او را عیادت نمی‌کند.

(۲) ۴۲. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: از سوگندهای رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که می‌گفت:

«لا، و استغفر الله»

نه، و از خدا آمرزش می‌خواهم «۱».

(۳) ۴۳. عبد الله بن عمر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که خشنودی و خشم از چهره‌اش شناخته می‌شد. به هنگامی که خشنود می‌شد چهره‌اش چون آینه می‌درخشید به حدی که می‌توان گفت نقش دیوار در چهره‌اش می‌افتاد. و چون خشم می‌گرفت رنگ مبارکش گرفته و تیره می‌گشت.

(۴) ۴۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به شما خبر ندهم که کدامتان بیشتر به من شباهت دارید؟ گفتند: چرا، ای رسول خدا. فرمود: کسی که خلقش نیکوتر، و برخوردش با مردم ملایم‌تر، و با خویشانش نیکوکارتر باشد، و برادران دینیش را بیش از همه دوست داشته، و بر حق صبورتر، و خشم خود را فروخورنده‌تر، و گذشتش از همه بهتر، و در حال خشنودی و خشم از همه بانصاف‌تر باشد.

(۵) ۴۵. غزالی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که خیلی خوشحال می‌شد محاسن خویش را زیاد دست می‌کشید.

(۱) در عرب رسم است که هنگام سوگند کلمه «لا» می‌گویند سپس سوگند می‌خورند مانند: «لا و ربک».

و در اینجا مراد این است که آن حضرت پس از گفتن «لا» سوگند نمی‌خورد و به جای آن استغفار می‌کرد. (اقتباس از مرآة العقول علامه مجلسی).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۱

(۱) ۴۶. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشنده‌ترین مردم بود، هرگز شبی نمی‌گذشت که درهم و دیناری نزد او بماند، و اگر چیزی زیاد می‌آمد و تا شب کسی را نمی‌یافت که به او ببخشد، به خانه نمی‌رفت تا آن را به مستحقش برساند. از آنچه خداوند روزیش کرده بود بیش از آذوقه همان سال بر نمی‌داشت، آن هم از میسورترین چیزی که می‌یافت از خرما و جو، و بقیه را در راه خدا مصرف می‌کرد.

هر چه از او می‌خواستند عطا می‌کرد، آنگاه سراغ آذوقه سال خود می‌رفت و از آن هم ایثار می‌نمود، و بسا پیش از تمام شدن سال اگر چیزی به دستش نمی‌رسید خودش نیازمند آذوقه می‌شد ... حق را جاری می‌کرد گرچه برای او یا برای یارانش زیان داشته باشد ... در میان دشمنان بدون نگهبان آمد و شد می‌کرد ... هرگز چیزی از امور دنیا او را به ترس و وحشت نمی‌افکند ... با فقرا می‌نشست و با تهیدستان هم غذا می‌شد. اهل فضل را به خاطر اخلاقتان احترام می‌کرد، و با نیکی کردن به اشخاص آبرومند با آنان خو می‌گرفت. با خویشانش پیوند و رفت و آمد داشت بدون آنکه آنان را بر کسانی که از آنان برتر بودند، مقدم بدارد. به هیچ کس ستم نمی‌کرد، و پوزش عذرخواهان را می‌پذیرفت ... آن حضرت غلامان و کنیزانی داشت ولی در خوراک و پوشاک بر

آنان برتری نداشت. ساعتی از وقت او در غیر بندگی خدا و غیر کار لازمی که صلاح او در آن بود نمی گذشت. گاه به باغ و بستان یاران خود سر می زد. هیچ گاه مسکینی را به خاطر تهیدستی یا بیماریش کوچک نمی شمرد، و از هیچ پادشاهی به خاطر ملک و سلطنتش نمی ترسید. فقیر و پادشاه را یکسان به سوی خدا دعوت می فرمود.

(۲) ۴۷. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه کس دیرتر به خشم می آمد و زودتر خشنود می شد. وی مهربانترین و خیرخواهترین و سودمندترین کس برای مردم بود.

(۳) ۴۸. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خوشحال و خشنود می شد خشنودیش از همه کس نیکوتر بود. در پند و موعظه جدی بود. هنگام خشم - که جز برای خدا آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۲

خشم نمی گرفت - چیزی تاب مقاومت در برابر خشم او را نداشت. آن حضرت در همه کارهایش این چنین جدی بود. چون مصیبتی به او می رسید کارش را به خداوند واگذار می کرد و از حول و قوت خویش بیزاری می جست و از خداوند راه چاره طلب می کرد.

(۱) ۴۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدانید که هر عبادتی در آغاز افراطی دارد، سپس به فترت و سستی می گراید. هر که افراط در عبادتش به سنت من بینجامد راه را یافته است، و هر که با سنت من مخالفت ورزد گمراه گشته و عملش تباه خواهد شد. بدانید که من هم نماز می خوانم و هم می خوابم، هم روزه می گیرم و هم افطار می کنم، هم می خندم و هم می گریم. پس هر که از راه روشن و سنت من روی گرداند از من نیست.

مؤلف: اخبار در مطالب گذشته بیش از حد شمار است، و ما از هر بابی یک یا دو خبر آوردیم. اما جزئیات زندگانی آن حضرت بسیار است «۱».

(۱) به ملحقات شمایل پیامبر صلی الله علیه و آله در آخر کتاب مراجعه فرماید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۳
(۱)

۲ آداب معاشرت پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

(۲) ۵۰. امام صادق علیه السلام به بحر سقاء فرمود: ای بحر، خوش خلقی مایه آسانی امور و شادی زاست ... سپس حدیثی نقل فرمود که می رساند رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش خلق بود.

(۳) ۵۱. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که از نیکی هایش قدردانی نمی شد، در صورتی که نیکی های آن حضرت بر قرشی و بر عرب و عجم جاری بود. کیست که بیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله به این مردم نیکی کرده باشد؟! ما اهل بیت نیز از نیکی های ما قدردانی نمی شود، همچنین مؤمنان برگزیده نیز از نیکی هایشان قدردانی نمی گردد (بنا بر این نباید دلسرد شد و دست از نیکی به دیگران کشید).

(۴) ۵۲. به روایت دیلمی، رسول خدا صلی الله علیه و آله لباس خود را وصله می زد، کفش خود را می دوخت، گوسفندان خود را می دوشید، با بردگان غذا می خورد، بر زمین می نشست، بر دراز گوش سوار می شد و دیگری را نیز ترک خود سوار می کرد. حیا

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۴

مانع نمی‌شد که شخصا نیازمندیهای خود را از بازار تهیه کند و خود به خانه برد. با ثروتمند و فقیر دست می‌داد و دست خود را نمی‌کشید تا طرف مقابل دست خود را بکشد. با هر کس روبرو می‌شد از ثروتمند و فقیر و بزرگ و کوچک سلام می‌کرد. چیزی را که به آن دعوت می‌شد کوچک نمی‌شمرد گرچه پست‌ترین نوع خرما بود.

آن حضرت کم خرج، بلند طبع، خوش معاشرت و خوشرو بود. همیشه لبخند بر لب داشت ولی بلند نمی‌خندید، و غمگین به نظر می‌رسید اما عبوس و دژم نبود. فروتن بود اما خود را کوچک نمی‌نمود، بخشنده بود اما اسراف نمی‌ورزید، و نازکدل و مهربان با همه مسلمانان بود. هرگز از روی سیری باد گلو نزد، و هرگز دست طمع به سوی کسی نگشود.

(۱) ۵۳. به روایت طبرسی، رسول خدا صلی الله علیه و آله در آینه نگاه می‌کرد و موی سر را صاف می‌کرد و شانه می‌زد، و بسا به آب نگاه می‌کرد و موی سر را مرتب می‌ساخت. نه تنها برای خانواده خود که برای یارانش نیز خود را می‌آراست، و می‌فرمود: خداوند دوست دارد که بنده‌اش هنگامی که برای دیدن برادران از خانه بیرون می‌رود خود را آماده و آراسته نماید.

(۲) ۵۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پنج چیز است که تا دم مرگ از آنها دست بر نمی‌دارم: روی زمین با بردگان غذا خوردن، بر الاغ پالاندار سوار شدن، شیر بز را با دست خود دوشیدن، لباس پشمینه پوشیدن و به کودکان سلام کردن، تا آنکه پس از من سنت شود.

(۳) ۵۵. به روایت قطب راوندی، رسول خدا صلی الله علیه و آله بر کوچک و بزرگ سلام می‌کرد.

(۴) ۵۶. امیر مؤمنان علیه السلام به مردی از قبیله سعد فرمود: ... صبح یکی از روزها رسول خدا صلی الله علیه و آله به سراغ من و فاطمه آمد و ما هنوز در بستر خواب بودیم، فرمود:

سلام بر شما. ما در آن شرایط شرم کرده، جواب نگفتیم. بار دیگر فرمود: سلام بر

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۵

شما. باز جواب ندادیم. بار سوم فرمود: سلام بر شما. ما ترسیدیم که اگر جواب نگویم آن حضرت باز گردد، زیرا عادت حضرتش چنین بود که سه بار سلام می‌کرد، اگر جواب می‌شنید داخل می‌شد و گر نه بازمی‌گشت. پس گفتیم: و سلام بر شما ای رسول خدا، بفرمایید، و حضرت داخل شد ...

(۱) ۵۷. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان سلام می‌کرد و آنان نیز پاسخ می‌گفتند. و امیر مؤمنان علیه السلام به زنان سلام می‌کرد ولی کراهت داشت که به زنان جوان سلام کند و می‌فرمود: می‌ترسم از آهنگ صدای آنان خوشم آید، آن‌گاه زیان این کار بیش از اجری که در نظر دارم بر من وارد شود.

(۲) ۵۸. به روایت عبد العظیم حسنی رحمه الله، رسول خدا صلی الله علیه و آله سه گونه می‌نشست: گاه [کف پاها را زمین نهاده] ساقهای پاها را بلند می‌کرد و دو دست خود را جلو آن قرار می‌داد و ساق دست را در کف دست دیگر می‌گرفت (چنک می‌زد)، و گاه دو زانو می‌نشست، و گاه یک پا را تا کرده زیر ران می‌نهاد و پای دیگر را روی آن می‌خواباند، و هرگز دیده نشد که آن حضرت [مانند متکبران] چهار زانو بنشیند.

(۳) ۵۹. علی علیه السلام فرمود: هرگز نشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی دست دهد و زودتر از او دستش را بکشد، بلکه درنگ می‌کرد تا او دستش را بیرون کشد. و هرگز کسی با آن حضرت در کاری یا سخنی مشارکت نکرد که حضرت زودتر از او دست از کار کشد بلکه صبر می‌کرد تا وی دست از کار بکشد. و نشد کسی با آن حضرت گفتگو را آغاز کند و حضرت پیش از او سکوت کند. و هرگز دیده نشد که نزد کسی پای خود را دراز کند. و هرگز میان دو کار مخیر نشد مگر اینکه دشوارترین آنها را اختیار می‌فرمود. و در ستمی که به او می‌شد در صدد انتقام بر نمی‌آمد مگر آنکه محارم خدا هتک شود، که در

این صورت به خاطر خدا خشم می‌گرفت. و هرگز در حال تکیه دادن چیزی نخورد تا از دنیا رحلت فرمود.

و چیزی از آن جناب درخواست نشد که «نه» بگوید. و هرگز حاجتمندی را

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۶

رد نکرد جز آنکه یا حاجت او را بر می‌آورد، یا او را با سخنی نرم و دلنواز خرسند می‌ساخت. نمازش در عین تمامیت از نماز همه مردم سبکتر، و خطبه‌اش از همه کوتاه‌تر و از بیهوده‌گویی بر کنار بود. و چون از راه می‌رسید از بوی خوشش شناخته می‌شد. و چون با دیگران بر سر یک سفره می‌نشست اول کسی بود که شروع به غذا خوردن می‌کرد و آخرین کسی بود که از غذا دست می‌کشید، و هنگام غذا خوردن از جلو خود میل می‌فرمود، و تنها هنگام خوردن رطب و خرما دست به سوی دیگر هم می‌برد.

(۱) آشامیدنی را با سه نفس می‌آشامید، و آب را می‌مکید و یکباره سر نمی‌کشید.

دست راستش به خوردن و آشامیدن و گرفتن و دادن اختصاص داشت و جز با دست راست چیزی نمی‌گرفت و نمی‌داد، و دست چپش برای سایر اعضای بدنش بود «۱». در همه کارها چون لباس پوشیدن، کفش پوشیدن و از مرکب پیاده شدن شروع با دست یا پای راست را دوست داشت.

چون کسی را صدا می‌زد سه بار تکرار می‌کرد، ولی در سخن گفتن یک بار بیشتر نمی‌گفت. و اگر اذن دخول می‌گرفت سه بار تکرار می‌فرمود. کلامش روشن بود و هر شنونده‌ای آن را می‌فهمید. به هنگام سخن گفتن سفیدی دندان‌ش برق می‌زد، و اگر او را می‌دید می‌گفتی دندانهای پیش او فاصله دارد ولی فاصله نداشت.

نگاه کردنش کوتاه بود و به کسی خیره نمی‌شد. با کسی سخنی را که او خوش نمی‌داشت نمی‌گفت. هنگام راه رفتن مانند کسی که از سرایشی فرود می‌آید قدم بر می‌داشت. می‌فرمود: بهترین شما خوشخوترین شماست. هیچ خوراکی را نکوهش یا ستایش نمی‌کرد. یاران آن حضرت در حضور او کشمکش و بگو مگو نمی‌کردند.

هر کس از او سخن می‌گفت، می‌گفت: هیچ کس را مانند آن جناب صلی الله علیه و آله پیش از آن و

(۱) در روایت است که

الیمین للوجه، و اليسار للفرج

«دست راست برای صورت و بالاتنه است، و دست چپ برای پایین تنه».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۷

بعد از آن ندیده و نخواهم دید.

(۱) ۶۰. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهش را میان یارانش تقسیم می‌کرد و به این و آن یک نواخت می‌نگریست. آن حضرت در میان یاران هرگز پای خود را دراز نکرد. و اگر مردی با آن حضرت دست می‌داد حضرت دست او را رها نمی‌کرد تا او دست خود را عقب بکشد، و چون مردم این نکته را فهمیدند چون با آن حضرت دست می‌دادند فوراً دست خود را از دست حضرتش بیرون می‌کشیدند.

به روایتی دیگر: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز سائلی را رد نکرد، اگر چیزی داشت می‌داد، و گر نه می‌فرمود: خدا برساند.

(۲) ۶۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه با کسی می‌نشست از جا بر نمی‌خاست تا همنشین او از جا برخیزد.

(۳) ۶۲. به روایت طبرسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام سخن گفتن لبخند می‌زد.

(۴) ۶۳. یونس شیبانی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: شما با یک دیگر چگونه شوخی می‌کنید؟ گفتم: خیلی کم!

فرمود: چرا شوخی نمی‌کنید؟! شوخی از خوشخویی است. و با شوخی می‌توانی برادر دینی خود را شاد سازی. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردم شوخی می‌کرد و می‌خواست بدین وسیله آنان را شاد سازد.
(۵) ۶۴. امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنی نیست مگر آنکه از شوخی بهره‌ای دارد.
رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز شوخی می‌کرد ولی جز سخن حق چیزی نمی‌گفت.

(۶) ۶۵. معمر بن خلاد گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم و گفتم: قربانت گردم، آدمی در میان گروهی قرار دارد، سخنی به میان می‌آید که همه شوخی می‌کنند و می‌خندند، این چه صورت دارد؟ فرمود: مانعی نیست، اگر نباشد- و من یقین کردم منظور آن حضرت آن است که فحش و ناسزایی در میان نباشد- سپس فرمود: مردی از اعراب بادیه‌نشین نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آمد و برای آن حضرت هدیه می‌آورد و همان جا می‌گفت: پول هدیه مرا مرحمت کن! و رسول خدا صلی الله علیه و آله از این سخن

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۸

می‌خندید. و هر گاه غمگین می‌شد می‌فرمود: اعرابی چه می‌کند؟ کاش نزد ما می‌آمد [و با سخنانش ما را می‌خنداند].

(۱) ۶۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اوقات رو به قبله می‌نشست.
(۲) ۶۷. به روایت طبرسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که کودک را برای دعای برکت یا نامگذاری حضور انورش می‌آوردند و آن حضرت به احترام کسانش او را در دامن خود می‌نشاند، و گاه می‌شد که کودک در دامن آن حضرت ادرار می‌کرد، برخی از کسانی که ناظر بودند به روی کودک فریاد می‌زدند، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: با تندی از ادرار کودک جلوگیری نکنید، او را رها کنید تا کاملاً ادرار کند. آن گاه به دعا و نامگذاری وی می‌پرداخت و کسان کودک نیز خوشحال می‌شدند و آزرده‌گی و ملالت خاطری از این حادثه در پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌دیدند، و چون از نزد آن حضرت بازمی‌گشتند ایشان لباس خود را آب می‌کشید.

(۳) ۶۸. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که سواره بود نمی‌گذاشت کسی پیاده همراه او حرکت کند، یا او را با خود سوار می‌کرد، و اگر وی نمی‌پذیرفت حضرت می‌فرمود: جلوتر برو و هر جا در نظر داری منتظر من بمان.
(۴) ۶۹. در اخبار آمده: رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ گاه برای خود از کسی انتقام نگرفت، بلکه آزار دهندگان را می‌بخشید و از آنان گذشت می‌فرمود.

(۵) ۷۰. به روایت طبرسی: ... (مانند روایت ۶۱ است)

(۶) ۷۱. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر یکی از یارانش را سه روز بی‌پایی نمی‌دید از حال وی جویا می‌شد، اگر در سفر بود برایش دعا می‌کرد، اگر در شهر بود به دیدارش می‌رفت، و اگر بیمار بود از او عیادت می‌فرمود.
(۷) ۷۲. انس گوید: نه سال خدمتگزاری پیامبر صلی الله علیه و آله کردم، هرگز یاد ندارم که در این مدت به من فرموده باشد: چرا فلان کار را نکردی؟! و هرگز در کاری بر من ایراد نگرفت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۹

(۱) ۷۳. انس گوید: به خدایی که پیامبر را به حق مبعوث کرد، هرگز نشد که آن حضرت در کاری که خوشایندش نبود به من فرموده باشد: چرا چنین کردی؟! و هیچ گاه همسرانش مرا ملامت نکردند جز آنکه می‌فرمود: کاری به او نداشته باشید، تقدیر و سرنوشت چنین بوده است.

(۲) ۷۴. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله را کسی از یاران یا دیگران صدا نمی‌زد جز آنکه در جواب می‌فرمود: لئیک.
(۳) ۷۵. و نیز گوید: آن حضرت برای احترام و به دست آوردن دل‌های یاران خود آنان را به کنیه صدا می‌زد «ا»، و برای کسانی که

کنیه نداشتند کنیه قرار می‌داد و مردم نیز او را به همان کنیه می‌خواندند. همچنین برای زنان فرزندان و بی‌فرزند و حتی بچه‌ها کنیه قرار می‌داد و بدین وسیله دلهای آنان را به دست می‌آورد.

(۴) ۷۶. هر گاه کسی بر آن حضرت وارد می‌شد حضرت تشکچه‌اش را به او می‌داد، و اگر شخص تازه وارد نمی‌خواست قبول کند او را سوگند می‌داد تا بپذیرد.

(۵) ۷۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه مبارک رمضان مانند باد تند و سریع بود که چیزی در دستش قرار نمی‌گرفت و هر چه داشت انفاق می‌کرد.

(۶) ۷۸. عجلان گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که سائلی آمد، امام برخاست و از سبیدی که در آن خرما بود دست خود را پر کرد و به سائل داد. سائلی دیگر آمد، امام دوباره برخاست و مشتی خرما برداشت و به او داد. سائل سومی آمد، باز برخاست و مشتی خرما برداشت و به او داد. بار چهارم سائل دیگر آمد، امام فرمود:

خداوند روزی رسان ما و شماست! سپس فرمود: کسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی از دنیا نمی‌خواست مگر اینکه عطا می‌فرمود، تا آنکه زنی پسر خود را نزد آن حضرت فرستاد و به او گفت: نزد حضرت برو و از او چیزی بخواه، اگر فرمود: فعلا چیزی نداریم، بگو: پیراهن خود را به من بده. امام فرمود: آن حضرت پیراهن خویش را

(۱) به پاورقی صفحه ۸۶ رجوع شود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۰

در آورد و نزد پسر افکند (و به او عطا فرمود)، آن گاه خداوند آن حضرت را به میان‌روی ادب فرمود و این آیه را فرستاد: و لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک «۱» «دست خود را به گردنت میند (بخل موز) و نیز به طور کلی باز مکن (هر چه داری مده) که در غیر این صورت ملول و دل‌تنگ خواهی نشست».

(۱) ۷۹. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از هدیه میل می‌کرد و از صدقه میل نمی‌فرمود.

(۲) ۸۰. موسی بن عمران بن بزیع گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: قربانت گردم، مردم روایت کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه از راهی می‌رفت، در هنگام مراجعت از راهی دیگر بازمی‌گشت، آیا چنین است؟ فرمود: آری، من هم بسیاری از اوقات چنین می‌کنم، تو نیز چنین کن، و آگاه باش که این کار برای روزی آورتر است.

(۳) ۸۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از طلوع آفتاب از خانه بیرون می‌رفت.

(۴) ۸۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه داخل منزلی (یا مجلسی) می‌شد در نزدیکترین جا به محل ورود خود می‌نشست.

(۵) ۸۳. در کتاب «عوالی اللثالی» گوید: نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش نمی‌داشت کسی پیش پای وی برخیزد، و مردم نیز از این جهت پیش پای حضرتش بر نمی‌خاستند، ولی هنگامی که حضرت برای رفتن بر می‌خواست آنان نیز با او بر می‌خاستند و تا در منزل بدرقه‌اش می‌کردند.

(۶) ۸۴. اسحاق بن عمیر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه اراده جنگ می‌کرد زنان خود را فرا می‌خواند و با آنان مشورت می‌کرد، سپس خلاف نظر آنان عمل می‌نمود.

(۱) اسراء / ۲۹.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۱

(۱) ۸۵. در «مناقب» گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در وقت نیم روز در اتاق ام سلمه می‌خوابید، و او عرق آن حضرت را جمع می‌کرد و داخل عطر می‌نمود.

ملحقات

(۲) (۱) امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با بندگان خدا به اندازه عقل خود سخن نگفت. خود آن حضرت فرموده است: ما گروه پیامبران مأموریم با مردم به اندازه عقل آنان سخن گوئیم.

(۳) (۲) و نیز فرمود: ما گروه پیامبران همان گونه که مأموریم واجبات را بر پا داریم مأموریم با مردم به مدارا رفتار کنیم.

(۴) (۳) (تکرار روایت ۲ است).

(۵) (۴) سعد بن هشام گوید: نزد عایشه رفتم و از وی در باره اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم، گفت: آیا قرآن نمی‌خوانی؟ گفتم: چرا، گفت: اخلاق رسول خدا [همان دستورات اخلاقی] قرآن است.

(۶) (۵) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مردانگی و جوانمردی ما خاندان، در گذشتن از کسانی است که به ما ستم کرده‌اند و بخشش به کسانی است که ما را محروم ساخته‌اند.

(۷) (۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا دستور داده که مسلمانان فقیر را دوست بدارم.

(۸) (۷) امام صادق علیه السلام فرمود: صبر، راستگویی، بردباری و خوش خلقی از اخلاق پیامبران علیهم السلام است.

(۹) (۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار به درگاه خدا تضرع و زاری می‌نمود و همیشه از خداوند درخواست می‌کرد که او را به آداب پسندیده و اخلاق نیک زینت بخشد، از این رو در دعای خود می‌گفت: خدایا اخلاق مرا نیکو ساز ... خدایا مرا از اخلاق

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۲

ناپسند دور ساز.

(۱) (۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرشته روح الامین - جبرئیل - از سوی پروردگار جهانیان بر من نازل شد و گفت: «ای محمّد، بر تو باد به اخلاق خوش، زیرا - بدخلقی خیر دنیا و آخرت را از بین می‌برد.» آگاه باشید که شبیه‌ترین شما به من کسانی هستند که اخلاقشان از همه نیکوتر باشد.

(۲) (۱۰) حسین بن زید گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم، آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز با کسی شوخی می‌کرد؟ فرمود: خداوند او را به داشتن خلقی بزرگ ستوده است، در همه پیامبرانی که خداوند برانگیخت نوعی خشونت و گرفتگی وجود داشت، ولی محمّد صلی الله علیه و آله را با مهر و رأفت آن حضرت به امتش این بود که با آنان شوخی می‌کرد تا مبادا عظمتش چندان در آنان تأثیر کند که نتوانند به او نگاه کنند! جدّم علی علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از یارانش را غمگین می‌دید با شوخی کردن دل او را شاد می‌ساخت. آن حضرت می‌فرمود: خداوند کسی را که با ترشویی با برادرانش دیدار کند دشمن می‌دارد.

(۳) (۱۱) زید بن ثابت گوید: چون با رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌نشستیم، اگر از آخرت شروع به سخن گفتن می‌کردیم او نیز با ما همسخن می‌شد، و اگر از دنیا سخن می‌گفتیم باز هم با ما همسخن می‌شد، و اگر از خوردنیها و آشامیدنیها سخن می‌گفتیم باز هم با ما در آن زمینه سخن می‌گفت.

(۴) (۱۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله با چشم و ابرو و دست اشاره نمی‌کرد.

(۵) (۱۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از زنان خود فرمود: آیا تو را نهی نکردم که چیزی را برای فردا ذخیره نکنی؟! زیرا خداوند روزی هر فردایی را خواهد رساند.

(۶) (۱۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین و گرامی‌ترین خوی پیامبران و راستان و شهدا و صالحان، به دیدار یک دیگر رفتن برای خداست.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۳

(۱) (۱۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از اخلاق پیامبران و راستان خوشرویی به هنگام دیدار و دست دادن به هنگام ملاقات است.

(۲) (۱۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه با مسلمانی دیدار می‌کرد نخست با او دست می‌داد.

(۳) (۱۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: هیچ یک از شما یارانم از دیگری نزد من بدگویی نکند، زیرا من دوست دارم که با دلی صاف و پاک نزد شما بیایم (و از کسی دلگیر نباشم).

(۴) (۱۸) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ما گروه پیامبران و امینان و پرهیزگاران از تکلف و زحمت بی‌جا به خود دادن بری هستیم.

(۵) (۱۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من برانگیخته شده‌ام تا مرکز حلم و معدن علم و مسکن صبر باشم.

(۶) (۲۰) ابو ذر رحمه الله گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بدون امتیاز در میان اصحاب خود می‌نشست به گونه‌ای که هر گاه شخص غریبی وارد می‌شد نمی‌دانست پیامبر کدام است تا آنکه برسد. ما از پیامبر صلی الله علیه و آله خواهش کردیم که برای خود جای خاصی قرار دهد تا شخص تازه وارد آن حضرت را بشناسد. پس برایش سکویی از گل ساختیم و حضرت بر آن می‌نشست و ما در دو طرف او می‌نشستیم.

(۷) (۲۱) روایت شده که از سنن پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که چون با گروهی سخن می‌گویی در میان آنان فقط به یک فرد معین رو نکنی، بلکه همگان را مورد توجه قرار دهی.

(۸) (۲۲) و نیز روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله لباس خود را می‌دوخت و کفش خود را پینه می‌زد، و بیشتر کاری که در خانه انجام می‌داد خیاطی بود.

(۹) (۲۳) و نیز روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز غلام و کنیز و غیر آنان را نزد مگر در راه خدا، و هرگز برای شخص خود از کسی انتقام نگرفت و انتقام او تنها

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۴

برای آن بود که خواسته باشد یکی از مجازاتهای الهی را در باره کسی اجرا کند.

(۱) (۲۴) امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر به راستگویی و ادای امانت به صاحبش، نیکوکار باشد یا بدکار.

(۲) (۲۵) امام صادق علیه السلام فرمود: امانت را به صاحبش بازگردانید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله حتی نخ و سوزنی را که به او سپرده بودند به صاحبش باز می‌گرداند.

(۳) (۲۶) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردی وعده نهاد که در کنار فلان صخره در انتظار او بماند تا بیاید. پیامبر در آنجا ماند و شدت گرمی آفتاب در آن مکان حضرت را رنج می‌داد، یارانش گفتند: یا رسول الله، خوب است زیر سایه بروید! فرمود: من در اینجا با او وعده نهاده‌ام، و اگر نیامد خلف وعده از او خواهد بود.

(۴) (۲۷) امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمود: ما خاندان پیامبر دستور داریم بینوایان را طعام دهیم، گرفتاران را در سختی‌ها پناه دهیم و آن‌گاه که مردم در خوابند به نماز برخیزیم.

(۵) (۲۸) در روایت آمده: برای حضرت رضا علیه السلام مهمانی رسید، امام مقداری از شب را با او نشست و گفتگو می‌کرد، در این

میان نور چراغ تغییر کرد و کم سو شد، مهمان دست دراز کرد تا چراغ را اصلاح کند، حضرت رضا علیه السّلام جلو دست او را گرفت و پیشدستی نموده، خود به اصلاح چراغ پرداخت، سپس فرمود: ما مردمی هستیم که مهمانان خود را به کار نمی‌گیریم. (۶) (۲۹) حریر بن عبد الله گوید: گروهی از قبیله جهینه بر امام صادق علیه السّلام وارد شدند و آن حضرت از آنان پذیرایی کرد. چون خواستند از حضورش مرخص شوند امام توشه راه برایشان فراهم ساخت و به آنان صله داد و بخشش نمود، سپس به غلامان خود فرمود: از آنان دور شوید و در بستن بارهاشان کمک نکنید. چون مهمانان از بستن بار و بنه فارغ شدند و برای خداحافظی خدمت آن حضرت آمدند

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۵

گفتند: یا بن رسول الله، ما را به مهمانی پذیرفتی و خوب هم پذیرایی فرمودی، اما در آخر به غلامان خود دستور دادی که در بستن بارها به ما کمک نکنند؟! فرمود: ما خاندان پیامبر مهمانان را برای رفتن از نزد خود کمک نمی‌کنیم. (۱) (۳۰) موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود: هنگامی که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله مهمان می‌رسید حضرت با او هم غذا می‌شد، و تا مهمان از غذا خوردن دست نمی‌کشید آن حضرت نیز دست نمی‌کشید.

(۲) (۳۱) غزالی گوید: از سنن پیامبر صلی الله علیه و آله در باره مهمان آن است که او را تا دم درب خانه مشایعت کنند.

(۳) (۳۲) یکی از یاران امام صادق علیه السّلام گوید: بسا اتفاق می‌افتاد که امام صادق علیه السّلام از ما با نان روغنی و حلوی روغن و خرما پذیرایی می‌کرد و سپس نان و زیتون به ما می‌خورانید. به آن حضرت عرض شد: بهتر است حساب‌شده‌تر کار کنید تا اعتدال رعایت شود! فرمود: ما به حساب و تدبیر خدا کار می‌کنیم؛ وقتی خدا به ما گشایش دهد ما نیز در زندگی گشایش می‌دهیم، و هر گاه تنگ گیرد ما نیز جمع و جورتر خرج می‌کنیم.

(۴) (۳۳) امام صادق علیه السّلام به یارانش می‌فرمود: کسی که به شما اظهار دوستی می‌کند با ذکر عیبهایش به او طعنه نزنید و خوی زشتی را که گرفتار آن است به رخ او نکشید، زیرا این کار نه از اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله و نه از اخلاق اولیای خداست.

(۵) (۳۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مرا برای خوردن پاچه گوسفندی هم دعوت کنند می‌پذیرم، و چنانچه آن را به من هدیه دهند قبول می‌کنم.

(۶) (۳۵) معمر بن خلاد گوید: یکی از غلامان حضرت رضا علیه السّلام به نام سعد از دنیا رفت، حضرت فرمود: مردی صاحب فضل و امانت را به من معرفی کن. عرض کردم: من به شما معرفی کنم؟! امام بسان مردی خشمگین فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با یاران خود مشورت می‌کرد، سپس به آنچه تصمیم می‌گرفت عمل می‌کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۶

(۱) (۳۶) امام عسکری علیه السّلام فرمود: به پدر بزرگوارم عرض کردم: هنگامی که یهود و مشرکان با رسول خدا صلی الله علیه و آله عناد و لجاجت می‌ورزیدند، آیا آن حضرت با آنان مناظره و احتجاج می‌کرد؟ فرمود: آری، بارها و بارها این اتفاق افتاد.

(۲) (۳۷) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از نخستین چیزهایی که خداوند مرا از آنها نهی کرد نزاع و کشمکش با مردم بود.

(۳) (۳۸) امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: وقتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی می‌خواستند، اگر می‌خواست آن را انجام دهد می‌فرمود: آری (به چشم)، و اگر نمی‌خواست انجام دهد سکوت می‌کرد، و هرگز در باره چیزی «نه» نمی‌گفت.

(۴) (۳۹) انس گوید: هر گاه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدیم حلقه‌وار دور هم می‌نشستیم.

(۵) (۴۰) جابر گوید: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون می‌شد یارانش پیشاپیش آن حضرت راه می‌رفتند و پشت سر او را برای فرشتگان می‌گذاشتند.

(۶) (۴۱) جابر بن عبد الله انصاری در حدیثی که برخی از آداب جنگ رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر شمرده گوید: آن حضرت در جنگها آخر همه مردم حرکت می کرد، و اگر شخص ناتوانی از رفتن باز مانده بود او را به نرمی و آرامی ردیف خود سوار می کرد؛ و برای شرکت کنندگان دعا می نمود.

(۷) (۴۲) روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله از کالای دنیا به آنچه در نظر دیگران نیکو و فریبنده بود نگاه نمی کرد.

(۸) (۴۳) و نیز روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از چیزی ناراحت و غمگین می شد به نماز و عبادت خدا پناه می برد.

(۹) (۴۴) و نیز روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله با خوی خوش خود با مردم معاشرت می کرد ولی دلش از آنان جدا بود؛ ظاهرش با خلق خدا و باطنش با حق تعالی بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۷

(۱) (۴۵) و نیز روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله تنهایی و خلوت با خدا را دوست داشت.

(۲) (۴۶) ام سلمه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در اواخر عمر همواره در حال برخاستن و نشستن و رفتن و آمدن می گفت: «سبحان الله و بحمده، استغفر الله و اتوب الیه»

. چون علت آن را پرسیدیم، فرمود: از سوی خداوند دستور دارم؛ سپس سوره إذا جاء نصر الله را می خواند [که در آن دستور به تسبیح گفتن و استغفار کردن به آن حضرت داده شده است].

(۳) (۴۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا به هفت چیز دستور فرموده است: مرا سفارش کرده که در تمام کارهای پنهان و آشکارم اخلاص ورزم، و از کسی که بر من ستم نماید در گذرم، و به هر که مرا محروم سازد بخشش کنم، و با هر که با من قطع رابطه کرد رابطه برقرار سازم، و سکوتم برای تفکر، و نگاهم برای پند و عبرت باشد.

(۴) (۴۸) در روایت آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله کفش خود را پینه می زد، و لباسش را وصله می کرد، و خود در خانه را باز می کرد، و شیر گوسفندان را می دوشید، و شتر را می بست سپس شیر آن را می دوشید، و چون خادمش از آسیاب کردن خسته می شد به او کمک می کرد و خود آسیاب می نمود.

آب وضوی شبش را خود تهیه می کرد؛ هیچ کس در شرم و حیا بر او پیشی نداشت؛ هنگام نشستن تکیه نمی کرد در کارها به اهل خانه کمک می نمود و با دست خود گوشت خرد می کرد.

چون بر سر سفره غذا حاضر می شد مانند بندگان می نشست؛ بعد از غذا انگشتان خود را می لیسید، و هرگز در اثر برخورد باد گلو نزد.

دعوت هر کسی را - آزاد باشد یا بنده - می پذیرفت اگر چه برای خوردن دست و پاچه گوسفندی بود. هدیه را قبول می کرد گرچه جرعه‌ای شیر بود و از غذای هدیه می خورد ولی از غذای صدقه نمی خورد. به چهره کسی خیره نمی شد. برای

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۸

خدا خشم می گرفت اما برای خویش خشم نمی گرفت.

گاهی از گرسنگی سنگ بر شکم می بست. هر طعمی که حاضر می شد میل می کرد، و هر غذایی که می یافت رد نمی کرد.

(۱) دو لباس روی هم نمی پوشید، گاه یک نوع برد راه راه یمانی به تن می کرد، گاه عبایی پشمینه روی دوش می افکند، و گاه لباسهای کلفت از پنبه و کتان می پوشید، و بیشترین لباسهای حضرتش سفید بود. زیر عمامه شبکلاه به سر می گذاشت. پیراهن را از سمت راست آن می پوشید. یک لباس مخصوص روز جمعه داشت. هر گاه پیراهن نو می پوشید پیراهن کهنه خود را به فقیری می داد. عبایی داشت که هر جا می رفت آن را برایش دو تا می کردند و بر روی آن می نشست.

انگشتی نقره در انگشت کوچک دست راست می‌کرد.

هندوانه و خربزه را دوست می‌داشت، و از بوهای ناخوش بدش می‌آمد.

هنگام وضو گرفتن مسواک می‌کرد. موقع سوار شدن، غلام خود و یا کس دیگری را ردیف خود سوار می‌کرد، هر حیوانی که برایش میسر بود سوار می‌شد: اسب، استر، الاغ. بر الاغ بی‌پالان که تنها لگامی بر آن بود نیز سوار می‌شد.

گاهی پیاده نیز و پابرهنه و بدون پوشیدن عبا و عمامه و عرقچین راه می‌رفت.

تشییع جنازه می‌کرد، و در دورترین نقاط شهر از بیماران عیادت می‌فرمود.

با فقرا می‌نشست، و با تهیدستان هم‌غذا می‌شد و با دست خود برای آنان لقمه می‌گرفت. به اهل فضیلت احترام می‌گذاشت، و با نیکویی کردن به اشخاص آبرومند با آنان انس می‌گرفت. با خویشاوندان خود صله رحم می‌کرد بدون آنکه آنان را بر دیگران مقدم دارد مگر به آنچه خدا امر فرموده باشد.

بر کسی ستم و درشتی نمی‌کرد. پوزش عذرخواهان را می‌پذیرفت. بیش از همه کس لبخند بر لب داشت مگر زمانی که قرآن بر او نازل می‌شد و یا مردم را موعظه می‌کرد. و خنده‌اش بدون قهقهه بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۹

(۱) در خوراک و پوشاک از غلامان و کنیزان خود برتری نمی‌جست. هرگز به کسی فحش و ناسزا نگفت، و هیچ گاه زن یا خادمی را لعن و نفرین نکرد، و هیچ گاه کسی را در حضور آن حضرت سرزنش نکردند جز آنکه می‌فرمود: رهایش کنید و به او کار نداشته باشید.

کسی نزد او نمی‌آمد- آزاد باشد یا غلام یا کنیز- جز آنکه در پی حاجت او بر می‌خاست. خشن و درشتخو نبود، و در بازارها جار نمی‌زد. در مقابل بدی دیگران بدی نمی‌کرد، بلکه بدی آنان را نادیده می‌گرفت و از آنان در می‌گذشت. به هر کس می‌رسید آغاز به سلام می‌کرد.

هر کس برای کاری نزد او می‌آمد با وی همکاری می‌کرد تا آنکه خود آن شخص منصرف گردد. هرگز نشد کسی دست آن حضرت را بگیرد و ایشان پیش از وی دستش را از دست او بیرون کشد. و چون به مرد مسلمانی می‌رسید نخست با او دست می‌داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر نمی‌خاست و نمی‌نشست جز به یاد خدا. و هنگامی که در نماز بود کسی نزد او نمی‌نشست جز آنکه نمازش را کوتاه می‌کرد و به وی رو نموده می‌فرمود: آیا حاجتی داری؟

در نشستن اکثرا کف پاها را بر زمین می‌گذاشت و زانوها را در بغل می‌گرفت.

هنگام ورود به مجلس در نزدیکترین جایی که خالی بود می‌نشست، و بیشتر اوقات رو به قبله می‌نشست.

هر کس را که بر او وارد می‌شد احترام می‌کرد و بسا لباس خود را زیر او می‌گسترده و شخص تازه وارد را بر خود ترجیح داده، بر تشکچه‌اش می‌نشاند. در حال خشنودی و خشم جز به حق سخن نمی‌گفت.

آن حضرت خیار را گاه با خرما و گاه با نمک میل می‌کرد. در میان میوه‌های تازه هندوانه و خربزه و انگور را بیش از همه دوست می‌داشت. بیشتر خوراک

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۰

آن حضرت آب و خرما بود. شیر را با خرما میل می‌کرد و آن را دو غذای پاکیزه می‌نامید. گوشت را بیش از غذاهای دیگر دوست داشت، و ترید را با گوشت تناول می‌کرد. کدو را دوست داشت. از گوشت شکار می‌خورد ولی خود شکار نمی‌کرد.

نان و روغن میل می‌کرد. از گوشت گوسفند، ماهیچه و سردست را دوست داشت، و از پختنی‌ها «کدو حلوائی»، از خورش‌ها «سرکه»، از خرما «عجوه» (که نوعی خرما پر گوشت است)، و از سبزی‌ها «کاسنی و ریحان کوهی و کلم» را دوست داشت.

(۱) (۴۹) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در دعای خود می گفت: خدایا، مرا مسکین و تهیدست زنده بدار، و مسکین و تهیدست بمیران، و در زمره مسکینان و تهیدستان محشور فرما ...

(۲) (۵۰) عبد الله بن ابی اوفی گوید: هر گاه کسی زکاتی نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله می آورد، آن حضرت قوم و قبیله او را دعا می کرد و می گفت: خداوندا، بر آل فلان درود فرست.

(۳) (۵۱) در روایت آمده که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فال نیک را دوست داشت و از فال بد بدش می آمد (یعنی دوست نداشت کسی فال بد بزند).

(۴) (۵۲) علی علیه السَّلام فرمود: هر گاه کسی نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله سخن دروغی می گفت، آن حضرت لبخند می زد و می فرمود: او یک حرفی می زند!

(۵) (۵۳) روایت است که هر گاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله سخنی می گفت یا چیزی از او می پرسیدند سه مرتبه تکرار می کرد تا هم حرف طرف کاملاً روشن شود و هم دیگران فرمایش او را درست بفهمند.

(۶) (۵۴) روایت است که چون یاران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله خدمت ایشان می رسیدند [به جای سلام] می گفتند: «صبح به خیر و شب به خیر» و این سلام و تحیت مردم زمان جاهلیت بود، پس خداوند این آیه را فرستاد: «و هنگامی که نزد تو می آیند تو را به

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۱
چیزی تحیت گویند که خداوند تو را با آن تحیت ننگفته است (۱)». آن گاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله به آنان فرمود: خداوند بهتر از این را که تحیت بهشتیان است به ما ارزانی داشته و آن «السلام علیکم» است.

(۱) (۵۵) هر گاه یکی از مسلمانان به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله سلام می کرد و می گفت: «سلام علیک» در پاسخ می فرمود:
«و علیک السلام و رحمه الله»

، و چون می گفت: «السلام علیک و رحمه الله» پیامبر می فرمود:
«و علیک السلام و رحمه الله و برکاته»

، و آن حضرت بدین گونه در پاسخ سلام کنندگان می افزود.

(۲) (۵۶) علی علیه السَّلام فرمود: هر گاه تولد دختری را به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله مژده می دادند می فرمود: شاخه گلی است و روزیش بر خداست.

(۳) (۵۷) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: من مأمورم که زکات را از ثروتمندان بگیرم و به نیازمندان برسانم.

(۴) (۵۸) امام صادق علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله زکات روستاییان را میان روستاییان، و زکات شهریان را میان شهریان تقسیم می کرد ...

(۵) (۵۹) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: من تربیت شده خدا هستم، و علی تربیت شده من است؛ پروردگارم مرا به بخشش و نیکی کردن دستور داده، و از بخل و جفا کردن نهی فرموده است.

(۶) (۶۰) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: هر که از ما چیزی بخواهد، اگر آن را داشته باشیم از وی دریغ نمی کنیم.

(۷) (۶۱) علی علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هر گاه چیزی را فراموش می کرد پیشانی خود را در میان کف دستش می گذاشت و می گفت: «بار الها، سپاس و ستایش ویژه توست، ای به یادآورنده هر چیز و انجام دهنده آن، آنچه را فراموشم

شده به یادم آر».

(۱) مجادله / ۸.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۲

(۱) (۶۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی شش خصلت را برای من خوش نداشت و من نیز آنها را برای جانشینان پس از خود از فرزندانم و پیروانشان خوش نمی‌دارم: بازی کردن در نماز [با اعضای بدن یا لباس]، بدزبانی در حال روزه، منت نهادن پس از صدقه دادن، با جنابت به مسجد رفتن، سرکشی در خانه‌های مردم، و خندیدن در گورستان.

(۲) (۶۳) امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: نیکی، بخشش، صبر بر پیشامد ناگوار، و اقدام به ادای حق مؤمن.

(۳) (۶۴) علی علیه السلام فرمود: بسیاری از اوقات، رسول خدا صلی الله علیه و آله نگین انگشتریش را در کف دست قرار می‌داد و به آن می‌نگریست.

(۴) (۶۵) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چیدن خرما و درو کردن زراعت را در شب کراهت داشت زیرا نمی‌خواست فقرا و تهیدستان بی‌بهره بمانند.

(۵) (۶۶) روایت است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هنگامی که میوه‌ها می‌رسید دستور می‌داد در دیوار باغ شکافی ایجاد کنند [تا دیگران نیز بتوانند از میوه‌های آن استفاده کنند].

(۶) (۶۷) علی علیه السلام فرمود: کسانی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدند و گرد او جمع می‌شدند که چیزی نداشتند؛ انصار [که اهل مدینه بودند] گفتند: خوب است از هر نخلستانی یک خوشه از خرما به اینان اختصاص دهیم. و این سنت جاری شد و تا امروز ادامه یافته است.

(۷) (۶۸) نقل است که جبرئیل علیه السلام گفت: در روی زمین خانواده‌ای نماند جز اینکه آنها را زیر و رو و بررسی نمودم و کسی را بخشنده‌تر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به مال دنیا نیافتم.

(۸) (۶۹) علی علیه السلام فرمود: هر گاه سائلی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آمد [و درخواستی می‌کرد] آن حضرت می‌فرمود: مانعی نیست، مانعی نیست ...

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۳

(۱) (۷۰) جابر گوید: هرگز نشد که چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست شود و آن حضرت «نه» بگوید. ابن عتیبه گوید: اگر چیزی حاضر نداشت وعده آن را می‌داد.

(۲) (۷۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می‌خواست لشکری به سویی بفرستد اول روز اعزام می‌کرد.

(۳) (۷۲) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون لشکری را روانه می‌ساخت برای آنها دعا می‌کرد.

(۴) (۷۳) حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله لشکری را به، سویی می‌فرستاد و فرماندهی بر آنان پیشوایی می‌کرد، آن حضرت یک نفر از معتمدین خود را با وی می‌فرستاد تا اخبار او را گزارش دهد.

(۵) (۷۴) امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرماندهی را با لشکری گسیل می‌داشت، نخست او را به رعایت تقوای الهی در باره خود و عموم یارانش سفارش می‌کرد، سپس می‌فرمود: به نام خدا و در راه خدا پیکار کن، با منکران خدا بجنگید، مکر نکنید، خیانت نکنید، کشتگان را مثله نکنید (گوش و بینی و انگشتان آنان را نبرید) کودکان و کسانی را که در سر کوهی به عبادت مشغولند (راهبان را) نکشید، درختان خرما را آتش نزنید و در آب غرق نسازید، هیچ درخت میوه‌داری را

نبرید و زراعتی را آتش نزنید، زیرا شما نمی‌دانید، شاید به آن نیازمند شوید. و از چهارپایان حلال گوشت غیر آن را که ناچار از خوردن آنید پی نکنید، و چون با دشمن مسلمانان روبرو شدید آنان را به یکی از سه چیز (مسلمان شدن، جزیه دادن، ترک جنگ) فراخوانید، پس اگر در مورد هر یک از آنها پاسخ مثبت دادند از آنان بپذیرید و دست از سر آنان بردارید.

(۶) (۷۵) علی علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با دشمن روبرو می‌شد پیادگان و سوارگان و شتر سواران را آماده می‌کرد، آن‌گاه می‌گفت: خداوندا، تو پناه و یاور و حافظ من از خطرهایی؛ خداوندا، به یاری تو حمله می‌کنم و می‌جنگم. آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۴

(۱) (۷۶) قتاده گوید: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله در میدان جنگ حضور می‌یافت می‌گفت: خداوندا، به حق حکم فرما! (۲) (۷۷) در یکی از نامه‌های علی علیه السلام به معاویه آمده است: هر گاه تنور جنگ گرم می‌شد و مردم از ترس عقب‌نشینی می‌کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل بیت خود را پیشاپیش لشکر قرار می‌داد و یارانش را به وسیله خویشان خود از سوز شمشیرها و نیزه‌ها نگاه می‌داشت ...

(۳) (۷۸) حضرت رضا علیه السلام در هنگام بیعت با مردم بر ولایتعهدی خویش فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردم این چنین بیعت می‌کرد؛ آن‌گاه خود آن حضرت از مردم بیعت گرفت در حالی که دست مبارکش بالای دست آنان قرار داشت.

(۴) (۷۹) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با زنان دست نمی‌داد و هر گاه می‌خواست از آنان بیعت بگیرد ظرف آبی را می‌آوردند، آن حضرت دست خود را در آب فرو می‌برد سپس بیرون می‌آورد، آن‌گاه می‌فرمود: شما هم دستهایتان را در آب فرو برید، که من با شما بیعت کردم.

(۵) (۸۰) از جمله اموری که رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیعت با زنان شرط می‌فرمود این بود که جز با مردان محرم با مردان دیگر سخن نگویند.

(۶) (۸۱) ابن عباس گوید: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی می‌نگریست و از او خوشش می‌آمد، می‌پرسید: آیا او شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند: نه، می‌فرمود: از چشمم افتاد! می‌گفتند: یا رسول الله، چرا از چشمتان افتاد؟ می‌فرمود: زیرا وقتی مؤمن بیکار بود دین خود را سرمایه زندگانش قرار می‌دهد.

(۷) (۸۲) امام صادق علیه السلام فرمود: قرض و عاریه و پذیرایی مهمان از سنن رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

(۸) (۸۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام قرض اگر درمهای فاسد می‌گرفت، در هنگام پرداخت درمهای صحیح و سالم می‌داد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۵

(۱) (۸۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به من وحی کرد که چهار کس را دوست بدارم: علی، ابا ذر، سلمان و مقداد را ...

(۲) (۸۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: خداوند تو را امر می‌کند که علی را دوست بداری، و دیگران را نیز به دوستی و ولایت او امر نمایی.

(۳) (۸۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگرم مرا به هفت خصلت دستور فرموده:

دوست داشتن مساکین و تهیدستان و نزدیک شدن به آنان، و اینکه فراوان ذکر

«لا حول و لا قوه الا بالله»

بگویم، و با خویشان خود صله رحم کنم اگر چه آنان با من قطع رابطه کرده باشند، و [در امور مادی] به کسانی که پایین‌تر از من

قرار دارند بنگرم و به بالاتر از خود نگاه نکنم، و در راه خدا سرزنش سرزنش کننده مرا دلسرد نکند، و حق را بگویم اگر چه تلخ باشد، و از کسی چیزی درخواست نکنم.

(۴) (۸۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر توانستی که در تمام روز و شب خود حقد و کینه‌ای از کسی به دل نداشته باشی چنین کن، زیرا این از سنت من است، و هر که سنت مرا زنده کند مرا زنده کرده، و هر که مرا زنده کند در بهشت با من خواهد بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۶
(۱)

۳ آداب و سنن آن حضرت در نظافت و آرایش و مانند آن

اشاره

(۲) ۸۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می‌خواست موی سر و محاسن خود را بشوید با سدر می‌شست.
(۳) ۸۷. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله موی خود را شانه می‌زد و بیشتر اوقات آن را با آب صاف و مرتب می‌کرد، و می‌فرمود: آب برای خوشبو کردن مؤمن کافی است.
(۴) ۸۸. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: «نزد هر مسجدی زینت کنید (۱)» فرمود: مراد از زینت شانه‌زدن است؛ زیرا شانه‌زدن روزی را جلب می‌کند، موی را نیکو و حاجت را بر آورده می‌سازد؛ بر قوت مردانگی می‌افزاید و بلغم را برطرف می‌کند.
رسول خدا صلی الله علیه و آله زیر محاسن خود را چهل بار و روی آن را هفت بار شانه می‌زد، و

(۱) اعراف / ۳۱.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۷
می‌فرمود: این کار حافظه را زیاد می‌کند و بلغم را از بین می‌برد.

(۱) ۸۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گرفتن از موی شارب به حدی که خط لب آشکار شود از سنت است.
(۲) ۹۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مجوس (زرتشتیان) ریش خود را می‌تراشند و سیبیل را پر پشت می‌گذارند، و ما سیبیل خود را می‌زنییم و ریش خود را بلند می‌گذاریم.
(۳) ۹۱. روایت است که دفن کردن مو و ناخن و خون از سنت است.
(۴) ۹۲. امام صادق علیه السلام فرمود: گرفتن ناخن‌ها از سنت است.
(۵) ۹۳. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام از خضاب کردن (رنگ کردن موی سر و صورت) پرسید، آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خضاب می‌کرد، و اکنون موی خضاب‌شده آن حضرت نزد ماست.
(۶) ۹۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله و حسین بن علی و امام باقر علیهم السلام با رنگ مخصوصی به نام «کتَم» (برگ نیل، و سمه) خضاب می‌کردند، و امام سجاد علیه السلام با حنا و کتم خضاب می‌نمود.
(۷) ۹۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله نوره می‌کشید، و تا حدی که لنگ به کمر بسته بود دیگری برای آن حضرت نوره می‌مالید و آن مقدار را که زیر لنگ پوشیده بود خود نوره می‌کشید.

(۸) ۹۶. امام صادق علیه السّلام می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله موهای زیر ناف و میان پاها را در هر جمعه نوره می‌کشید.

(۹) ۹۷. امام صادق علیه السّلام فرمود: نوره کشیدن در هر پانزده روز یک بار سنت است.

و اگر کسی بیست روز بر او بگذرد و پول نداشته باشد، به ضمانت خداوند قرض کند و نوره بکشد. و هر که چهل روز بر او بگذرد و نوره نکشد نه مؤمن است و نه کافر، و ارج و قربی ندارد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۸

(۱) ۹۸. علی علیه السّلام فرمود: زدن موی زیر بغل، بوی گند را از انسان دور می‌کند، و آن نظافت و سنتی است که پیامبر پاک صلی الله علیه و آله به آن دستور داده است.

(۲) ۹۹. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به بستر خواب می‌رفت با «سنگ سرمه» سرمه می‌کشید و عدد آن را طاق قرار می‌داد (سه یا پنج یا هفت بار).

(۳) ۱۰۰. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از خواب سرمه می‌کشید، چهار بار به چشم راست و سه بار به چشم چپ.

(۴) ۱۰۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله سه بار به چشم راست و دو بار به چشم چپ سرمه می‌کشید ... و آن حضرت سرمه‌دانی داشت که هر شب با آن سرمه می‌کشید، و سرمه‌اش سنگ سرمه بود (که آن را نرم کنند و به چشم کشند).

(۵) ۱۰۲. امام صادق علیه السّلام فرمود: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله سرمه‌دانی داشت که هر شب هنگام خواب سه میله از آن به هر یک از چشمهای خود می‌کشید. «۱»

(۶) ۱۰۳. امام صادق علیه السّلام فرمود: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: عطر زدن، تراشیدن موی سر با تیغ، ازاله موی بدن با نوره، و کثرت آمیزش جنسی. «۲»

(۷) ۱۰۴. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مشک‌دانی داشت که بلافاصله پس از وضو با همان دست تر آن را می‌گرفت و خود را خوشبو می‌ساخت، و چون از خانه بیرون می‌شد مردم از بوی خوش آن می‌دانستند که آن حضرت آمده است.

(۸) ۱۰۵. طبرسی گوید: هیچ گاه عطری به آن حضرت تعارف نمی‌شد مگر آنکه خود را به آن معطر می‌ساخت و می‌فرمود: بوی خوش و حمل کردنش آسان است.

و اگر [به جهت عذری] از آن عطر استفاده نمی‌کرد انگشت مبارک را در ظرف عطر می‌کرد و سر انگشت را به آن می‌آمیخت.

(۱) اختلاف اخبار در تعداد سرمه کشیدن آن حضرت نشان می‌دهد که در هر وقتی به گونه‌ای عمل می‌کرده است. بنا بر این اصل سرمه کشیدن در هنگام خواب سنت است نه تعداد خاص آن. (مؤلف ره)

(۲) روایات در این باره فراوان است، پاره‌ای در گذشته ذکر شد، و پاره‌ای هم در آینده ذکر خواهد شد. (مؤلف ره)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۹

(۱) ۱۰۶. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با «عود قماری» خود را بخور می‌داد.

(۲) ۱۰۷. در ذخیره المعاد گوید: محبوبترین عطرها نزد آن حضرت مشک بود.

(۳) ۱۰۸. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیش از مقداری که خرج خوراک می‌کرد خرج عطر می‌نمود.

- (۴) ۱۰۹. امام صادق علیه السلام فرمود: عطر زدن به شارب از اخلاق پیامبران و احترام به فرشتگان نویسنده اعمال است.
- (۵) ۱۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود: بر هر مکلفی لازم است که در هر جمعه شارب و ناخنهای خود را بگیرد و مقداری عطر مصرف کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون جمعه فرا می‌رسید و عطری نزد او نبود برخی از روسری‌های زنان خود را [که معطر بود] می‌گرفت و با آب نم می‌زد و به صورت خود می‌گذاشت.
- (۶) ۱۱۱. شیخ صدوق گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون روز جمعه فرا می‌رسید و عطری پیدا نمی‌کرد، لباسی را که با زعفران رنگ شده بود می‌خواست و بر آن آب می‌پاشید، آن‌گاه آن را به دست و صورت خود می‌کشید.
- (۷) ۱۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود: چون در روز عید فطر برای رسول خدا صلی الله علیه و آله عطر می‌آوردند، اول به زنان خود می‌داد.
- (۸) ۱۱۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه عطر و حلوا را رد نمی‌کرد.
- (۹) ۱۱۴. غزالی در شمار اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله گوید: آن حضرت عطریات را دوست داشت، و از بوی‌های ناخوش بدش می‌آمد «۱».
- (۱۰) ۱۱۵. طبرسی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله روغن زدن به مو را دوست می‌داشت، و از ژولیدگی بدش می‌آمد، و می‌فرمود: روغن زدن غم و پریشانی را بر طرف می‌کند.
- (۱۱) ۱۱۶. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از انواع روغن‌ها استفاده می‌کرد و پیش از محاسن، سر را روغن می‌زد، و می‌فرمود: باید سر پیش از محاسن روغن زده شود.

(۱) از محتوای این اخبار به دست آمد که آن حضرت از انواع عطر استفاده می‌کرده است (مؤلف).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۰

- (۱) ۱۱۷. و نیز گوید: آن حضرت بیشتر با «روغن بنفشه» روغن می‌زد، و می‌فرمود: این روغن بهترین روغن‌هاست.
- (۲) ۱۱۸. و نیز گوید: آن حضرت اول ابروان خود را روغن می‌زد و بعد شارب را، آن‌گاه روغن را به داخل بینی می‌برد و می‌بویید، سپس موی سر را روغن می‌زد.
- (۳) ۱۱۹. و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای رفع سر درد، ابروان خود را روغن می‌زد، و شارب خویش را با غیر روغنی که به محاسن مالیده بود روغن می‌مالید.

ملحقات

- (۴) ۸۸. حضرت رضا علیه السلام فرمود: یکی از اخلاق پیامبران نظافت کردن است.
- (۵) ۸۹. امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز از سنن پیامبران است: عطر زدن، مسواک کردن، آمیزش با همسران و با حنا رنگ کردن.
- (۶) ۹۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله فراوان عطر مصرف می‌نمود تا آنجا که عطر، رنگ محاسن و موی سر آن حضرت را به زردی تغییر می‌داد.
- (۷) ۹۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله شانه می‌زد و سر خود را با شانه مرتب می‌کرد، ... و بسا در روز دو بار محاسن خود را شانه می‌زد، و پس از شانه زدن شانه را زیر تشک خود می‌نهاد.
- (۸) ۹۲. عمرو بن ثابت گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم چنین روایت کنند که فرق باز کردن در موی سر از سنت

است. امام با تعجب فرمود: از سنت است؟! گفتم:

گمان مردم آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرق باز می‌کرد. حضرت فرمود: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرق باز نکرد و پیامبران هم موی سرشان را چندان بلند نمی‌کردند [که محتاج فرق باز کردن باشند].

(۹) (۹۳) ایوب بن هارون گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله از

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۱

میان موی سر خود فرق باز می‌کرد؟ فرمود: نه، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه موی سرش بلند می‌شد تا نرمة گوش می‌رسید [و چندان بلند نبود که بخواهد فرق باز کند].

(۱) (۹۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام تراشیدن موی سر از جلو سر شروع می‌کرد، زیرا این از سنن پیامبران علیهم السلام است.

(۲) (۹۵) ابو بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فرق باز کردن در موی سر از سنت است؟ فرمود: نه، گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز فرق سر را باز کرد؟ فرمود:

آری، گفتم: چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرق باز می‌کرد در حالی که از سنت نیست؟! فرمود: هر که در شرایطی که رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت قرار گیرد و مانند آن حضرت فرق باز کند به سنت او عمل کرده است و الا نه. گفتم: چگونه؟ فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله [در سال ششم هجرت] برای عمره احرام بست و قربانی همراه برد ولی توسط کفار مکه از رفتن به مکه باز داشته شد، خداوند رؤیایی را به او نمود که در قرآن کریم از آن یاد کرده و فرموده: «همانا خداوند رؤیای رسول خود را به حق راست آورد که به خواست خدا با امنیت کامل به مسجد الحرام در خواهید آمد در حالی که سر تراشیده و ناخن گیرنده باشید و هیچ بیمی نداشته باشید.» «۱» از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله دانست که خداوند به آنچه به او نموده وفا خواهد کرد [و در آینده نزدیک به سلامت وارد مکه معظمه خواهد شد]. به همین دلیل از زمانی که احرام بسته بود موی سرش را نزد و آن را بلند نمود تا در مکه هنگام عمره بتراشد چنان که خداوند وعده فرموده بود، [لذا به ناچار به خاطر بلندی مو فرق سر را باز می‌کرد]. اما پس از انجام عمره که آن را تراشید دیگر موی سرش را بلند نکرد و نه پیش از آن زمان موی سر خود را بلند می‌گذاشت [تا محتاج به باز کردن فرق باشد].

(۳) (۹۶) حفص اعور گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا خضاب کردن محاسن و سر از سنت است؟ فرمود: بلی ...

(۱) فتح / ۲۷.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۲

(۱) (۹۷) عایشه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می‌داد هفت چیز از اجزاء بدن انسان را دفن کنند: مو، ناخن، خون، چیزی که ایام حیض از زن خارج می‌شود، بچه‌دان، دندان و خون بسته‌شده هنگام سقط جنین.

(۲) (۹۸) عبد الله بن ابی یعفر گوید: ما در مدینه بودیم که زراره با من در باره کندن یا تراشیدن موی زیر بغل به بحث پرداخت. من گفتم: تراشیدن آن بهتر است و زراره گفت: کندن آن بهتر است. با هم به در خانه امام صادق علیه السلام رفته، اجازه ورود خواستیم و حضرت به ما اجازه داد. پس از ورود دیدیم که حضرت در حمام است و زیر بغلهایش نوره کشیده است. به زراره گفتم: همین [عمل امام] تو را کافی است؟

گفت: نه، شاید این عمل مخصوص آن حضرت باشد و برای من جایز نباشد. حضرت فرمود: چه بحثی دارید؟ گفتم: زراره با من در باره کندن یا تراشیدن موی زیر بغل به بحث پرداخته است، من گویم: تراشیدن آن بهتر است و او گوید: کندن آن بهتر است.

حضرت فرمود: سخن تو مطابق سنت است و زراره از راه سنت به خطا رفته؛ تراشیدن آن از کندن بهتر است، و ازاله آن با نوره از تراشیدن بهتر ...

(۳) (۹۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حبیبم جبرئیل به من گفت: یک روز در میان خود را معطر ساز، و در روزهای جمعه هرگز آن را ترک مکن.

(۴) (۱۰۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی، بر تو باد که هر جمعه خود را خوشبو کنی، زیرا که این از سنت من است و تا زمانی که بوی آن از تو شنیده شود برایت حسنه می‌نویسند.

(۵) (۱۰۱) انس گوید: هر گاه به رسول خدا صلی الله علیه و آله گیاه خوشبویی تقدیم می‌شد آن را می‌بوید و به صاحبش باز می‌گرداند، مگر مرزنجوش «۱» را که پس از بویدن باز نمی‌گرداند.

(۱) مرزنجوش: گیاهی است خوشبو، دارای شاخه‌های بلند، برگهای آن باریک و شبیه گوش موش است و خط و خال معشوق را به آن تشبیه کنند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۳

(۱) (۱۰۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جمعه پیش از خارج شدن برای نماز، ناخنهای خود را می‌گرفت و شاربش را کوتاه می‌کرد.

(۲) (۱۰۳) مردی نصرانی گوید: از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: کدام هدیه نزد آن حضرت از همه محبوبتر است؟ گفتند: عطر نزد آن حضرت از همه چیز محبوبتر است و رغبت زیادی به آن دارد.

(۳) (۱۰۴) امام کاظم علیه السلام فرمود: پنج چیز در سر و پنج چیز در بدن از سنت است.

اما آنچه در سر است مسواک کردن، گرفتن شارب، فرق باز کردن در موی سر، مضمضه و استنشاق است «۱». اما آنچه در بدن است عبارت است از: ختنه کردن، زدودن موی زیر شکم، زدودن موی زیر بغل‌ها، گرفتن ناخنها و طهارت گرفتن.

(۴) (۱۰۵) حضرت رضا علیه السلام فرمود: بر شما باد به سنتهای روز جمعه و آن هفت چیز است: آمیزش با همسران، شستن سر و محاسن با گل ختمی، گرفتن شارب، گرفتن ناخن‌ها، عطر زدن «۲».

(۵) (۱۰۶) تکرار روایت (۱۰۲) است.

(۶) (۱۰۷) تکرار روایت (۹۹) است.

(۷) (۱۰۸) امام صادق علیه السلام فرمود: صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد در روز جمعه هزار مرتبه، و در غیر روز جمعه صد مرتبه از سنت است ...

(۱) مضمضه: شستن دهان. استنشاق: شستن بینی.

(۲) در اینجا پنج چیز شمرده شده، و در کتاب فقه الرضا علیه السلام تغییر لباس (لباس تمیز پوشیدن) و غسل هم ذکر شده است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۴

(۱)

۴ آداب و سنن آن حضرت در سفر و لواحق آن

- (۲) ۱۲۰. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روز پنجشنبه مسافرت می کرد «۱».
- (۳) ۱۲۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام سفر پنج چیز را با خود برمی داشت: آینه، سرمه‌دان، شانه، مسواک و قیچی.
- (۴) ۱۲۲. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان راه می رفت که ناتوان و کسل به نظر نمی رسید «۲».
- (۵) ۱۲۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار شدن بر درازگوشی را که فقط پالانی روی آن انداخته باشند دوست داشت.
- (۶) ۱۲۴. حضرت رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر حج خود صبحگاهان که از منی حرکت فرمود از راه «ضَبَّ» آمد و هنگام بازگشت از راه میان مشعر و

(۱) احادیث در این معنی فراوان است. (مؤلف)

(۲) در احادیث چندی گذشت که آن حضرت هنگام راه رفتن کمی به جلو تمایل داشت گویی از سرایشی فرود می آید. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۵

عرفه برگشت. و به طور کلی آن حضرت از راهی که می رفت از همان راه باز نمی گشت.

(۱) ۱۲۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست به جنگ رود، مقصد خود را طوری بیان می داشت که کسی به آن پی نبرد.

(۲) ۱۲۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر هر گاه از بلندی سرازیر می شد

«سبحان الله»

می گفت، و چون به بلندی بالا می رفت

«الله اکبر»

می گفت.

(۳) ۱۲۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر از منزلی به منزل دیگر کوچ نمی کرد جز آنکه در آن منزل دو رکعت نماز می گزارد و می فرمود: می خواهم این مکان برایم به نماز خواندن گواهی دهد.

(۴) ۱۲۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام وداع با مؤمنانی که عازم سفر بودند می فرمودند:

خداوند تقوا را توشه شما کند، شما را با هر خیری مواجه سازد، همه حاجاتتان را برآورد، دین و دنیای شما را برایتان سالم بدارد و شما را سالم به من باز گرداند.

(۵) ۱۲۹. امام صادق علیه السلام با مردی خداحافظی کرد و در حق وی چنین دعا فرمود: «دین و امانتت را به خدا سپردم، خداوند تقوا را توشه تو کند، و هر جا رو کنی با خیرت مواجه سازد.» سپس رو به حاضران کرد و فرمود: این بود وداع رسول خدا صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام هر گاه که وی را به جایی روانه می ساخت «۱».

(۶) ۱۳۰. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به کسانی که از سفر مکه بازمی گشتند می فرمود: «خداوند اعمال حج تو را قبول کند، گناهت را بیامزد، و آنچه خرج کرده‌ای به تو باز گرداند.»

(۱) روایات در دعاهای آن حضرت در هنگام وداع مختلف است و اختلافات زیادی دارند، ولی در همه آنها دعا به سلامتی و غنیمت نهفته است. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۶

ملحقات

(۱۰۹) (این شماره در متن از قلم افتاده).

(۱) (۱۱۰) امام صادق علیه السلام به محمد بن ابی الکرار فرمود: من دوست دارم که روز پنجشنبه برای سفر بیرون شوی، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که می‌خواست به جنگ دشمن رود در این روز بیرون می‌شد.

(۲) (۱۱۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که می‌خواست سفر کند میان زنان خود قرعه می‌کشید [و به قید قرعه یکی از آنان را با خود همراه می‌برد].

(۳) (۱۱۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست نداشت کسی بدون همسفر مسافرت کند.

(۴) (۱۱۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از سنت است که چون گروهی به سفر روند زاد و توشه خویش را با خود بردارند، زیرا این کار سبب دلخوشی و دلگرمی و خوش خلقی آنان خواهد بود.

(۵) (۱۱۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسافرتها چند چیز از او جدا نبود: شیشه روغن (که سر و موی خود را روغن زند)، سرمه‌دان، قیچی، مسواک، شانه، نخ و سوزن خیاطی، درفش کفاشی، بند چرمی کفش. و آن حضرت در سفر لباسش را می‌دوخت و کفش خود را پینه می‌زد.

(۶) (۱۱۵) انس بن مالک گوید: هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد سفر نمی‌کرد جز آنکه هنگام برخاستن از جا می‌گفت: «خدایا به یاری تو سفر می‌کنم، و به سوی تو روی می‌آورم، و به دامن رحمت تو چنگ می‌زنم، تو پشتیبان و نقطه امید منی.

خداوندا، مرا در آنچه برایم مهم است و آنچه مهم نمی‌شمارم و آنچه که تو خود بهتر از من می‌دانی کفایت کن. خدایا، تقوا را توشه من کن و گناهم را بیامرز، و به هر سو رو کنم مرا با خیر مواجه ساز». این دعا را می‌خواند و برای سفر بیرون می‌شد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۷

(۱) (۱۱۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسافرتها سریع راه می‌پیمود و چون به راه پهناوری می‌رسید بر سرعت خود می‌افزود.

(۲) (۱۱۷) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون می‌خواست با مسافری وداع کند دست او را می‌گرفت (سپس به آنچه در نظر داشت در حق او دعا می‌کرد).

(۳) (۱۱۸) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله عصایی داشت که ته آن آهن نوک تیزی قرار داشت، بر آن تکیه می‌کرد و روزهای عید [فطر و قربان] و در سفرها آن را همراه می‌برد و در نماز جلو خود می‌نهاد [تا حریم نمازش باشد].

(۴) (۱۱۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عصا برداشتن نشانه مؤمن و سنت پیامبران است «۱».

(۵) (۱۲۰) بر عصا تکیه کردن از اخلاق پیامبران علیهم السلام است.

(۶) (۱۲۱) کعب بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از سفر باز نمی‌گشت مگر هنگامی که روز بر آمده باشد.

(۷) (۱۲۲) سنت آن است که مسافر برای استراحت فرود نیاید مگر هنگامی که هوا مقداری گرم شده باشد؛ و باید بیشتر سیرش در شب باشد.

(۸) (۱۲۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفرها هر گاه اول شب می‌خواهید دستش را دراز می‌کرد و ساق دست را زیر سر می‌نهاد. و هر گاه در آخر شب می‌خواهید دستش را بلند می‌کرد و سر مبارکش را روی کف دست می‌نهاد.

(۹) (۱۲۴) سنت آن است که از منازل صبح زود حرکت کنند و آغاز سفر روز پنجشنبه باشد.

(۱۰) (۱۲۵) در سفرها همراه بردن مشک آب و امثال آن از سنت است.

(۱) گفته‌اند: عصا به دست گرفتن نشانه سفر رفتن است، و عصا به دست گرفتن مؤمن نشانه آن است که وی آماده سفر آخرت است و زاد و توشه آن را تهیه دیده است. یا آنکه عصا داشتن نشانه ضعف است و به دست گرفتن عصا برای اظهار تواضع و فرو کاستن تکبر است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۸

(۱) (۱۲۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از جنگ یا سفر حج بازمی‌گشت به هر بلندی از زمین می‌رسید سه بار «الله اکبر»

می‌گفت و این دعا را می‌خواند:

لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد، یحیی و یمیت، و هو علی کل شیء قدیر.

آئین عابدون ساجدون ربنا حامدون. صدق الله وعده، و نصر عبده، و هزم الاحزاب وحده.

«معبودی جز الله نیست که یگانه و بی‌شریک است، فرمانروایی و ستایش ویژه اوست، زنده می‌کند و می‌میراند و بر هر چیزی تواناست. ما باز گردنده به سوی پروردگارمان، و پرستشگر و سجده‌کننده و ستاینده پروردگارمان هستیم.

خداوند به وعده‌اش وفا کرد، بنده‌اش را یاری داد و خود به تنهایی احزاب کفر را در هم شکست.»

(۲) (۱۲۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از سفر بازمی‌گشت نخست به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند سپس به خانه در می‌آمد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۹

(۱)

۵ آداب و سنن آن حضرت در لباس

اشاره

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ۶۹ ۵ آداب و سنن آن حضرت در لباس

(۲) ۱۳۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر نوع لباسی که دسترسی داشت می‌پوشید از روپوش و عبا و پیراهن و جبه و امثال آن. و از لباس سبز خوشش می‌آمد، و بیشتر لباسهای سفید بود، و می‌فرمود: زندگان خود را سفید بپوشانید و مردگانتان را در آن کفن کنید. آن حضرت چه در جنگ و چه در غیر جنگ لباس لایه‌دار می‌پوشید. و قبایی از سندس «۱» داشت که چون به تن می‌کرد رنگ سبز آن بر سپیدی روی حضرتش غلبه داشت و روی هم رفته زیبا جلوه می‌نمود.

بلندی لباسهای آن حضرت تا بالای قوزک پاها بود، و روپوشی که به تن می‌کرد از آن کوتاه‌تر بود و تا نصف ساق پا می‌رسید. همیشه میان کمر را می‌بست و بسا در حال نماز و غیر نماز آن را می‌گشود. آن حضرت روپوشی داشت که با زعفران رنگ شده بود و بسا که با همان یک پوشش با مردم نماز جماعت

(۱) سندس: دیبا و ابریشم لطیف. و در اینجا منظور ابریشم ناخالص است، زیرا پوشیدن ابریشم خالص برای مردان حرام است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۰

می‌گذاشت. و گاهی تنها یک عبا به تن داشت.

و نیز عبای کهنه وصله‌داری داشت که آن را می‌پوشید و می‌فرمود: من بنده‌ام و لباس بندگان می‌پوشم. و دو جامه داشت مخصوص

روزهای جمعه، غیر از لباسهای دیگری که در غیر جمعه می پوشید. و بسا که فقط یک روپوش بدون لباسهای دیگر به تن می کرد، و دو طرف آن را میان دو شانه خود گره می زد و با همان لباس با مردم بر جنازه‌ها نماز می خواند. و بسا همان روپوش را به خود می پیچید و آن را از چپ و راست بر دوش می افکند و با آن در خانه خود نماز می خواند و این لباسی بود که در همان روز در آن مجامعت کرده بود. گاهی در همان ازار نماز شب می خواند، یک طرف پارچه را به روی خود و طرف دیگرش را به روی بعضی از زنان خود می انداخت و به این ترتیب در آن نماز می خواند.

(۱) آن حضرت عباى سیاه رنگی داشت که به کسی بخشید. امّ سلمه گفت: پدر و مادرم فدایت! آن عباى سیاه چه شد؟ فرمود: آن را [به برهنه‌ای] پوشاندم. امّ سلمه گفت: هرگز چیزی زیباتر از سفیدی شما بر سیاهی آن عبا ندیدم. انس گوید: بسا آن حضرت در قتیفه‌ای که دو طرف آن را [پشت گردن] گره زده بود با ما نماز ظهر می خواند. و آن حضرت انگشتر به دست می کرد ... و با همان انگشتر نامه‌ها را مهر می کرد، و می فرمود: مهر کردن نامه‌ها بهتر از ایجاد شک و تهمت است.

آن حضرت شب کلاه به سر می گذاشت، گاه زیر عمامه و گاه بدون عمامه. و گاهی آن را از سر بر می داشت و جلوی خود به عنوان حریم نماز می نهاد و به سوی آن نماز می خواند. و بسا عمامه نداشت و شال را بر سر و پیشانی می بست. عمامه‌ای داشت به نام سحاب و آن را به علی علیه السّلام بخشید. بسا بود که علی علیه السّلام با آن عمامه می آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: علی در سحاب نزد شما آمد.

همیشه لباس را از طرف راست می پوشید و چنین می خواند:

الحمد لله الذی

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۱

کسانی ما اواری به عورتی، و اتجمل به فی الناس

«سپاس و ستایش خدایی را که بر من جامه‌ای پوشانید که با آن شرمگامم را بپوشانم و آراسته در میان مردم ظاهر شوم.» و چون لباس را در می آورد از سمت چپ بیرون می آورد.

چون لباس نو می پوشید، لباسهای کهنه را به فقیر می داد و می فرمود: هیچ مسلمانی نیست که لباس کهنه خود را فقط برای رضای خدا به فقیری بپوشاند مگر آنکه در پناه و خیر خداوند خواهد بود تا زمانی که آن لباس بر تن فقیر است، خواه بخشنده لباس زنده باشد یا مرده.

(۱) تشکی از پوست داشت که با لیف خرما پر شده بود و طول آن حدود دو ذراع و عرض آن حدود یک ذراع و یک وجب بود. و نیز عبایی داشت که هر جا می رفت آن را دو تا کرده به زیر آن حضرت می انداختند. و نیز روی حصیر بدون آنکه چیز دیگری زیر خود بیندازد می خوابید.

از اخلاق آن جناب این بود که چهارپایان و اسلحه و اثاث خود را نامگذاری می نمود. نام پرچمش عقاب، و نام شمشیرش که با آن در جنگها حاضر می شد ذو الفقار، و نام شمشیرهای دیگرش مخدم، رسوب و قضیب بود.

قبضه شمشیرش به نقره آراسته بود، و کمربندی که می بست از چرم بود و سه حلقه نقره در آن بود. کمانش کتوم، و جعبه تیرش کافور نام داشت. نام شتر آن حضرت قصوی بود که به آن عصباء می گفتند. و نام استرش دلدل، و دراز گوشش یغفور، و گوسفندی که از شیر آن می آشامید عینه بود.

آن حضرت سبویی از سفال داشت که با آب آن وضو می گرفت و از آن می نوشید، و مردم کودکان خردسال خود را که خوب و بد را می فهمیدند می فرستادند و آنان داخل منزل آن حضرت می شدند بدون آنکه کسی مانع آنها شود، آن گاه اگر در آن سبو آبی

می‌یافتند می‌آشامیدند و برای تبرک بر صورت و بدن خود می‌مالیدند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۲

(۱) ۱۳۲. روایت شده که عمامه آن حضرت به اندازه‌ای بود که سه دور یا پنج دور به سرش می‌پیچید.

(۲) ۱۳۳. روایت است که آن حضرت عمامه سیاهی داشت که به سر می‌بست و در آن نماز می‌خواند.

(۳) ۱۳۴. علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله شب کلاه‌های راه راه به سر می‌نهاد ... و زرهی داشت به نام ذات الفضول که دارای سه حلقه از نقره بود، یکی در جلو و دو تا در پشت ...

(۴) ۱۳۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله شمله و نمره «۱» به خود می‌پیچید، اما نمره از آن جهت که خطوط سیاه آن بر سفیدی ساقها و قدمهای نمایان آن حضرت قرار می‌گرفت بر اندام او زیبا می‌نمود.

(۵) ۱۳۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک لباس گشاد نماز می‌خواند.

(۶) ۱۳۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو برد (جامه راه راه) (عبای پشمی سیاه) داشت که فقط در حال نماز می‌پوشید، و امتش را به نظافت ترغیب می‌نمود و به آن دستور می‌داد.

(۷) ۱۳۸. امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: لباس پنبه بپوشید که لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله از پنبه بود و لباس ما اهل بیت نیز از پنبه است.

(۸) ۱۳۹. علی علیه السّلام فرمود: لباس پنبه بپوشید که آن لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. و آن حضرت لباس موین و پشمین نمی‌پوشید مگر آنکه علت و ضرورتی پیدا می‌شد «۲».

(۹) ۱۴۰. آن حضرت کمربندی داشت از چرم دباغی شده که در سر آن قلاب

(۱) شمله لباسی است کوچکتر از قطیفه. و نمره لباسی است از پشم که دارای خطوط سفید و سیاه می‌باشد.

(۲) از این خبر معنای آنچه در باب معاشرت آن حضرت گذشت که لباس پشمینه می‌پوشید روشن می‌شود که حضرت در حال ضرورت لباس پشمینه می‌پوشیده است، بنا بر این منافاتی میان این اخبار نیست. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۳

داشت و طرف دیگرش از نقره بود. و همچنین سه حلقه نقره‌ای در آن بود. و نیز آن حضرت قدحی داشت که به سه قطعه از نقره بند زده شده بود.

(۱) ۱۴۱. علی علیه السّلام فرمود: ته غلاف و قبضه شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود و ما بین آن دو نیز با حلقه‌هایی از نقره مزین بود.

(۲) ۱۴۲. امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله عصایی داشت که در ته آن آهن نوک تیزی بود و بر آن تکیه می‌کرد و روزهای عید فطر و عید قربان آن را با خود می‌برد و در نماز جلوی خود می‌گذاشت.

(۳) ۱۴۳. امام صادق علیه السّلام فرمود: انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود.

(۴) ۱۴۴. امام صادق علیه السّلام فرمود: نگین انگشتر باید گرد باشد و انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همین گونه بود.

(۵) ۱۴۵. امام صادق علیه السّلام فرمود: نقش نگین انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله

«محمد رسول الله»

بود.

(۶) ۱۴۶. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله دو انگشتر داشت که بر یکی

«لا اله الا الله، محمد رسول الله»

و بر دیگری

«صدق الله»

نقش شده بود.

(۷) ۱۴۷. حضرت رضا علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّى الله عليه و آله، امیر مؤمنان، امام حسن، امام حسین و سایر امامان علیهم السلام انگشتر به دست راست می کردند.

مؤلف: کلینی در کافی انگشتر به دست راست کردن رسول خدا صلّى الله عليه و آله و نیز نقش خاتم آن حضرت را با اندک اختلافی نقل کرده و شیخ صدوق در کتابهای خود و دیگران نیز همانها را نقل کرده‌اند. و نیز کلینی روایت کرده که علی و حسن و حسین و برخی از امامان بعد علیهم السّلام انگشتر به دست چپ می کردند ولی این روایات با هم منافات ندارند، زیرا یا می خواستند بیان کنند که انگشتر به هر یک از دستها کردن جایز است، یا آنکه زمانهای مختلف چنین اقتضایی داشته (مثلا از روی تقیه انگشتر به دست چپ می کردند). اما در باره پیامبر صلّى الله عليه و آله روایت نشده که انگشتر به دست چپ

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۴

کرده باشد. البته در کافی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که «رسول خدا صلّى الله عليه و آله جز اندک زمانی انگشتر به دست نکرد» (که شاید منظور آن بوده که مدت کمی انگشتر به دست چپ کرد و سپس آن را ترک نمود). به هر حال منظور ما در این کتاب بیان برخی از اوصاف انگشتر آن حضرت است.

(۱) ۱۴۸. علی علیه السّلام فرمود: پیامبران پیراهن را پیش از شلوار به تن می کنند.

(۲)

ملحقات

(۳) ۱۲۸. رسول خدا صلّى الله عليه و آله در سفارشهای خود به ابو ذر فرمود: ای ابا ذر، من لباس زبر و خشن به تن می کنم، روی زمین می نشینم، انگشستان خود را پس از غذا خوردن می لیسیم، و بر الاغ بی پالان سوار می شوم و دیگری را نیز در ردیف خود سوار می کنم، پس هر که از سنت من روی گرداند از من نیست.

(۴) ۱۲۹. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّى الله عليه و آله شب کلاهی که سفید و راه راه بود به سر می نهاد، و در جنگ کلاهی که دو گوش مانند داشت.

(۵) ۱۳۰. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّى الله عليه و آله از پوشاک سیاه کراهت داشت مگر سه چیز: عمامه، کفش و عبا.

(۶) ۱۳۱. امام باقر علیه السّلام فرمود: از سنت است که هنگام کفش پوشیدن اول پای راست را در کفش کنند، و هنگام در آوردن اول پای چپ را در آورند.

(۷) ۱۳۲. امام صادق علیه السّلام فرمود: هنگام غذا خوردن کفشهای خود را از پا در آورید، زیرا هم پاهای شما راحت تر می شود و هم سنت نیکویی است.

(۸) ۱۳۳. امام صادق علیه السّلام فرمود: پوشیدن کفش سیاه و نعلین زرد از سنت است.

(۹) ۱۳۴. امام صادق علیه السّلام فرمود: کتان از پوشاک پیامبران است.

(۱۰) ۱۳۵. رسول خدا صلّى الله عليه و آله از لباس سرخ رنگ کراهت داشت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۵

(۱۰) ۱۳۶ امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خیمه‌ای داشت که آن را کن «۱» می گفتند.

(۲) ۱۳۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جمعه برد سرخ رنگ خود را می پوشید و عمامه «سحاب» را بر سر می نهاد. در روز فتح مکه با عمامه سیاهی که بر سر بسته بود وارد مکه معظمه شد. آن حضرت جعبه‌ای داشت که شانه عاج، سرمه‌دان، قیچی و مسواکش را در آن می نهاد ... رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از دنیا رفت یک روپوش زبر یمانی و عبایی که به آن «ملبده» می گفتند بر تن داشت. برای آن حضرت تختی بود که اسعد بن زراره آن را اهدا کرده بود. منبر آن حضرت سه پله و از چوب «طرفاء» بود که زنی توسط غلام نجار خود به نام میمون ساخته بود. مسجدش مناره نداشت و بلال روی زمین اذان می گفت.

(۳) ۱۳۸ امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روپوشی داشت که با گیاهی خوشبو رنگ شده بود و آن را در خانه می پوشید و رنگ آن بر بدن حضرت اثر می گذاشت.

(۴) ۱۳۹ امام باقر علیه السلام فرمود: ما در خانه لباس زرد رنگ می پوشیم.

(۱) یعنی سر پناه

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۶

(۱)

۶ آداب و سنن آن حضرت در مسکن

اشاره

(۲) ۱۴۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت در حالی که خشتی بر روی خشتی نهاد.

(۳) ۱۵۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مسجدها مجالس پیامبران است.

(۴) ۱۵۱ امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست در گرمای تابستان از خانه بیرون رود روز پنجشنبه می رفت، و هر گاه می خواست در سرمای زمستان به خانه باز گردد روز جمعه به خانه بازمی گشت.

(۵) ۱۵۲ حضرت خدیجه علیها السلام گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که وارد خانه می شد ظرف آب طلب می کرد و برای نماز وضو می گرفت، آن گاه بر می خاست و دو رکعت نماز کوتاه می گذاشت، سپس به بستر خواب می رفت.

(۶) ۱۵۳ امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز بر دشمن شیبخون نزد «۱».

(۱) مناسبت این حدیث با آداب مسکن و خانه آن است که هیچ گاه پیامبر (ص) شب هنگام که دشمن در منزل یا اردوگاه خواب است بر او حمله نمی کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۷

(۱)

ملحقات

(۲) ۱۴۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خروس سفید دوست من است و دشمن آن دشمن خداست؛ این حیوان صاحبش را

و تا هفت خانه از همسایگان را پاسبانی می‌کند. (انس گوید) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله آن را شبها در خانه خود نگاه می‌داشت.

(۳) ۱۴۱ حضرت رضا علیه السَّلام فرمود: در خروس سفید پنج صفت از صفات پیامبران وجود دارد: شناختن اوقات نماز، غیرت مردانه، سخاوت، شجاعت و کثرت آمیزش با همسر.

(۴) ۱۴۲ امام صادق علیه السَّلام فرمود: خانه هیچ پیامبری نبود مگر آنکه در آن کبوتری نگهداری می‌شد، زیرا سفیهان جنّ با بچه‌های خانه سر به سر می‌گذارند، اما وقتی کبوتر در خانه باشد با آنها بازی می‌کنند و به اهل خانه کاری ندارند.

(۵) ۱۴۳ امام صادق علیه السَّلام فرمود: در خانه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله یک جفت کبوتر سرخ رنگ بود.

(۶) ۱۴۴ امام صادق علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله کراهت داشت که بدون چراغ وارد خانه تاریک شود.

(۷) ۱۴۵ امام صادق علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله دوست داشت که در زمستان دخول و خروجش از خانه در شب جمعه باشد.

(۸) ۱۴۶ علی علیه السَّلام فرمود: از سنّت است که چون وارد مسجد شدی رو به قبله بنشینی.

(۹) ۱۴۷ امام صادق علیه السَّلام فرمود: سقف خانه‌ها را [با عکس‌های حیوانات و صورت جانداران] نقاشی نکنید، زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله از این کار کراهت داشت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۸

(۱)

۷ آداب و سنن آن حضرت در خوابیدن و بستر خواب

اشاره

(۲) ۱۵۴. بستر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله یک عبا بود و متکایش از پوست که با لیف خرما پر شده بود. شبی همان عبا را دو تا کرده، زیر آن حضرت انداختند. چون صبح بیدار شد فرمود: این بستر دیشب مرا از نماز [شب] باز داشت. از آن پس دستور داد تا زیرانداز او را یک لایه اندازند. و زیرانداز دیگری از پوست داشت که از لیف خرما پر شده بود. و نیز عبایی داشت که به هر جا نقل مکان می‌کرد آن را دو تا کرده زیر آن حضرت می‌انداختند.

(۳) ۱۵۵. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله گاهی روی حصیر می‌خوابید بدون آنکه زیرانداز دیگری زیر او باشد.

(۴) ۱۵۶. امام باقر علیه السَّلام فرمود: هیچ گاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله از خواب بیدار نشد مگر آنکه بر زمین می‌افتاد و در برابر خداوند سجده می‌کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۹

(۱)

ملحقات

(۲) ۱۴۸ علی علیه السَّلام فرمود: پیامبران علیهم السَّلام طاقباز بر پشت می‌خوابند.

(۳) ۱۴۹ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله نه زن داشت و همگی یک روانداز داشتند که با گیاه خوشبو و رنگین ورس یا زعفران رنگ شده بود؛ نوبت هر یک که می‌رسید آن را به خانه او می‌فرستادند و نم‌زده می‌شد تا بویش پخش شود.

(۴) (۱۵۰) علی علیه السّلام فرمود: شب‌زنده‌داری سبب تندرستی و خشنودی پروردگار و در معرض رحمت حق قرار گرفتن است و تمسّک به اخلاق و شیوه پیامبران است.

(۵) (۱۵۱) امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به بستر خواب می‌رفت می‌گفت:
اللّهم باسمک احیی، و باسمک اموت

(خداوندا، به نام تو زنده می‌گردم و به نام تو می‌میرم). و چون از خواب بر می‌خاست می‌گفت:

الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النّشور

(سپاس و ستایش خدای را که مرا پس از میراندن زنده کرد «۱» و همه پس از مرگ به سوی او زنده و محشور می‌شوند).

(۶) (۱۵۲) محمّد بن مروان گوید: امام صادق علیه السّلام فرمود: آیا شما را خبر ندهم که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به بستر خواب می‌رفت چه می‌گفت؟ من گفتم: چرا، بفرماید.

فرمود: آن حضرت آیه الکرسی می‌خواند و می‌گفت:

بسم الله، آمنت بالله، و کفرت بالطّاعوت، اللهم احفظنی فی منامی و فی یقظتی

(به نام خدا، به خدا ایمان دارم، و از طاغوت بیزارم، خداوندا مرا در خواب و بیداری حفظ فرما).

(۷) (۱۵۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اوقات بالشی را از پوست که از لیف خرما پر شده بود زیر سر می‌نهاد و هم روی آن می‌نشست.

(۸) (۱۵۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خواب هولناکی می‌دید می‌گفت:

هو الله الذی

(۱) در این حدیث از خواب به مرگ تعبیر شده است چنان که در سوره زمر آیه ۴۲ آمده است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۰

لا شریک له

(او خدایی است که شریک ندارد). و چون برای نماز [شب] بر می‌خاست می‌گفت:

الحمد لله نور السّماوات و الارض، و الحمد لله قیوم السّماوات و الارض، و الحمد لله ربّ السّماوات و الارض و من فیهنّ، و انت الحقّ، و قولک الحقّ، و لقاءک الحقّ، و الجتّه حقّ، و النّار حقّ، و السّاعه حقّ. اللهم لک اسلمت، و بک آمنت، و علیک توکلت، و

لیک انیب، و بک خاصمت، و الیک حاکمت، فاغفر لی ما قدّمت و ما اخرت، و ما اسررت و ما اعلنت. انت الهی، لا اله الا انت

(سپاس و ستایش خدای را که نور آسمانها و زمین است. سپاس و ستایش خدای را که برپا دارنده آسمانها و زمین است. سپاس و

ستایش خدای را که پروردگار آسمانها و زمین و همه آفریدگانی است که در آنها به سر می‌برند. خداوندا تو بر حقّی، و گفتار تو

و دیدار تو و بهشت و دوزخ و قیامت حق است. خداوندا تسلیم تو شدم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل نمودم، و به سوی تو

باز می‌گردم، و به نیروی تو با دشمن مبارزه و ستیز کردم، و به سوی تو داوری نمودم، پس گناهان گذشته و آینده و نهان و آشکار

مرا بیامر، تو خدای منی، جز تو معبودی نیست).

آن گاه پیش از وضو مسواک می‌کرد «۱».

(۱) (۱۵۵) امام هادی علیه السّلام فرمود: ما اهل بیت هنگام خوابیدن ده چیز را مراعات می‌کنیم: طهارت داشتن، صورت بر کف

دست راست نهادن، سی و سه مرتبه

سبحان الله

، سی و سه مرتبه

الحمد لله

، و سی و چهار مرتبه

الله اکبر

گفتن، رو به قبله خوابیدن به گونه‌ای که صورتها مان رو به قبله قرار گیرد، خواندن سوره حمد و آیه الکرسی و آیه شهد الله ... «۲» و «۳». پس هر که چنین کند بهره خود را از آن شب خود گرفته است.

(۱) دعاهای دیگری برای هنگام خواب و بیدار شدن هست که به خواست خدا در باب دعاها خواهد آمد.

(۲) آل عمران/ ۱۸.

(۳) اینها نه مورد است و مورد دهم ذکر نشده.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۱

(۱) ۱۵۶ (تکرار روایت ۱۵۲) است.

(۲) ۱۵۷ (امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به نماز شب، که آن از سنت پیامبر شماسست.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۲

(۱)

۸ آداب و سنن آن حضرت در زناشویی و تربیت فرزند

اشاره

(۲) ۱۵۷. علی علیه السلام فرمود: ازدواج کنید، که ازدواج سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است، زیرا که آن حضرت می فرمود: هر که دوست دارد از سنت من پیروی کند، از جمله سنت من ازدواج است.

(۳) ۱۵۸. حضرت رضا علیه السلام فرمود: سه چیز از سنت پیامبران است: عطر زدن، زدودن موهای زاید بدن و آمیزش زیاد با همسران.

(۴) ۱۵۹. علی علیه السلام فرمود: گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله آمیزش با زنان، غذا خوردن در روز و خوابیدن در شب را بر خود حرام کرده بودند. ام سلمه این موضوع را به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد، آن حضرت به سوی اصحاب آمد و فرمود: آیا به زنان بی رغبت شده‌اید با آنکه من با زنان آمیزش می کنم، و روز غذا می خورم، و در شب می خوابم؟! پس هر که از سنت روی گرداند از من نیست «۱».

(۵) ۱۶۰. امام صادق علیه السلام فرمود: از اخلاق پیامبران دوست داشتن زنان است.

(۱) این معنی در کتابهای شیعه و غیر آنان از طرق بسیاری روایت شده است. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۳

(۱) ۱۶۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روشنی چشم من در نماز، و لذت در زنان قرار داده شده است.

(۲) ۱۶۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست با زنی ازدواج کند کس می فرستاد تا او را ببیند.

(۳) ۱۶۳. حضرت رضا علیه السّلام می‌فرمود: خداوند شب را و نیز زنان را مایه آرامش قرار داده. و از سنت است در شب ازدواج کردن و طعام دادن.

(۴) ۱۶۴. هارون بن مسلم گوید: به صاحب الدار (امام) عسکری علیه السّلام نوشتم:

فرزندی برای من به دنیا آمده، سر او را تراشیدم و به وزن موی سرش درهم صدقه دادم. در پاسخ فرمود: وزن کردن موی سر بچه به طلا و نقره جایز نیست، و سنت چنین جاری شده است.

(۵) ۱۶۵. علی علیه السّلام فرمود: برای فرزندانان روز هفتم عقیقه کنید، و به وزن موی سرشان نقره به مسلمانی صدقه دهید؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره حسن و حسین و سایر فرزندان این گونه عمل کرد.

(۶)

ملحقات

(۷) ۱۵۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باشید که بهترین شما کسانی هستند که با زنان خود خوبتر باشند، و من از هر کس با زنان خود خوبترم.

(۸) ۱۵۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ابراهیم خلیل علیه السّلام مردی غیرتمند بود، و من از او غیرتمندترم.

(۹) ۱۶۰. امام صادق علیه السّلام در بیان داستان موسی پیامبر علیه السّلام (که به دنبال دختر شعیب علیه السّلام روان شد تا خدمت شعیب برسد) فرمود که موسی به وی گفت: پشت سر من حرکت کن و راه را به من نشان ده، زیرا ما (پیامبران) مردمی هستیم که به پشت

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۴

سر زنان نگاه نمی‌کنیم.

(۱) ۱۶۱. بکر بن محمد گوید: از امام صادق علیه السّلام در باره ازدواج موقت پرسیدم، فرمود: من دوست ندارم که مسلمانی بمیرد در حالی که سنتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله مانده باشد و او بدان عمل نکرده باشد.

(۲) ۱۶۲. ابو قلابه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه با زن باکره ازدواج می‌کرد هفت روز نزد او می‌ماند، و هر گاه با زن بیوه ازدواج می‌کرد سه روز نزد او می‌ماند.

(۳) ۱۶۳. حضرت رضا علیه السّلام فرمود: هنگامی که نجاشی «امّ حبیبه دختر ابو سفیان» را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری کرد و به همسری آن حضرت در آورد سوری ترتیب داد و گفت: از سنتهای پیامبران سور دادن در ازدواج است.

(۴) ۱۶۴. ابو قلابه گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله اوقات خود را میان زنان خویش تقسیم می‌کرد و می‌گفت: «خداوند، این قسمتی است که در اختیار من است، پس مرا در آنچه تنها در اختیار توست و در اختیار من نیست سرزنش مکن».

(۵) ۱۶۵. امّ سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع زنان خود را همراه برد و در هر شبانه روز نزد یکی از زنانش به سر می‌برد، و بدین وسیله می‌خواست میان آنان عدالت را مراعات نماید.

(۶) ۱۶۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون نماز صبح را می‌خواند به یک یک زنان خود سر می‌زد [و از آنان احوالپرسی می‌نمود].

(۷) ۱۶۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر بازی و سرگرمی باطل و نارواست مگر سه بازی: تیراندازی، تعلیم اسب و بازی و شوخی با همسر که از سنت است.

(۸) ۱۶۸. امام صادق علیه السّلام از پدران بزرگوارش روایت کرده که فرمودند:

پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام بیماری نیز اوقات خود را میان همسران تقسیم می‌کرد و آن حضرت را به منزل زنی که نوبتش بود انتقال می‌دادند.

(۹) (۱۶۹) امام باقر علیه السلام فرمود: میمونه (همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله) می‌گفت:

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۵

پیامبر صلی الله علیه و آله به من در ایام ماهانام دستور می‌داد که لنگی به خود بپیچم و در بستر در کنار آن حضرت بخوابم.

(۱) (۱۷۰) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای هیچ یک از دختران و زنان خود بیش از دوازده اوقیه و یک نش مهریه قرار نداد. و اوقیه چهل درهم و نش بیست درهم است (که مجموعاً پانصد درهم می‌شود).

(۲) (۱۷۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعای خود می‌گفت:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رِبَاً، وَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ ضِيعَاً، وَ مِنْ زَوْجَةٍ تَشِينِي قَبْلَ اَوَانٍ مَشِيْبِي.

«خداوند، به تو پناه می‌آورم از فرزندی که بر من حاکم باشد، و از مالی که باعث هلاکت من شود (یا از مالی که مفت از دستم بیرون رود) و از همسری که مرا پیر سازد پیش از آنکه به پیری برسم».

(۳) (۱۷۲) حضرت رضا علیه السلام فرمود: هیچ فرزندی برای ما خاندان به دنیا نمی‌آید جز آنکه او را محمد می‌نامیم، و پس از هفت روز اگر بخواهیم نامش را تغییر می‌دهیم و اگر نه به همان نام صدا می‌زنیم.

(۴) (۱۷۳) پیامبر صلی الله علیه و آله چون صبح می‌کرد دست نوازش بر سر فرزندان و نوه‌های خود می‌کشید.

(۵) (۱۷۴) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که فاطمه علیها السلام را به خانه همسرش علی علیه السلام می‌بردند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل فرود آمدند ... پس آن سه فرشته تکبیر گفتند و فرشتگان دیگر نیز به پیروی آنها تکبیر گفتند؛ از این رو تا روز قیامت تکبیر گفتن در شب زفاف سنت شد.

(۶) (۱۷۵) علی علیه السلام فرمود: کام فرزندان خود را با خرما بردارید، رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در باره حسن و حسین چنین کرد.

(۷) (۱۷۶) امام صادق علیه السلام فرمود: هفت چیز در باره نوزاد از سنت است:

(۱) نامگذاری، (۲) تراشیدن موی سر او، (۳) در صورت امکان به وزن موی سرش

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۶

نقره یا طلا صدقه دادن، (۴) برای او عقیقه کردن، (۵) به سر او زعفران مالیدن، (۶) پاکیزه ساختن او با ختنه کردن، (۷) از عقیقه او به همسایگان خوراندن.

(۱) (۱۷۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ختنه برای مردان سنت است و برای زنان کرامت.

(۲) (۱۷۸) امام صادق علیه السلام فرمود: سوراخ کردن گوش پسر بچه از سنت است، و ختنه کردن او نیز در روز هفتم از سنت است.

(۳) (۱۷۹) محمد بن زیاد از دی گوید: هنگامی که حضرت رضا علیه السلام به دنیا آمد، از موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: این فرزندم ختنه شده و پاک و پاکیزه به دنیا آمده است و هیچ یک از امامان متولد نشوند مگر آنکه ختنه شده و پاک و پاکیزه باشند، ولی ما برای عمل کردن به سنت نبوی و پیروی کردن از آیین پاک و معتدل ابراهیمی، در جای ختنه کودک تیغ می‌کشیم.

(۴) (۱۸۰) امام باقر علیه السلام فرمود: ما اهل بیت برای فرزندان خود در کودکی آنها کنیه «۱» نیکو می‌گذاریم، مبادا که نامها و القاب زشت روی آنان بگذارند.

(۵) (۱۸۱) امام صادق علیه السلام فرمود: از سنت است که شخص را به نام پدرش (یا به نام پسرش) کنیه بگذارند.
 (۶) (۱۸۲) امام صادق علیه السلام فرمود: ما خاندان کودکان خود را چون به سن پنج سالگی رسیدند به نماز خواندن دستور می‌دهیم، شما هم کودکان خود را از هفت سالگی امر به نماز خواندن کنید. و ما کودکان خود را در هفت سالگی امر می‌کنیم به هر اندازه که توانایی دارند نصف روز یا بیشتر و یا کمتر روزه بگیرند و هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب آمد افطار کنند. این دستور برای آن است که به روزه گرفتن عادت نمایند و طاقت پیدا کنند. شما نیز کودکان خود را در نه سالگی

(۱) کنیه نامی است که برای مردان با «ابو» یا «ابن» و برای زنان با «ام» یا «بنت» شروع می‌شود و برای احترام روی افراد گذاشته می‌شود، مانند ابو القاسم، ابن الفارض، ام سلمه، بنت الشاطی.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۷

به هر اندازه که می‌توانند امر به روزه گرفتن کنید و چون تشنگی بر آنان غالب آمد افطار کنند.

(۱) (۱۸۳) از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که هر گاه به خانواده‌شان سختی و تنگدستی می‌رسید می‌فرمود: به نماز برخیزید، زیرا پروردگرم مرا به این کار امر کرده است، چنان که فرموده: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر آن شکبیا باش، ما روزی از تو نمی‌خواهیم بلکه تو را هم ما روزی می‌دهیم، و فرجام نیکو از آن پرهیزگاری است».

(۲) (۱۸۴) از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که چون می‌خواست با بانویی ازدواج کند زنی را نزد او می‌فرستاد و به او می‌فرمود: صفحه گردن او را بو کن، زیرا اگر بوی گردنش پاکیزه بود عرق بدنش نیز پاکیزه خواهد بود ...

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۸

(۱)

۹ آداب و سنن آن حضرت در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و آداب سفره

اشاره

(۲) ۱۶۶. امام صادق علیه السلام فرمود: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی محبوبتر از این نبود که پیوسته در راه خدا گرسنه و ترسان باشد.

(۳) ۱۶۷. عیص بن قاسم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حدیثی از پدر بزرگوارتان روایت می‌شود که فرموده: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله از زنان گندم سیر نخورد؛ آیا این مطلب درست است؟ فرمود: نه، بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز نان گندم نخورد، و از نان جو نیز هرگز سیر نخورد.

(۴) ۱۶۸. یکی از پرسشهایی که آن مرد یهودی شامی از امیر مؤمنان علیه السلام کرد آن است که گفت: مردم پندارند که عیسی علیه السلام مردی زاهد بود. علی علیه السلام به او فرمود:

آری، چنین بود و محمّد صلی الله علیه و آله از همه پیامبران زاهدتر بود، زیرا آن حضرت علاوه بر کنیزهایی که داشت دارای سیزده تن زن (در زمانهای متفاوت) بود، با این حال هیچ گاه سفره‌ای از نزد آن حضرت برچیده نشد که در آن طعامی باقی مانده باشد و

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۹

هرگز نان گندم نخورد و از نان جو نیز سه شبانه روز پیاپی سیر نخورد.

- (۱) ۱۶۹. علی علیه السّلام فرمود: پیامبر پاک و پاکیزه خود را سرمشق قرار ده ... که پهلویش از همه اهل دنیا لاغرتر، و شکمش از همه آنان تهی‌تر بود ... با شکم خالی از دنیا رخت بربست، و با سلامت به سرای آخرت در آمد.
- (۲) ۱۷۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال تکیه دادن غذا نخورد مگر یک بار، آن هم پس از یادآور شدن نشست و گفت: خدایا، من بنده و پیامبر تو هستم.
- (۳) ۱۷۱. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزی که خداوند او را به پیامبری برانگیخت تا روزی که جان او را گرفت در حال تکیه دادن غذا نخورد.
- آن حضرت مانند بردگان غذا می‌خورد و مانند آنان می‌نشست. گفتم: چرا چنین می‌کرد؟ فرمود: برای فروتنی در برابر خدای بزرگ.
- (۴) ۱۷۲. ابو خدیجه گوید: در مجلسی که من حاضر بودم بشیر دهان از امام صادق علیه السّلام پرسید: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که بر دست راست یا چپ تکیه کرده باشد غذا میل می‌کرد؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه در حال تکیه دادن بر دست راست یا چپ غذا میل نمی‌کرد، بلکه مانند بردگان می‌نشست. من گفتم: چرا چنین بود؟ فرمود: برای فروتنی در برابر خدای بزرگ.
- (۵) ۱۷۳. امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند بردگان غذا می‌خورد و مانند آنان می‌نشست. و بر زمین پست غذا می‌خورد و می‌خوابید.
- (۶) ۱۷۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون برای غذا خوردن می‌نشست، زانوها و قدمهای خود را جمع می‌کرد آن گونه که نماز گزار دو زانو می‌نشیند، با این فرق که یکی از زانوها و قدمها را روی زانو و قدم دیگر می‌نهاد، و می‌فرمود: همانا من بنده‌ام، مانند بندگان غذا می‌خورم و مانند آنان می‌نشینم.
- (۷) ۱۷۵. امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون بر سر سفره می‌نشست مانند بندگان می‌نشست و بر ران چپ خود تکیه می‌کرد.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۰
- (۱) ۱۷۶. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله روی زمین می‌نشست، و گوسفندان را به دست خود می‌بست، و دعوت غلامان را برای خوردن نان جو می‌پذیرفت.
- (۲) ۱۷۷. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند بندگان می‌نشست و دست خود را بر زمین می‌نهاد (به آن تکیه می‌کرد «۱»)، و با سه انگشت غذا می‌خورد. و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین غذا میل می‌کرد نه مانند جباران که با دو انگشت غذا می‌خورند.
- (۳) ۱۷۸. امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از غذا خوردن، انگشتان خود را می‌لیسید.
- (۴) ۱۷۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه انار می‌خورد کسی را در آن شرکت نمی‌داد.
- (۵) ۱۸۰. پیامبر صلی الله علیه و آله از هر گونه غذا میل می‌کرد، و هر غذایی را که خداوند برای او حلال کرده بود با خانواده و پیشکاران خود می‌خورد، و نیز با کسانی که ایشان را دعوت می‌کردند بر روی زمین و یا هر چه فرش نموده بودند می‌نشست و از هر غذایی که داشتند با آنان میل می‌فرمود، مگر آنکه مهمانی برای آنان برسد که با مهمان غذا می‌خورد. و بهترین غذا نزد آن حضرت غذایی بود که شرکت کنندگان در آن بیشتر باشند.
- (۶) ۱۸۱. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون با مردم غذا می‌خورد نخستین کسی بود که دست به غذا دراز می‌کرد و آخرین کسی بود که دست بر می‌داشت تا مردم هم [شرم نکنند و] غذا بخورند.

(۷) ۱۸۲. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که نزد قومی افطار می‌کرد

(۱) از این جمله روشن می‌شود که مسأله تکیه نکردن رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال غذا خوردن غیر از تکیه دادن بر دست بر روی زمین است، بلکه مراد تکیه نکردن بر پشتی و بالش و امثال آن است چنان که رسم پادشاهان و سایر متکبران است. شاهد این مطلب فرمایش امام صادق علیه السلام است که به شخصی که آن حضرت را از تکیه دادن بر دست در حال غذا خوردن نهی کرد، در بار سوم فرمود: به خدا سوگند رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز از چنین چیزی نهی نکرده است. (مؤلف) آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۱

می‌فرمود: روزه داران نزد شما افطار کردند، نیکان از غذای شما خوردند و برگزیدگان بر شما درود فرستادند و در حق شما دعا کردند.

(۱) ۱۸۳. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: شام پیامبران پس از نماز عشا بوده است، شما نیز شام خوردن را ترک نکنید، زیرا ترک آن باعث خرابی بدن است.

(۲) ۱۸۴. امام صادق علیه السلام فرمود: ظرف طعامی که در آن [علاوه بر سایر غذاها] خرما باشد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نیاورند مگر آنکه از خرما شروع می‌کرد.

(۳) ۱۸۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله میان هر دو لقمه حمد خدا می‌کرد.

(۴) ۱۸۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خرما می‌خورد هسته آن را پشت دست می‌نهاد سپس به سویی پرتاب می‌کرد.

(۵) ۱۸۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه شیر می‌نوشید مضمضه می‌کرد و می‌فرمود: شیر چربی دارد.

(۶) ۱۸۸. وهب بن عبد ربّه گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم خلال می‌کرد، چون به ایشان نگاه کردم فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خلال می‌کرد؛ خلال دهان را پاکیزه می‌کند.

(۷) ۱۸۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله با هر چه به دستش می‌رسید خلال می‌کرد، مگر با برگ درخت خرما و چوب تو خالی گیاهان (زیرا اینها خرد شده، می‌شکند و لای دندان می‌ماند).

(۸) ۱۹۰. پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه آب می‌نوشید اول

«بسم الله»

می‌گفت ... و آب را می‌مکید و آن را به یک نفس نمی‌نوشید، و می‌فرمود: درد کبد از آب را به یک نفس خوردن حاصل می‌شود.

(۹) ۱۹۱. ابن مسعود گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام خوردن آب از ظرف آن را با سه نفس می‌نوشید و در هر نفس

«بسم الله»

می‌گفت، و در آخر شکر خدا می‌نمود.

(۱۰) ۱۹۲. ابن عباس گوید: دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله با دو نفس آب نوشید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۲

(۱) ۱۹۳. علی علیه السلام فرمود: بارها پیامبر صلی الله علیه و آله را زیر نظر گرفتم دیدم هنگام نوشیدن آب آن را با سه نفس می‌نوشید و در هر نفس

«بسم الله»

می گفت و در آخر حمد خدا می کرد. از سبب آن پرسیدم، فرمود: یا علی،

«حمد»

برای ادای شکر خدا، و

«بسم الله»

برای ایمنی از درد است.

(۲) ۱۹۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام آب خوردن در ظرف آب نفس نمی کشید، بلکه هر وقت می خواست نفس بکشد ظرف را از دهان دور می داشت.

(۳) ۱۹۵. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون برای «استشفا» در آبی دعا می خواند ظرف را نزدیک دهان می برد و تا آنجا که خدا می خواست به آن دعا می خواند ولی در آن آب دهان نمی انداخت.

(۴) ۱۹۶. امام باقر علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام ایستاده آب می خورد. روزی از بقیه آب وضوی خویش در حالی که ایستاده بود نوشید، سپس رو به امام حسن علیه السلام کرد و فرمود: ای پسرکم، جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که چنین کرد.

(۵) ۱۹۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله خرمای نارس و پیه درخت خرما را با خرما می خورد، و می فرمود: شیطان - لعنه الله - سخت به خشم می آید و می گوید: آدمیزاده زنده ماند تا کهنه را با تازه خورد!

(۶) ۱۹۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون گوشت می خورد سر خود را به سوی آن پایین نمی برد، بلکه گوشت را به سوی دهان بالا می آورد و آن را به دندان پاره می کرد ... و هر گاه گوشت می خورد به خصوص دستهای خویش را خوب می شست، آن گاه دست تر را به صورت می کشید.

(۷) ۱۹۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گونه غذایی را میل می فرمود.

(۸) ۲۰۰. پیامبر صلی الله علیه و آله همه نوع غذا را می خورد ... و خیار را با خرما می خورد، و محبوبترین میوه‌ها نزد آن حضرت هندوانه و انگور بود. هندوانه را با خربزه و گاه با شکر و بسیاری اوقات با خرما میل می کرد ... و در فصل خرما روزه را با خرما افطار

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۳

می نمود. اکثراً انگور را دانه دانه میل می نمود. آن حضرت پنیر هم می خورد ... و چون خرما می خورد روی آن آب می نوشید و بیشتر خوراکش خرما و آب بود. شیر و خرما و حلیم می خورد. گوشت را از همه چیز بیشتر دوست داشت. کدو را دوست داشت به ویژه کدو حلوائی که آن را زودتر از هر چیز از سینی غذا بر می گرفت.

گوشت مرغ و حیوانات وحشی حلال گوشت و پرندگان و نیز نان و روغن و سرکه و کاسنی و ریحان کوهی و کلم نیز میل می کرد.

(۱) ۲۰۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله خیار را با نمک می خورد.

(۲) ۲۰۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله از گوشت پرنده شکار شده می خورد ولی خود در پی شکار نمی رفت و به دست خود شکار نمی نمود و دوست داشت که دیگران برای آن حضرت شکار کنند و بیاورند تا میل کند.

(۳) ۲۰۳. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از گوشت، ماهیچه دست را دوست داشت.

(۴) ۲۰۴. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله غسل را بسیار دوست داشت.

(۵) ۲۰۵. سلیمان بن جعفر جعفری گوید: بر حضرت امام رضا علیه السلام وارد شدم و در برابر آن حضرت خرمای برنی بود که با

جد و اشتهای کامل از آن می‌خورد، و به من فرمود: ای سلیمان، نزدیک بیا و بخور. من هم با آن حضرت از آن خوردم و عرض می‌کردم: فدایت شوم، می‌بینم از این خرما با اشتهای کامل میل می‌کنید! فرمود: بلی، من آن را بسیار دوست دارم. گفتم: چرا؟ فرمود: زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان، امام حسن، امام حسین، امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق و پدرم علیهم السلام همه، خرما را بسیار دوست داشتند و من نیز بسیار خرما دوستم و شیعیان ما نیز بسیار خرما دوست‌اند، زیرا از سرشت ما آفریده شده‌اند، و دشمنان ما - ای سلیمان - شراب مست‌کننده را دوست دارند، زیرا آنان از شعله‌ای از آتش آفریده شده‌اند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۴

(۱) ۲۰۶. امام صادق علیه السلام فرمود: غذای رسول خدا صلی الله علیه و آله نان جو بود - اگر به آن دست می‌یافت - و حلوایش خرما، و هیزمش چوب درخت خرما بود.

(۲) ۲۰۷. امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌فرمودند: روی زمین میوه‌ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله محبوبتر از انار نبود. به خدا سوگند چون آن حضرت انار میل می‌کرد دوست داشت کسی با او در آن شرکت نکند.

(۳) ۲۰۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله غذای داغ را نمی‌خورد تا اینکه سرد شود، و می‌فرمود:

خداوند به ما آتش نخورانیده است؛ غذای داغ برکت ندارد، پس آن را سرد کنید.

آن حضرت هنگام غذا خوردن

«بسم الله»

می‌گفت، و با سه انگشت و از جلو خود غذا می‌خورد و از جلو کسی دیگر غذا بر نمی‌داشت. چون غذا می‌آوردند پیش از دیگران شروع می‌کرد و سپس دیگران شروع می‌کردند. و با سه انگشت یعنی شصت و سبابه و انگشت وسط دست غذا می‌خورد، و گاه از انگشت چهارم کمک می‌گرفت. گاه هم با تمام کف دست غذا می‌خورد، ولی با دو انگشت غذا نمی‌خورد و می‌فرمود: خوردن با دو انگشت راه و رسم شیطان است.

روزی اصحاب آن حضرت فالوده‌ای آوردند، حضرت با ایشان از آن میل فرمود و پرسید: این از چه درست شده است؟ گفتند: روغن و عسل را به هم می‌آمیزیم و همین چیزی که مشاهده می‌فرمایید به دست می‌آید. فرمود: این غذای پاکیزه‌ای است! آن حضرت نان جو الک نشده را می‌خورد، و هرگز نان گندم نخورد، و از نان جو نیز سیر نخورد، و تا زنده بود بر سر سفره رنگین غذا نخورد. هندوانه و خربزه و انگور می‌خورد، و نیز خرما را می‌خورد و هسته‌اش را به گوسفندان می‌داد. سیر و پیاز و تره و عسل موم‌دار (که بوی بد آن در دهان باقی می‌ماند) نمی‌خورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز طعامی را نکوهش نکرد، اگر دوست داشت می‌خورد و اگر دوست نداشت رها می‌کرد، ولی بر دیگران حرام نمی‌نمود. ظرف غذا را با

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۵

انگشت پاک می‌کرد و می‌فرمود: ته‌مانده ظرف با برکت تر است. و چون از غذا خوردن دست می‌کشید هر سه انگشت خود را با آن غذا خورده بود یکی پس از دیگری می‌لیسید. پس از غذا دست خود را می‌شست تا خوب پاک شود. و تنها غذا نمی‌خورد.

(۱) ۲۰۹. امام صادق علیه السلام فرمود: در این میان که امیر مؤمنان علیه السلام در رجه کوفه با چند تن از یاران قرار داشت طبق فالوده‌ای برای ایشان هدیه آوردند؛ حضرت به یاران خود فرمود: دست دراز کنید (و بخورید) آنان دست دراز کردند و آن حضرت نیز دست به سوی ظرف دراز نمود، سپس دست خود را عقب کشید و فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آوردم که فالوده نخورد «۱»، من نیز از خوردن آن کراهت دارم.

(۲) ۲۱۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه غذای چرب می‌خورد کمتر آب می‌نوشید.

عرض شد: یا رسول الله، شما کم آب می نوشید! فرمود: این برای غذایم گواراتر است.

(۳) ۲۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش می داشت که از قده شامی آب بنوشد، و می فرمود: این پاکیزه ترین ظرفهای شماست.

(۴) ۲۱۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله از قدهای شیشه‌ای که از شام می آوردند آب می نوشید، و از قدهای چوبین و پوستی و سفالی هم آب می نوشید.

(۵) ۲۱۳. پیامبر صلی الله علیه و آله با کف دست هم آب می نوشید؛ آب را کف دست می ریخت و می فرمود: ظرفی پاکیزه تر از دست نیست.

(۶) ۲۱۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله از دهانه مشکهای بزرگ و کوچک آب می نوشید، ولی در حال آب خوردن دهانه آن را به بیرون بر نمی گردانید، و می فرمود: این کار

(۱) از روایات دیگری بر می آید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فالوده میل کرد ولی بسیار اندک، و شاید مراد این حدیث همین باشد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۶

آب مشک را بدبو می کند.

(۱) ۲۱۵. از مطالبی که ابن طاوس رحمه الله در کتاب مهج الدعوات از کتاب زاد العابدین در باره کیفیت گرفتن آب نیشان نقل کرده معلوم می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن آب استفاده می کرده است.

(۲) ۲۱۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو قوچ شاخدار ابلق (سیاه و سفید) در عید قربان ذبح می کرد.

(۳) ۲۱۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز عید قربان دو قوچ ذبح می کرد، یکی از طرف خود و دیگری از طرف [نیازمندان] امت خود.

(۴)

ملحقات

(۵) ۱۸۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما قومی هستیم که تا گرسنه نشویم غذا نمی خوریم، و چون غذا خوردیم سیر نمی خوریم.

(۶) ۱۸۶. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بسا چند شب پیای گرسنه می ماند و شامی برای خود و خانواده اش نمی یافت، و عمدتاً خوراکش نان جو بود.

(۷) ۱۸۷. عایشه گوید: سوگند به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت ما الک نداشتیم [که آرد را الک کنیم و نان الک کرده بخوریم] و آن حضرت از روزی که خداوند او را مبعوث فرمود تا روزی که از دنیا رفت هرگز نانی که آرد آن را الک کرده باشند میل نفرمود.

(۸) ۱۸۸. انس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از غذایی که بر طبق و مجمعه نهاده شده بود نخورد، و نیز از نان سبوس گرفته (که نان اشرافی آن روز بوده) نخورد. از او پرسیدند: آنان غذا را بر روی چه می خوردند؟ گفت: بر سر سفره.

(۹) ۱۸۹. عایشه گوید: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله شکم را از سیری پر نکرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۷

(۱) (۱۹۰) امام باقر علیه السّلام به محمّد بن مسلم فرمود: ای محمّد، شاید پنداری که رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزی که خداوند او را مبعوث نمود تا روزی که او را قبض روح فرمود کسی آن حضرت را - اگر چه یک بار - دیده باشد که در حال تکیه دادن غذا خورده باشد؟ ای محمّد، شاید گمان کنی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزی که خداوند او را مبعوث نمود تا روزی که او را قبض روح فرمود سه روز پیاپی از نان گندم سیر خورده باشد؟ آن گاه حضرت پاسخ خود را چنین داد: نه، به خدا سوگند تا روزی که خداوند جان او را قبض نمود سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخورد. البته نمی گویم آن حضرت دسترسی به آن نداشت، بلکه گاهی به یک مرد صد شتر می بخشید؛ و اگر می خواست بخورد حتما می توانست. همانا جبرئیل سه بار کلید گنجهای زمین را نزد آن حضرت آورد و او را در انتخاب آن مخیر ساخت بدون آنکه خداوند چیزی از پاداش اخروی که برای او آماده ساخته بکاهد، ولی او در هر بار تواضع و فروتنی در برابر پروردگارش را [بر تمام گنجهای زمین] برمی گزید. هرگز چیزی از او درخواست نشد که در پاسخ «نه» بگوید. اگر داشت می بخشید، و اگر نداشت می فرمود: به خواست خدا انجام خواهد شد.

(۲) (۱۹۱) علی علیه السّلام فرمود: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هرگز سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخورد تا به رحمت الهی پیوست.

(۳) (۱۹۲) ابو هریره گوید: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله و خانواده او تا هنگام رحلت آن حضرت سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخوردند.

(۴) (۱۹۳) عایشه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله تا دم مرگ نشد که سه روز پیاپی از طعام سیر شده باشد، و اگر می خواست می توانست خود را سیر کند، ولی گرسنگان دیگر را بر خود مقدم می داشت.

(۵) (۱۹۴) هیچ گاه دو رنگ غذا در یک لقمه رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع نشد، اگر گوشت بود نان نداشت، و اگر نان بود گوشت نداشت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۸

(۱) (۱۹۵) هیچ گاه دو نوع غذا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع نشد مگر آنکه یکی را خود خورد و دیگری را صدقه داد.

(۲) (۱۹۶) ابن خولی ظرفی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد که در آن شیر و عسل ریخته بود. آن حضرت از خوردن آن خودداری کرد و فرمود: دو نوع نوشیدنی در یک جا، و دو ظرف (دو نوع) غذا در یک ظرف؟! پس، از خوردن آن خودداری نمود، سپس فرمود: آن را حرام نمی کنم، ولی دوست ندارم در دنیا فخر و مباهات کنم و در فردای قیامت به خاطر بهره‌مندی بیش از حد از دنیا حساب پس بدهم. من فروتنی را دوست دارم، زیرا هر که برای خدا فروتنی کند خدایش سربلند گرداند.

(۳) (۱۹۷) علی علیه السّلام در هنگام شهادت به دخترش امّ کلثوم علیها السّلام فرمود: من می خواهم از برادر و پسر عمویم رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی کنم که تا زنده بود هیچ گاه دو نوع غذا برای او در طبقی نیاوردند.

(۴) (۱۹۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله تا آنجا که ممکن بود به تنهایی غذا نمی خورد.

(۵) (۱۹۹) علی علیه السّلام در سفارشاتش به کمیل بن زیاد فرمود: ای کمیل، در کیفیت غذای خود زیاد دقت مکن، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله خیلی در کیفیت غذا دقت نمی کرد.

(۶) (۲۰۰) از امام صادق علیه السّلام پرسیدند: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانواده خود غذای باب میل و مطبوعشان را می داد؟ فرمود: آری، زیرا هر گاه نفس آدمی غذای مطبوع خود را بیابد به آن قانع شده، آن غذا موجب رشد گوشت و چاقی وی می گردد.

(۷) (۲۰۱) امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله کاسه غذا را [با انگشت] می لیسید.

(۸) (۲۰۲) امام حسن مجتبی علیه السّلام فرمود: دوازده خصلت است که سزاوار است هر مسلمانی آنها را برای غذا خوردن فرا

بگیرد، چهار تای آنها واجب، چهار تا سنت و چهار تای دیگر آداب است ... اما آنچه سنت است عبارت است از: بر پای چپ آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۹
نشستن، با سه انگشت غذا خوردن و از جلوی خود لقمه برگرفتن «۱».

(۱) (۲۰۳) در حدیث سنت طعام آمده است: شستن دستها پیش از غذا و بعد از غذا سنت است.

(۲) (۲۰۴) پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هنگام غذا خوردن به کسی که پیش روی آن حضرت بود لقمه تعارف می کرد، و هنگام آب نوشیدن به کسی که در سمت راست او بود آب را تعارف می نمود.

(۳) (۲۰۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال ایستاده و بسا در حال سواره آب می نوشید. و بسا ایستاده از مشک و کوزه یا هر ظرف دیگر و گاه با دستهای مبارکش آب می نوشید.

(۴) (۲۰۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله با سه نفس آب می نوشید، و هر بار در اول

«بسم الله»

و در آخر

«الحمد لله»

می گفت. بعد از نفس اول می گفت:

«الحمد لله»

، و بعد از نفس دوم می گفت:

«الحمد لله رب العالمین»

، و بعد از نفس سوم می گفت:

«الحمد لله رب العالمین، الرحمن الرحیم»

. (۵) (۲۰۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه آب می نوشید می گفت:

الحمد لله الذي لم يجعله اجاجا بذنوبنا، و جعله عذبا فراتا بنعمته

«سپاس خدایی را که آن را در اثر گناهان ما تلخ نکرد، و به واسطه نعمت خود آن را شیرین و گوارا قرار داد».

(۶) (۲۰۸) پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله چون قسمتی از لقمه اش را می خورد می گفت:

اللهم لك الحمد، اطعمت و سقیت و ارویت، فلك الحمد غير مكفور و لا مودع و لا مستغنی عنك

«خداوندا، تو را سپاس که اطعام کردی و نوشاندی و سیراب نمودی، پس تو را سپاس بی آنکه تو را ناسپاسی کنیم و دست از تو باز

داریم و خود را از تو بی نیاز شماریم».

(۷) (۲۰۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سرکه خوب خورشی است. خدایا، سرکه را بر

(۱) و در نقل دیگر آمده است: «شستن دست پیش از غذا ... و لیسیدن انگشتان پس از غذا» - (مؤلف).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۰

ما مبارک گردان، زیرا که آن خورش پیامبران پیش از من بوده است.

(۱) (۲۱۰) امام صادق علیه السلام فرمود: محبوبترین خورشها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله سرکه و زیتون بود، و می فرمود:

اینها خوراک پیامبران علیهم السلام است.

(۲) (۲۱۱) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت کلیه (قلوه) های حیوان را نمی خورد، بدون آنکه آن را بر

دیگران حرام کند، و می‌فرمود: به خاطر اینکه کلیه‌ها به بول حیوانات نزدیک است.

(۳) (۲۱۲) امام صادق علیه السلام فرمود: از سوی انصار یک سینی بزرگ برنج خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه آوردند، آن حضرت سلمان و مقداد و ابو ذر (رضی الله عنهم) را هم دعوت کرد و آنان کمی خوردند و زود دست کشیدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

شما که چیزی نخوردید! سپس فرمود: از شما آن کس که بیشتر ما را دوست دارد بیشتر نزد ما غذا می‌خورد.

(۴) (۲۱۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مؤمنی مرا برای خوردن سردست و پاچه گوسفندی دعوت کند می‌پذیرم، و این خود از دین محسوب است. و اگر مشرک یا منافقی مرا برای خوردن شتری که نحر کرده دعوت کند نمی‌پذیرم، و این نیز از دین محسوب است. خداوند عطا و غذای مشرکان و منافقان را برای من نخواسته است.

(۵) (۲۱۴) مانند روایت ۲۰۸. است.

(۶) (۲۱۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگام غذا خوردن کفشهای خود را در آورید، زیرا که این کار سنت خوبی است و پاها را راحتی می‌بخشد.

(۷) (۲۱۶) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت ماهیچه و سردست را دوست داشت و گوشت ران را دوست نمی‌داشت، زیرا این قسمت به محل بول حیوان نزدیک است.

(۸) (۲۱۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز طعامی را نکوهش نکرد، اگر میل داشت می‌خورد و گر نه ترک می‌کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۱

(۱) (۲۱۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله غذا را فوت نمی‌کرد، و در ظرف آب هم نمی‌دمید.

(۲) (۲۱۹) سرکه و سبزی بر سر سفره از سنت است.

(۳) (۲۲۰) امام صادق علیه السلام فرمود: مقداری حلوی روغن و خرما خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند، آن حضرت میل نکرد، عرض شد: آیا خوردن آن را حرام می‌دانید؟ فرمود: نه، ولی خوش ندارم نفسم به اینها تمایل یابد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «شما از خویبها و خوشیهای خود در زندگانی دنیاتان بهره‌مند شدید ...» (۱).

(۴) (۲۲۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله ظرف غذا را برای گربه کج نگاه می‌داشت [تا حیوان بتواند راحت از آن بخورد].

(۵) (۲۲۲) امام صادق علیه السلام با پنج انگشت غذا می‌خورد و می‌فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه غذا می‌خورد نه آن گونه که جبّاران [با دو انگشت] می‌خورند.

(۶) (۲۲۳) علی علیه السلام فرمود: ما کشمش و خرما را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله در ظرف آب خیس می‌کردیم، در روزهای اول و دوم از آن میل می‌کرد، و چون رنگ آن بر می‌گشت دستور می‌داد آن را دور بریزند.

(۱) احقاف / ۲۰.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۲

(۱)

(۲) ۲۱۸. هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال بول یا غائط دیده نشد.

(۳) ۲۱۹. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون می‌خواست آب بینی یا خلط سینه خود را بگیرد سر خود را می‌پوشانید و سپس آن را دفن می‌کرد. در هنگام آب دهان انداختن نیز چنین می‌کرد. و چون می‌خواست به بیت الخلاء رود نیز سر خود را می‌پوشانید.

(۴) ۲۲۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفارشات خود به ابو ذر فرمود: ای ابا ذر، از خدا شرم بدار، که من - سوگند به خدایی که جانم به دست اوست - چون به بیت الخلاء می‌روم لباس خود را بر سر می‌کشم، زیرا از دو فرشته‌ای که با من هستند شرم می‌کنم.

(۵) ۲۲۱. شیخ مفید رحمه الله گوید: پوشانیدن سر - در صورتی که برهنه باشد - در هنگام قضاء حاجت از سنن پیامبر صلی الله علیه و آله است.

(۶) ۲۲۲. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بول کردن سه بار دست خود را به مجرای بول می‌کشید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۳

(۱) ۲۲۳. حسین بن خالد گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: به ما حدیث رسیده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که انگشتر در دست داشت و نقش آن «محمد رسول الله» بود طهارت می‌گرفت، و امیر مؤمنان علیه السلام نیز چنین می‌کرد؟! فرمود: راویان راست گفته‌اند. گفتم: برای ما هم سزاوار است که چنین کنیم؟ فرمود: آنان انگشتر را به دست راست می‌کردند و شما به دست چپ می‌کنید (بنا بر این باید هنگام طهارت گرفتن انگشتر را بیرون آورید).

(۲) ۲۲۴. امام صادق علیه السلام فرمود: سه سنت از سنن رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره براء بن معرور انصاری جاری شد «(۱: ۱) مردم قبلا - با سنگها خود را پاک می‌کردند؛ یک بار براء بن معرور کدو خورد و مزاجش نرم شد، پس با آب طهارت گرفت، خداوند در باره او این آیه را نازل کرد: «خداوند توبه‌کنندگان و پاکیزگی‌جویان را دوست دارد» (۲: ۲)». از آن وقت طهارت گرفتن با آب سنت شد. (۲) هنگام وفات، او در مدینه بود [و رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه]، ولی دستور داد تا او را به طرف قبله (یعنی کعبه که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا بود) دفن کنند. این بود که آیه توجه به قبله نازل شد [و توجهی می‌ت به قبله نیز از سنن پیامبر صلی الله علیه و آله گردید]. (۳) وصیت کرد ثلث مالش را [به رسول خدا صلی الله علیه و آله] بدهند، در نتیجه وصیت به ثلث سنت گردید.

(۳) ۲۲۵. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیش از هر کس از ترشح بول اجتناب داشت، از این رو هر گاه می‌خواست بول کند به زمین بلندی می‌رفت یا زمین نرم و پر خاکی را انتخاب می‌کرد تا مبادا بول به او ترشح کند.

(۴) ۲۲۶. امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام به من فرمود: فرزندم، برای من لباسی مخصوص قضاء حاجت آماده کن، زیرا دیدم مگس‌ها پس از نشستن روی مایعات نجس بر جامه من می‌نشینند. من هم لباس را آماده کرده،

(۱) یعنی براء بن معرور سه کار کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را به عنوان سنت حسنه پذیرفت.

(۲) بقره/ ۲۲۲.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۴

خدمت پدرم بردم، اما فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاران او یک جامه بیشتر نداشتند [که در همه احوال می‌پوشیدند]، از این رو آن را قبول نکرد و کنار گذاشت «(۱)».

(۱)

ملحقات

(۲) (۲۲۴) صدوق رحمه الله گوید: سنت در بیت الخلاء آن است که هنگام ورود پای چپ را قبل از پای راست پیش گذارد، و سر را بپوشاند، و خدا را یاد کند (ذکر بگوید).

(۳) (۲۲۵) مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: آداب و سنن رفتن به بیت الخلاء چیست؟ فرمود: خدا را یاد می‌کنی، و از شیطان رانده شده به خداوند پناه می‌بری

(اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

می‌گویی) و چون فارغ شدی می‌گویی:

الحمد لله علی ما اخرج منی من الاذی فی یسر و عافیة

«سپاس و ستایش خدا را که در آسانی و سلامتی، فضولات آزار دهنده را از من خارج ساخت.»

(۴) (۲۲۶) امام باقر علیه السلام فرمود: نمازی نیست مگر با طهارت، و برای «طهارت گرفتن» سه عدد سنگ کافی است، و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر این جاری بوده است، اما بول را حتما باید آب کشید.

(۵) (۲۲۷) امام صادق علیه السلام فرمود: سنت در «طهارت گرفتن» به سه عدد سنگ تمیز جاری شده، و پس از آن شستن با آب «۲».

(۶) (۲۲۸) علی علیه السلام فرمود: سنت در طهارت گرفتن با آب است، اول محل بول را بشوید، سپس به شستن مقعد پردازد، و هر دو را با هم نشوید.

(۱) ظاهراً این عمل امام سجاد علیه السلام برای آن بود تا عملاً و سواس را از خود دور کند و به دیگران نیز دوری از سواس را تعلیم دهد.

(۲) شستن با آب زمانی لازم است که نجاست به اطراف مقعد رسیده باشد، و گر نه مستحب است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۵

(۱) (۲۲۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر برای قضای حاجت، مقدار زیادی از مردم دور می‌شد و خود را پنهان می‌ساخت.

(۲) (۲۳۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به بیت الخلاء می‌رفت سرش را می‌پوشانید، و هیچ کس او را [در حال قضای حاجت] ندید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۶

(۱)

۱۱ آداب و سنن آن حضرت در امور اموات**اشاره**

(۲) (۲۲۷). رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه جوش کوچکی در بدن خود می‌دید به خداوند پناه می‌برد و اظهار مسکنت و زاری در برابر او می‌نمود. به او عرضه می‌داشتند: یا رسول الله، چیز مهمی نیست؛ می‌فرمود: خدا اگر بخواهد چیز کوچک را

بزرگ، و چیز بزرگ را کوچک خواهد نمود.

(۳) ۲۲۸. ابو سعید خدری در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تب داشت، از روی لحاف دست بر بدن آن حضرت گذاشت و حرارت بدن او را دریافت، گفت: یا رسول الله، چقدر تب شما شدید است! فرمود: ما چنین هستیم، بلاها بر ما سخت می‌شود و پاداش ما هم دو برابر است (۱).

(۴) ۲۲۹. امام باقر علیه السلام فرمود: سنت در حمل تابوت آن است که حمل کننده چهار طرف آن را (به ترتیبی که در حدیث بعد ذکر شده) به دوش گیرد. پس از آن

(۱) در باب شمایل آن حضرت، حدیث ۴۰ و در باب معاشرت آن حضرت، حدیث ۷۰ گذشت که آن حضرت از بیماران عیادت می‌کرد. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۷
هر گونه حمل دیگری مستحب است (۱).

(۱) ۲۳۰. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: حمل چهار گوشه تابوت که سنت بر آن جاری شده چنان است که اول طرف دست راست میت را به دوش گیرد، سپس طرف پای راست، سپس پای چپ و در آخر طرف دست چپ را حمل نماید، تا به این ترتیب چهار گوشه آن را به دوش گرفته باشد.

(۲) ۲۳۱. امام باقر علیه السلام فرمود: امام حسن مجتبی علیه السلام با گروهی از یاران خود نشسته بود که جنازه‌ای را از آنجا عبور دادند، برخی از یاران برخاستند و امام حسن علیه السلام برخواست. چون جنازه را بردند برخی از یاران گفتند: خدا شما را سلامتی دهد، چرا برخاستید حال آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر جنازه‌ای را حرکت می‌دادند از جا برمی‌خاست؟! امام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فقط یک بار برای جنازه از جا برخاست، آن هم به خاطر آن بود که جنازه یهودی را عبور می‌دادند و جا هم تنگ بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست، زیرا نمی‌خواست که جنازه بالاتر از سر آن حضرت حرکت داده شود.
(۳) ۲۳۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه جنازه‌ای را تشییع می‌نمود اندوه بر او غالب می‌شد و بسیار در خود فرو می‌رفت و کمتر سخن می‌گفت.

(۴) ۲۳۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از دفن میت سه مشت خاک بر روی قبر می‌ریخت.

(۵) ۲۳۴. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در خصوص اموات بنی هاشم کاری می‌کرد که با دیگر اموات مسلمانان نمی‌کرد. هر گاه بر مرده‌ای از بنی هاشم نماز می‌خواند و آب بر روی قبر او می‌پاشید دست خود را بر قبر می‌نهاد به طوری که اثر انگشتانش در گل دیده می‌شد، و چون شخص غریب یا مسافر به مدینه وارد می‌شد و قبر تازه را با اثر دست رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن می‌دید می‌گفت: تازگی چه کسی از

(۱) یعنی پس از آنکه چهار طرف را دور زد اگر باز هم زیر تابوت را بگیرد مستحب است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۸
آل محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رفته است؟

(۱) ۲۳۵. عبد الرحمن بن ابی عبد الله گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دست گذاردن آدمی بر روی قبر چه معنی دارد و چرا چنین می‌کنند؟ فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه بر روی قبر پسرش آب پاشید چنین کرد. پرسیدم:

چگونه دستم را بر قبر مسلمانان بگذارم؟ حضرت در حالی که مقابل قبله بود [انگشتان] دست خود را در زمین فرو برد سپس بر آورد.

(۲) ۲۳۶. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هر گاه به کسی تسلیت می گفت می فرمود:

أجرکم الله و رحمکم

«خدا شما را اجر دهد و بر شما رحمت آورد». و هر گاه تبریک و تهنیت می گفت می فرمود:

بارک الله لکم و بارک الله علیکم

«خداوند بر شما برکت دهد و برای شما مبارک گرداند.»

(۳) ۲۳۷. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام به مصیبتی دچار نشد جز آنکه در آن روز هزار رکعت نماز

می گذاشت و بر شصت مسکین صدقه می داد و سه روز هم روزه می گرفت. و به فرزندان خود فرمود: هر گاه به مصیبتی دچار شدید همین گونه که من عمل کردم عمل کنید، زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله را دیدم که چنین می کرد.

پس از اثر پیامبرتان پیروی کنید و مخالفت نورزید که خدا هم با شما مخالفت خواهد کرد، خدای متعال فرموده: «و هر که صبر کند و گذشت نماید [بسیار شایسته است] که این از امور جدی است.» امام زین العابدین علیه السلام فرمود: پس من همیشه مانند امیر مؤمنان علیه السلام عمل می کنم.

(۴)

ملحقات

(۵) ۲۳۱. انس بن مالک گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله از بیمار عیادت می کرد و به تشییع جنازه می رفت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۹

(۱) ۲۳۲. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هر گاه به عیادت بیماری می رفت چنین دعا می کرد:

اذهب الباس ربّ الباس، و اشف انت الشّافی، لا شافی الا انت

«بیماری را ببر ای که بیماری در دست توست، و شفا ده که تنها تو شفا دهنده‌ای، و جز تو شفا دهنده‌ای نیست.»

(۲) ۲۳۳. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هر گاه خود یا یکی از خانواده یا اصحابش چشم درد می گرفتند این دعا را می خواند:

اللّهُمَّ متّعی بسمعی و بصری، و اجعلهما الوارثین منی، و انصرنی علی من ظلمنی، و ارنی فیه ثاری

«خداوند، مرا از گوش و چشمم بهره مند گردان، و آن دو را وارث من قرار ده (پیش از مردن آنها را از من مگیر)، و مرا بر کسی که به من ستم کرده پیروز کن، و انتقامم را از او به من بنما.»

(۳) ۲۳۴. ابن عباس گوید: پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله برای رهایی از همه دردها و تب و سردرد این دعا را می آموخت:

باسم الله الکبیر، اعوذ بالله العظیم من شرّ کلّ عرق نّعار، و من شرّ حرّ النّار

«به نام خدای بزرگ، از شرّ هر رگ زنده که خون به شدت در آن جریان دارد و از شرّ آتش دوزخ به خدای بزرگ پناه می برم.»

(۴) ۲۳۵. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هر گاه چیزی او را اندوهگین می ساخت با روزه گرفتن و نماز خواندن بر دفع آن یاری می جست.

(۵) ۲۳۶. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هر گاه به مصیبتی دچار می شد برمی خاست، وضو می گرفت و دو رکعت نماز می خواند و

چنین دعا می کرد:

اللَّهُمَّ قَدْ فَعَلْتَ مَا أَمَرْتَنَا، فَانْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا

«خدایا، من آنچه را به ما دستور داده بودی انجام دادم، پس آنچه را به ما وعده داده‌ای محقق فرما».

(۶) (۲۳۷) علاء بن کامل گوید: نزد امام صادق علیه السّلام نشسته بودم که از درون خانه زنی صدا به شیون بلند کرد، امام صادق علیه السّلام (از ناراحتی) برخاست، سپس نشست و گفت: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**، و به سخن گذشته خود ادامه داد تا حرفش تمام شد،

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۰

سپس فرمود: ما دوست داریم که جان و اولاد و اموالمان سالم باشد، ولی هر گاه سرنوشت الهی واقع شد دیگر سزاوار ما نیست که آنچه را خدا برای ما دوست نداشته، دوست داشته باشیم.

(۱) (۲۳۸) امام علیه السّلام فرمود: سنّت در کافور برای میت حد اکثر مقدار سیزده درهم و ثلث درهم است [زیرا] جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حنوطی آورد که چهل درهم وزن داشت، آن حضرت آن را سه قسمت کرد، یک جزء برای خود، یک جزء برای علی علیه السّلام و جزء دیگر برای فاطمه علیها السّلام.

(۲) (۲۳۹) زراره و محمد بن مسلم گویند: به امام باقر علیه السّلام گفتیم: آیا عمامه برای میت از کفن محسوب است؟ فرمود: نه، کفن واجب سه پیراهن است (لنگ، جامه، سرتاسری) یا یک پوشش سرتاسری که تمام بدنش را بپوشاند نه کمتر از آن «۱». و بیش از اینها تا پنج جامه سنّت است، و زیاده از آن بدعت خواهد بود، و عمامه سنّت است.

(۳) (۲۴۰) در حدیثی وارد است که جریده (دو قطعه چوب خوب تر خرما، که همراه میت دفن می‌کنند) از سنّت است.

(۴) (۲۴۱) موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود: ما خاندانی هستیم که مهریه زنان و مخارج حج واجب و کفن امواتمان از پاکیزه‌ترین اموال ما تهیه می‌شود، و من کفن خود را آماده دارم.

(۵) (۲۴۲) علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه بر جنازه‌ای نماز می‌خواند، اگر میت مرد بود مقابل سینه او، و اگر زن بود مقابل سر او می‌ایستاد.

(۶) (۲۴۳) ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در تشییع جنازه و یا بیرون رفتن برای نماز عید هرگز سواره نرفت.

(۷) (۲۴۴) امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این جاری شده که زن

(۱) این در صورتی است که پیراهن پیدا نشود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۱

را کسی در قبر گذارد که در زمان حیاتش می‌توانسته او را ببیند (محرم او باشد. و شوهر از دیگران اولویت دارد).

(۱) (۲۴۵) امام کاظم علیه السّلام می‌فرمود: با عمامه و شب کلاه و نعلین و طیلسان (جامه گشاد و بلندی که تمام بدن را می‌پوشاند) وارد قبر نشو، و به هنگام وارد شدن دکمه‌هایت را باز کن، زیرا سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این جاری شده، و دفن‌کننده باید

«اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»

بگوید، و سوره «فاتحه» و «قل اعوذ بربّ الناس» و «قل اعوذ بربّ الفلق» و «قل هو الله احد» و «آیة الکرسی» بخواند.

(۲) (۲۴۶) عمر بن اذینه گوید: دیدم امام صادق علیه السّلام خاک بر قبر میتی می‌ریخت و پیش از آن خاک را لحظاتی در دست نگاه می‌داشت سپس روی قبر می‌ریخت و بیش از سه مشت هم بیشتر نمی‌ریخت. علت آن را از ایشان پرسیدم، فرمود: ای عمر، داشتم این دعا را می‌خواندم:

ایمانا بک، و تصدیقا ببعثک، هذا ما وعد الله و رسوله، و صدق الله و رسوله، و ما زادهم الا ایمانا و تسلیما.

«خداوندا، به تو ایمان دارم و به برانگیختن تو مردگان را در قیامت باور دارم. این چیزی است که خدا و رسولش ما را وعده داده‌اند، و خدا و رسولش راست گفته‌اند. و گفته آنان جز بر ایمان و تسلیم ما نیفزود». رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می‌کرد و سنت هم بدان جاری شده است.

(۳) (۲۴۷) علی علیه السلام فرمود: سنت است که بر روی قبر آب بپاشند.

(۴) (۲۴۸) امام صادق علیه السلام فرمود: سنت در پاشیدن آب بر روی قبر آن است که رو به قبله بایستد و از طرف سر میت شروع کند به ریختن آب تا به طرف پایش برسد، سپس از همان جا دور زند و آب بریزد تا به طرف دیگر سر برد، و در آخر مقداری آب بر وسط قبر بپاشد، سنت در این کار چنین است.

(۵) (۲۴۹) حضرت رضا علیه السلام فرمود: سنت آن است که قبر به قدر چهار انگشت باز از زمین بلندتر ساخته شود و اگر بیشتر هم شد مانعی ندارد، و نیز باید قبر مسطح

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۲

باشد و مانند کوهان شتر (یا گرده ماهی) برآمده ساخته نشود.

(۱) (۲۵۰) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که جعفر بن ابی طالب علیه السلام شهید شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیهما السلام را امر کرد که سه روز برای اسماء بنت عمیس (همسر جعفر) غذا تهیه کند و خودش با زنان دیگر سه روز نزد او بماند. از این رو سنت بر این شد که برای مصیبت‌زدگان تا سه روز غذا ببرند.

(۲) (۲۵۱) امام باقر علیه السلام وصیت کرد که هشتصد درهم در مخارج ماتم او مصرف کنند، و این عمل را از سنت می‌دانست، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده بود: برای خانواده جعفر [بن ابی طالب] غذا تهیه کنید، که آنان گرفتار مصیبت‌اند.

(۳) (۲۵۲) امام صادق علیه السلام فرمود: نزد مصیبت‌زدگان غذا خوردن از عمل جاهلیت است، و سنت آن است که غذا به خانه آنان بفرستند «۱».

(۱) امروزه متأسفانه به عکس این دستور عمل می‌شود، از این رو مصیبت‌زدگان مصیبت اصلی خود را فراموش نموده، گرفتار مصیبتی بزرگتر می‌شوند که آن خرج دادن به شرکت‌کنندگان در تشییع و غیره است!

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۳

(۱)

۱۲ آداب و سنن آن حضرت در معالجه و مداوا

اشاره

(۲) (۲۳۸) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسط سر خود را حجامت کرد، و ابو ظبیه با آلت مخصوص حجامت که از مس بود آن حضرت را حجامت نمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله یک صاع خرما (که تقریباً سه کیلو گرم است) به او عطا فرمود. و رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه سردرد می‌گرفت روغن کنجد داخل بینی می‌کرد (یا با تخم گشنیز بخور می‌داد) «۱».

(۳) (۲۳۹) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله زکام خود را مداوا نمی‌کرد، و می‌فرمود: هیچ کس نیست

جز اینکه رگی از جذام دارد، و هر گاه به زکام مبتلا شود زکام بیماری جذام را ریشه کن می‌کند.

(۴) ۲۴۰. محمّد بن فیض گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: وقتی کسی از ما بیمار می‌شود پزشکان او را از خوردنیها پرهیز می‌دهند. حضرت فرمود: ولی ما خاندان فقط از خرما پرهیز می‌کنیم، و با سیب و آب سرد خود را معالجه می‌کنیم. گفتم: چرا

(۱) در باب نظافت گذشت که آن حضرت برای رفع سردرد ابروان خود را روغن می‌مالید. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۴

از خرما پرهیز می‌کنید؟ فرمود: زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السّلام را در زمان بیماریش از آن پرهیز داد.

(۱)

ملحقات

(۲) ۲۵۳. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسط سرش را حجامت می‌کرد و آن را «پناه دهنده» یا «نجات دهنده» می‌نامید.

(۳) ۲۵۴. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز دوشنبه بعد از عصر حجامت می‌کرد.

(۴) ۲۵۵. امام کاظم علیه السّلام می‌فرمود: شستن سر با خطمی در روز جمعه از سنت است، روزی را فراوان، فقر را دور و مو و پوست بدن را نیکو می‌سازد، و این کار امام از سردرد است.

(۵) ۲۵۶. امام صادق علیه السّلام می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سر خود را با سدر می‌شست، و می‌فرمود: هر که سر خود را با سدر بشوید خداوند وسوسه شیطان را از دور می‌سازد، و هر که وسوسه شیطان از او دور شد گناه نمی‌کند، و هر که گناه نکند داخل بهشت می‌شود.

(۶) ۲۵۷. امام صادق علیه السّلام فرمود: از دواهای پیامبران علیهم السّلام حجامت، نوره کشیدن و انفیه کشیدن است «۱».

(۷) ۲۵۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به شما نیاموزم دارویی را که جبرئیل به من آموخته، تا دیگر به پزشک و دارویی محتاج نشوید؟ گفتند: چرا، یا رسول الله.

فرمود: آب باران را بگیرید و هفتاد بار سوره فاتحه، و هفتاد بار سوره ناس، و هفتاد

(۱) انفیه گردی قهوه‌ای رنگ و مکّیف و عطسه‌آور است که بیشتر از تنباکو ساخته می‌شود و آن را برای عطسه کردن جلو بینی قرار می‌دهند و برخی از مردم آن را داخل بینی می‌کنند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۵

بار سوره فلق، و هفتاد بار صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و هفتاد بار

سبحان الله

بر آن بخوانید و هفت روز پیپی هر صبح و شام از آن آب بیاشامید.

(۱) ۲۵۹. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از درد کمر به خداوند شکایت کرد، خدای متعال آن حضرت را دستور داد به خوردن گندم با گوشت (یعنی حلیم).

(۲) ۲۶۰. علی علیه السّلام فرمود: هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمار نشد مگر آنکه به حجامت کردن پناه برد.

(۳) ۲۶۱. امام صادق علیه السّلام می‌فرمود: جدّ ما (رسول خدا صلی الله علیه و آله) برای معالجه تب فقط ده درهم (حدود دو سیر)

شکر را می‌گرفت و با آب سرد می‌آمیخت و ناشتا میل می‌کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۶

(۱)

۱۳ آداب و سنن آن حضرت در مسواک کردن

اشاره

(۲) ۲۴۱. امام صادق علیه السلام فرمود: مسواک کردن از سنن پیامبران است.

(۳) ۲۴۲. علی علیه السلام فرمود: مسواک کردن موجب خشودی خداوند، و سنت پیامبر، و خوشبوکننده دهان است.

(۴) ۲۴۳. پیامبر صلی الله علیه و آله هر شب سه بار مسواک می‌کرد: یک بار پیش از خواب، یک بار وقتی از خواب برای نماز شب برمی‌خاست، و یک بار پیش از آنکه برای نماز صبح از خانه بیرون رود.

(۵) ۲۴۴. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون نماز عشا را می‌خواند دستور می‌داد آب وضو و مسواکش را آماده کنند و روی آن را پوشانیده نزد سر او بگذارند. آن‌گاه می‌خواستند آنقدر که خدا بخواهد. سپس از خواب برمی‌خاست و مسواک می‌کرد و وضو می‌گرفت و چهار رکعت نماز می‌گزارد، دوباره می‌خواستند و باز از خواب برمی‌خاست و مسواک می‌کرد و وضو می‌گرفت و نماز می‌خواند.

آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمود: در رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما سرمشق خوبی است (شما

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۷

هم به او اقتدا کنید). و در آخر سخن فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هر بار که از خواب برمی‌خاست مسواک می‌کرد.

(۱) ۲۴۵. پیامبر صلی الله علیه و آله برای هر نمازی مسواک می‌کرد.

(۲) ۲۴۶. پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام مسواک کردن مسواک را به عرض دندانها می‌کشید.

(۳) ۲۴۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله با چوب اراک مسواک می‌کرد، و جبرئیل او را چنین دستور داده بود.

(۴)

ملحقات

(۵) ۲۶۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فراوان مسواک می‌کرد.

(۶) ۲۶۳. مسواک کردن در سحر پیش از وضو، از سنت است.

(۷) ۲۶۴. مانند روایت (۲۶۳) است.

(۸) ۲۶۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چوب درخت مبارک زیتون برای مسواک خوب است، دهان را خوشبو می‌کند،

جرم دندان را می‌برد، و آن مسواک من و مسواک پیامبران پیش از من است.

(۹) ۲۶۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که روزی دو بار مسواک کند بر سنت پیامبران علیهم السلام مداومت نموده

است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۸

(۱)

۱۴ آداب و سنن آن حضرت در وضو

اشاره

(۲) ۲۴۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای هر نماز واجب و مستحبی تجدید وضو می کرد.

(۳) ۲۴۹. بریده گوید: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله برای هر نمازی جداگانه وضو می گرفت، اما در سال فتح مکه تمام نمازهای شبانه روز را با یک وضو خواند. عمر گفت: یا رسول الله، کاری کردید که تاکنون نکرده بودید! فرمود: عمدا چنین کردم (تا مردم نپندارند که برای هر نمازی وضوی جداگانه لازم است).

(۴) ۲۵۰. امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام برای هر نمازی وضوی جداگانه می گرفت و این آیه را تلاوت می کرد: «ای مؤمنان، هر گاه برای نماز برخاستید صورتها و دستها را تا آرنج بشوید ... «۱»» و با این روش می خواست به مستحب عمل کند و الا خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نمازهای متعدد را با یک وضو هم می خواندند.

(۵) ۲۵۱. زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: آیا وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله را برایتان

(۱) مائده / ۶.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۹

بیان نکنم؟ گفتیم: چرا. حضرت ظرفی را که مقداری آب در آن بود خواست و آن را جلو خود نهاد، سپس آستین‌های خود را بالا زد، آن گاه دست راست را در آن فرو برد و فرمود: این وقتی است که دست پاک باشد. سپس کف خود را پر از آب کرد و روی پیشانی ریخت و گفت:

«بسم الله»

و آن را به اطراف محاسن خود روان ساخت و یک بار دست خود را بر صورت و پیشانی کشید (تا همه جای صورت را شست). سپس دست چپ را در آب فرو برد و آن را پر کرد و بر آرنج دست راست ریخت و با دست چپ بر ساق دست راست کشید تا آب به سر انگشتان روان شد. سپس دست راست را در آب فرو برد و آن را پر کرد و بر آرنج دست چپ ریخت و دست راست را بر ساق دست چپ کشید تا آب به سر انگشتان روان شد. آن گاه جلو سر و پشت پاها را با تری دست چپ و راست مسح کرد. سپس فرمود: خداوند فرد و یکتاست و عدد فرد را دوست دارد، از این رو سه مشت آب برای وضوی تو کافی است: یک مشت آب برای صورت، و دو مشت هم برای ساقهای دست؛ و با تری دست راست جلو سر و روی پای راست را، و با تری دست چپ روی پای چپ را مسح می کنی.

آن گاه فرمود: مردی از امیر مؤمنان علیه السلام از کیفیت وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید و آن حضرت همین گونه برای او بیان داشت «۱».

(۱) ۲۵۲. ابو هریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام وضو گرفتن اول طرف‌های راست خود را می شست.

(۲) ۲۵۳. ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام از مقدار آب وضو پرسیدم، فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله با یک مدّ (تقریباً ده سیر) آب وضو می گرفت، و با یک صاع (تقریباً سه کیلو گرم) آب غسل می کرد.

(۳) ۲۵۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما خاندانی هستیم که صدقه بر ما حلال نیست،

(۱) روایات اهل بیت علیهم السّلام در این مورد مستفیض بلکه متواتر است. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۰

و دستور داریم که شاداب و پر آب وضو بگیریم، و الاغ را برای جفت گیری بر مادیان نمی کشیم.

(۱) ۲۵۵. امام صادق علیه السّلام فرمود: مضمضه (آب در دهان گرداندن) و استنشاق (آب در بینی کشیدن) از چیزهایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله سنّت نهاده است.

(۲)

ملحقات

(۳) ۲۶۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو چیز است که دوست ندارم کسی در آن با من شرکت کند و در آنها مرا یاری دهد: یکی وضویم که جزء نماز من است. و دیگر صدقه‌ام (که دوست دارم با دست خود بدهم) زیرا صدقه در دست خدای رحمان قرار می گیرد.

(۴) ۲۶۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله شبها آب وضویش را با دست خود آماده می کرد و بالای سر می نهاد.

(۵) ۲۶۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون برای نماز وضو می گرفت سه بار انگشتر خود را در انگشت می گردانید.

(۶) ۲۷۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله در وضو بر ناصیه - یعنی جلو سر که تقریباً یک چهارم تمام مساحت سر است - مسح می کشید.

(۷) ۲۷۱. علی علیه السّلام در سفارش به محمّد بن ابی بکر به هنگام اعزام وی به حکومت مصر فرمود: برای وضو سه بار آب در دهان بگردان، و سه بار آب در بینی بکش، و صورت سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوی، آن گاه [جلو] سر و روی پاهای را مسح کن، زیرا من دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می کرد ...

(۸) ۲۷۲. (نسخه این روایت اختلاف دارد و مراد از آن روشن نیست).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۱

(۱)

۱۵ آداب و سنن آن حضرت در غسل

اشاره

(۲) ۲۵۶. امام صادق علیه السّلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با یک صاع (سه کیلوگرم) آب غسل می کرد، و اگر با یکی از زنان غسل می کرد یک صاع و یک مدّ (سه کیلو و یک چارک) آب مصرف می نمود «۱».

(۳) ۲۵۷. حسن بن محمّد از جابر بن عبد الله در باره غسل رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید، جابر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله سه بار آب بر سر می ریخت. حسن بن محمّد گفت: موی سر من چنان که می بینی بسیار است؛ جابر گفت: ای آزاده، این را مگو، همانا موی سر رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر و خوشبو تر بود.

(۴) ۲۵۸. علی علیه السّلام فرمود: غسل کردن در عیدها موجب پاکیزگی کسی است که در طلب حوائج خود می رود، و نیز پیروی از سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

(۵) ۲۵۹. امام صادق علیه السلام فرمود: غسل جمعه سنتی است که رعایت آن بر هر مرد

(۱) در روایتی دیگر این اضافه را دارد که «هر دو از یک ظرف غسل می کردند». (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۲

و زن، در حضر و سفر لازم است «۱» ... غسل جمعه وسیله پاکیزگی و کفاره گناهان از جمعه تا جمعه دیگر است. و علت تشریح غسل جمعه آن است که انصار در ایام هفته به کار شتران آبکش و سایر حیوانات خود سرگرم بودند و چون روز جمعه فرا می رسید به مسجد می آمدند و مردم از بوی بد زیر بغلهای آنان اذیت می شدند، بدین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد تا روزهای جمعه غسل کنند. این بود که سنت بر آن جاری شد.

(۱) ۲۶۰. امام صادق علیه السلام فرمود: غسل در روز عید فطر سنت است.

(۲) ۲۶۱. علی علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله چون دهه آخر ماه مبارک رمضان فرا می رسید برای عبادت آماده می شد و دامن همت به کمر زده، از خانه بیرون می آمد و در مسجد اعتکاف می نمود و شبها را تا صبح بیدار بود و هر شب بین نماز مغرب و عشا غسل می کرد «۲».

(۳)

ملحقات

(۴) ۲۷۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل مرا دستور داد که در هنگام وضو و غسل جنابت انگشتر خود را در انگشت بگردانم (تا آب به زیر آن رود).

(۵) ۲۷۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل مرا دستور داد که هنگام غسل جنابت، با انگشت خود داخل ناف را بشویم.

(۱) یعنی مستحب مؤکد است.

(۲) به خواست خدا در باب نماز، برخی غسلهای دیگر ذکر خواهد شد. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۳

(۱)

۱۶ آداب و سنن آن حضرت در نماز

اشاره

(۲) ۲۶۲. امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله دو برابر نمازهای واجب شبانه روز نماز مستحبی می خواند. و دو برابر روزه واجب روزه می گرفت.

(۳) ۲۶۳. حنان بن سدید گوید: عمرو بن حرث در مجلسی که من هم نشسته بودم از امام صادق علیه السلام پرسید و گفت: فدایت شوم، مرا از نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر ده. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هشت رکعت نماز نافله ظهر و چهار رکعت نماز واجب ظهر، و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نماز واجب عصر، و سه رکعت نماز واجب مغرب و چهار رکعت

نافله آن، و چهار رکعت نماز عشا «۱»، و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر (دو رکعت به نام شفع و یک رکعت به نام وتر) و دو رکعت نافله صبح و دو رکعت نماز واجب صبح می‌خواند.

گفتم: فدایت شوم، اگر من توانستم بیش از این مقدار نماز بخوانم، آیا خداوند مرا به زیاد خواندن نماز عذاب می‌کند؟ فرمود: نه، ولی تو را به ترک سنت

(۱) نافله عشا که دو رکعت نماز نشسته است ذکر نشده است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۴
عذاب می‌نماید.

(۱) ۲۶۴. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز عتمه (دو رکعت نماز نافله عشا که نشسته می‌خوانند) را می‌خواند سپس می‌خواهید «۱». آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ۱۶ ۱۲۴ آداب و سنن آن حضرت در نماز

(۲) مؤلف: روایات در این باره بیش از حد تواتر است و ما به همین که ذکر شد اکتفا کردیم. و از این روایات استفاده می‌شود که نماز «وتیره» از پنجاه رکعت نماز واجب و مستحبی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواند خارج است و دو رکعت آن یک رکعت حساب می‌شود و به جای نماز «وتر» تشریح شده تا اگر مرگ فرا رسید به جای نماز «وتر» آخر شب به حساب آید. شاهد این مطلب روایتی است که شیخ صدوق رحمه الله از ابو بصیر نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید بدون خواندن نماز وتر نخوابد. ابو بصیر گوید: عرض کردم: مقصود همان دو رکعتی است که بعد از نماز عشا به حال نشسته خوانده می‌شود؟ فرمود: اری، آن دو رکعت به جای یک رکعت حساب می‌شود، و اگر کسی آن را بخواند و در آن شب مرگش فرا رسد مانند کسی است که نماز وتر آخر شب را خوانده باشد، و اگر هم نمرد وتر را در آخر شب می‌خواند. گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این دو رکعت را می‌خواند؟ فرمود: نه، گفتم: چرا؟ فرمود: برای آنکه به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی می‌رسید و می‌دانست که آیا آن شب از دنیا خواهد رفت یا نه؟ و دیگران چنین علمی را ندارند. از همین رو بود که خودش نمی‌خواند و به دیگران دستور می‌داد آن را بخوانند».

البته معنی این که راوی گفت: «آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این دو رکعت را می‌خواند؟» این است که آیا آن حضرت آن را با عمل خود سنت نهاد و بر آن

(۱) ممکن است مقصود از عتمه نماز عشا باشد، زیرا در قدیم نماز مغرب را در مسجد می‌خواندند آن‌گاه به منزل آمده شام می‌خوردند و اندکی استراحت می‌کردند، سپس برای نماز عشا به مسجد می‌رفتند. ولی برخی از آنان پس از شام به خواب عمیق فرو می‌رفتند به طوری که نماز عشاء آنان به دیر وقت می‌کشید.

و در این حدیث می‌فرماید رسول خدا صلی الله علیه و آله تا نماز عشا را نخوانده نمی‌خواهید.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۵
مداومت می‌نمود یا نه؟

(۱) ۲۶۵. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حضر و سفر [سحرگاه] هر شب سیزده رکعت نماز می‌خواند که از آن جمله نماز وتر و دو رکعت نافله صبح بود.

(۲) ۲۶۶. حضرت رضا علیه السلام فرمود: در خروس سفید پنج خصلت از خصلتهای پیامبران وجود دارد، که از جمله آنها شناختن

اوقات نماز است.

(۳) ۲۶۷. زراره گوید: از امام باقر علیه السّلام از وقت نماز ظهر پرسیدم، فرمود: وقتی سایه شاخص یک ذراع از زوال آفتاب گذشت وقت (فضیلت) نماز ظهر است. و وقت (فضیلت) نماز عصر بلند شدن سایه به مقدار دو ذراع از اول ظهر است و آن به اندازه چهار قدم از سایه زوال ظهر است. سپس فرمود: دیوار مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله به بلندی یک قامت بود، وقتی سایه آن به اندازه یک ذراع می شد آن حضرت نماز ظهر را می خواند، و چون به قدر دو ذراع می شد نماز عصر را می خواند. سپس فرمود: آیا می دانی چرا وقت نماز به اندازه یک ذراع و دو ذراع تأخیر افتاد؟ گفتم:

چرا این گونه است؟ فرمود: به خاطر خواندن نافله است. می توانی از اول ظهر به خواندن نافله مشغول شوی تا وقتی که سایه شاخص به یک ذراع برسد. چون سایه به یک ذراع رسید نماز واجب را شروع کرده نافله را ترک می کنی، و چون سایه به قدر دو ذراع رسید نماز واجب عصر را شروع کرده نافله را ترک می کنی.

(۴) ۲۶۸. زراره گوید: از امام باقر علیه السّلام شنیدم می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز تا هنگام ظهر نمازی نمی خواند. چون ظهر می شد و سایه به اندازه نصف انگشت می رسید هشت رکعت (نافله ظهر) می خواند، و چون سایه به قدر یک ذراع می شد به نماز ظهر می پرداخت. آن گاه پس از نماز ظهر دو رکعت (از نافله عصر) می خواند و پیش از رسیدن وقت عصر نیز دو رکعت می خواند، تا آنکه سایه به قدر دو ذراع می شد، آن وقت نماز عصر را به جا می آورد. و وقتی آفتاب غروب می کرد نماز مغرب را می خواند، و بعد از پنهان شدن شفق (سرخی طرف مغرب) وقت نماز عشا

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۶

می رسید و آخر وقت مغرب پنهان شدن شفق است و چون شفق پنهان شد وقت عشا می رسد. و وقت عشا تا ثلث شب امتداد دارد. و بعد از آن نماز دیگری نمی خواند تا شب به نصف می رسید، آن گاه برمی خاست و سیزده رکعت نماز می خواند که نماز «وتر» و دو رکعت «نافله صبح» از آن سیزده رکعت بود. و چون سپیده صبح می دمید و هوا روشن می شد به خواندن نماز صبح مشغول می گردید (۱).

(۱) ۲۶۹. امام صادق علیه السّلام در بیان چگونگی نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: شبها به هنگام خواب ظرف آبی را که روی آن را پوشانده بودند بالای سر آن حضرت و مسواک او را زیر بسترش می نهادند و آن حضرت می خوابید آن قدر که خدا بخواهد. چون از خواب بیدار می شد می نشست و دیده به آسمان می گرداند و آیات آخر سوره آل عمران: ان فی خلق السموات و الارض ... (آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴) را تلاوت می نمود. سپس مسواک می کرد و وضو می گرفت و به محل نماز می رفت و چهار رکعت [از نماز شب] می خواند، و رکوع هر رکعتش به قدر حمد و سوره ای بود که می خواند، و سجودش به قدر رکوع آن طول می کشید به حدی که می گفتند:

کی سر از رکوع برمی دارد و به سجده می رود؟! و آن قدر در سجده می ماند که می گفتند: کی سر از سجده برمی دارد؟! آن گاه به بستر خود باز می گشت و دوباره می خوابید آن قدر که خدا بخواهد، سپس بیدار می شد و می نشست و دیده به آسمان می گرداند و آیات آخر آل عمران را تلاوت می نمود. آن گاه مسواک می کرد و وضو می گرفت و به محل نماز می رفت و به خواندن چهار رکعت دیگر از نماز شب می پرداخت به همان نحو که قبلا خوانده بود. باز به بستر می رفت و مقداری که خدا بخواهد می خوابید سپس بیدار می شد و دیده به آسمان می گرداند و همان آیات را

(۱) راجع به وقت نماز شب روایات دیگری نیز روایت کرده اند، همچنین راجع به وقت نافله ظهر و ناگفته نماند که این حدیث تمام رکعات نافله عصر را متذکر نشده است، و ظاهرا جمله «پیش از رسیدن وقت عصر نیز دو رکعت می خواند» در صدد بیان جمله قبل

است (نه بیان کامل نافله عصر). (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۷

تلاوت می نمود و باز مسواک کرده، وضو می گرفت و (دو رکعت شفع و یک رکعت) وتر را می خواند و بعد از آن دو رکعت نافله صبح را می گزارد و برای نماز صبح به مسجد می رفت (۱).

(۱) ۲۷۰. و نیز روایت شده که آن حضرت نافله صبح را در اول سپیده دم به طور اختصار می خواند، سپس برای ادای نماز صبح از منزل خارج می شد.

(۲) ۲۷۱. شیخ طوسی گوید: نماز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله دو رکعت است، در هر رکعت پس از «حمد» ایستاده پانزده مرتبه سوره انا انزلناه را می خوانی، پانزده مرتبه دیگر در رکوع، پانزده مرتبه پس از آنکه از رکوع سر برداشتی، پانزده مرتبه در سجده اول، پانزده مرتبه پس از سر برداشتن از سجده، پانزده مرتبه در سجده دوم و پانزده مرتبه دیگر پس از آنکه سر از سجده دوم برداشتی. و به همین کیفیت رکعت دوم را می خوانی. چون سلام نماز دادی و آنچه دلت خواست تعقیب خواندی و از نماز بازگشتی، هیچ گناهی بین تو و خدای عز و جل نماند جز آنکه خداوند آن را بر تو خواهد بخشید.

(۳) ۲۷۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چون ماه رمضان فرا می رسد به نماز خود می افزود، من نیز به آن می افزایم، شما هم بیفزایید.

(۴) ۲۷۳. محمد بن یحیی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که از آن جناب سؤال شد: آیا در ماه مبارک رمضان می توان به نمازهای نافله افزود؟ فرمود: آری، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله [شبهای ماه رمضان] پس از خواندن نماز «وتیره» در مصلائی خود مشغول خواندن نوافل [ماه رمضان] می شد و فراوان نماز می خواند، تا اینکه مردم کم کم پشت سر آن حضرت جمع می شدند و می خواستند با آن حضرت نوافل را به طور جماعت بخوانند، اما پس از جمع شدن مردم، حضرت آنان را رها کرده و به منزل می رفت. چون آنان متفرق می شدند، دوباره به مصلائی خود باز می گشت و

(۱) به زودی تفصیل عمل آن حضرت در نماز وتر خواهد آمد. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۸

مانند گذشته مشغول خواندن نوافل می شد. باز چون مردم پشت سر آن حضرت جمع می شدند [و می خواستند با آن حضرت به جماعت نماز بخوانند] حضرت آنان را ترک می کرد و به منزل تشریف می برد. این کار مکرر از آن حضرت سر می زد.

(۱) ۲۷۴. گروهی از اصحاب ائمه علیهم السلام گویند: ما از امام صادق و حضرت رضا علیه السلام از نماز [رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله] در ماه رمضان پرسیدیم که چگونه بود و آن حضرت چگونه عمل می کرد؟ سپس همگی بالاتفاق حدیث نامبرده را چنین روایت کرده اند: چون شب اول ماه رمضان فرا رسید، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله نماز مغرب و چهار رکعت نافله بعد از آن را که هر شب می خواند گزارد، سپس هشت رکعت دیگر بر آن افزود. و چون از نماز عشا فارغ شد، دو رکعت نماز نشسته نافله آن را خواند، و بعد از آن به پای ایستاد و دوازده رکعت دیگر نماز نافله به جا آورد، سپس داخل خانه شد. چون مردم دیدند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله با فرا رسیدن ماه رمضان بر نمازهایش افزود، از علت آن جویا شدند، فرمود: این نمازهایی که خواندم به خاطر فضیلت ماه رمضان بر ماههای دیگر است.

چون شب بعد فرا رسید و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله خواست نماز نافله بخواند مردم پشت سر آن حضرت صف کشیدند تا اقامه جماعت کنند، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله به سوی آنان برگشت و فرمود: ای مردم، این نماز نافله است و نماز نافله با جماعت خوانده نمی شود، هر یک از شما به تنهایی نماز بخواند و آنچه را خدا در کتابش به او آموخته بگوید. بدانید که در

نمازهای نافله جماعت نیست. پس مردم همگی متفرق شدند و هر یک به تنهایی نماز خود را خواند.

چون شب نوزدهم ماه رمضان فرا رسید، موقع غروب آفتاب غسل کرد و نماز مغرب را خواند، سپس چهار رکعتی که همیشه بعد از نماز مغرب می‌خواند گزارد، بعد وارد منزل شد. چون بلال اذان نماز عشا را گفت و مردم برای نماز آماده شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله تشریف آورد و نماز عشا را با مردم به جماعت خواند. و پس

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۹

از آن دو رکعت نافله عشا را مانند شب‌های دیگر نشسته انجام داد، سپس ایستاد و صد رکعت نماز [نافله مخصوص شب قدر را] به جا آورد، و در هر رکعت از آن پس از «حمد» ده مرتبه سوره قل هو الله احد را قرائت فرمود. پس از آنکه از صد رکعت نماز فارغ شد، به خواندن نماز شب و وتر که در سایر شب‌ها می‌خواند مشغول گردید.

چون شب بیستم ماه رمضان فرا رسید، مانند شب‌های قبل آن ماه، پس از نماز مغرب هشت رکعت، و بعد از نماز عشاء دوازده رکعت نافله مخصوص ماه مبارک رمضان را خواند.

در شب بیست و یکم هنگام غروب آفتاب غسل کرد و عمل شب نوزدهم را انجام داد.

در شب بیست و دوم به نمازهای خود افزود، هشت رکعت پس از نماز مغرب و بیست و دو رکعت بعد از نماز عشاء نافله مخصوص به جا آورد.

چون شب بیست و سوم فرا رسید باز هم مانند شب نوزدهم و بیست و یکم غسل کرد و مانند عمل آن دو شب را انجام داد.

سپس از حضرت راجع به نوافل یومیه (پنج‌جاه رکعتی) پرسیدند که در ماه رمضان چگونه خوانده شود. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نمازهای شبهای ماه رمضان را به اضافه نوافل پنج‌جاه رکعتی که در غیر ماه رمضان می‌خواند به جا می‌آورد و ابتدا از آن پنج‌جاه رکعت چیزی کم نمی‌نمود.

مؤلف: کیفیت انجام نوافل شب‌های دیگر، از شب بیست و چهارم تا آخر ماه، مانند شب بیست و دوم می‌باشد، چنان که اخبار دیگر بر آن دلالت دارد.

(۱) ۲۷۵. حضرت رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز اول محرم دو رکعت نماز می‌خواند.

(۲) ۲۷۶. یزید بن خلیفه گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: عمر بن حنظله

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۰

در باره وقت نمازها از شما برای ما مطالبی نقل کرده. حضرت فرمود: او بر ما دروغ نمی‌بندد ... عرض کردم: عمر بن حنظله گوید: وقت نماز مغرب هنگامی است که قرص آفتاب پنهان شود، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسافرت گاهی که با شتاب راه می‌پیمود نماز مغرب را تأخیر می‌انداخت و آن را با نماز عشا می‌خواند. امام فرمود: عمر بن حنظله درست گفته است.

(۱) ۲۷۷. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب‌های بارانی نماز مغرب را تأخیر می‌انداخت و در خواندن نماز عشاء عجله می‌فرمود و آن دو را با هم یک جا می‌خواند و می‌فرمود: هر که به دیگران رحم نکند به او رحم نخواهد شد.

(۲) ۲۷۸. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که در سفر بود و یا کار فوری داشت، نماز ظهر و عصر را با هم می‌خواند، و همچنین بین نماز مغرب و عشاء فاصله نمی‌انداخت.

(۳) ۲۷۹. امام صادق علیه السلام فرمود: در روزهای بسیار گرم چون مؤذن برای گفتن اذان نماز ظهر اجازه می‌خواست رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود:

ابرد، ابرد

«بگذار هوا خنک شود، بگذار هوا خنک شود».

(۴) مؤلف: شیخ صدوق گوید:

«ابرد، ابرد»

یعنی شتاب کن، شتاب کن. و آن را از کلمه «برید» یعنی نامه‌رسان گرفته است که به سرعت راه می‌پوید. ولی ظاهراً مراد از آن تأخیر انداختن اذان است تا هوا خنک شود و شدت گرما بکاهد، چنان که روایتی که در کتاب علاء از محمد بن مسلم نقل شده این معنی را تأیید می‌کند. محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السّلام در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که من داشتم نماز می‌خواندم مرا دید. بعداً روزی به من فرمود هیچ وقت نماز واجب را در آن وقت نخوان. آیا نماز را در آن شدت گرما می‌خوانی؟ عرض کردم: نماز نافله بود.

(۵) ۲۸۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه در نماز، کسی به خدمتش می‌آمد و در کنارش می‌نشست، به خاطر او نماز را کوتاه می‌کرد و متوجه او می‌شد و می‌فرمود: آیا

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۱

حاجتی داری؟ پس از آنکه حاجات او را برمی‌آورد، مجدداً به نماز می‌پرداخت.

(۱) ۲۸۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به نماز می‌ایستاد، از ترس خدا رنگش می‌پرید و صدایی سوزناک مانند صدای جوشش دیگ از سینه یا درونش به گوش می‌رسید.

(۲) ۲۸۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی به نماز می‌پرداخت مانند جامه‌ای بود که روی زمین افتاده باشد.

(۳) ۲۸۳. عایشه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما سخن می‌گفت و ما با او سخن می‌گفتیم، همین که وقت نماز می‌رسید او را حالتی دست می‌داد که گویی نه او ما را می‌شناسد و نه ما او را می‌شناسیم.

(۴) ۲۸۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز، گاهی [اندکی] به طرف راست و چپ خود نظر می‌افکند ولی به عقب گردن نمی‌کشید و روی خود را بر نمی‌گرداند.

(۵) ۲۸۵. علی علیه السّلام چون محمّد بن ابی بکر را والی مصر قرار داد، ضمن دستور العملی که برای او نوشت، فرمود: سپس مواظب رکوع و سجودت باش، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه مردم نمازش کامل‌تر و در عین حال از همه سبک‌تر بود.

(۶) ۲۸۶. امام صادق علیه السّلام ضمن حدیثی فرمود: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت میل می‌کرد، بدون آنکه دست‌های خود را بشوید به نماز مشغول می‌شد، ولی چون شیر میل می‌فرمود، پیش از آنکه دست خود را بشوید و آب در دهان بگرداند نماز نمی‌خواند.

(۷) ۲۸۷. ابن سنان گوید: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: ما مؤذنی داریم که صبح نشده اذان می‌گوید. فرمود: اگر چه صبح نشده اذان گفتن به نفع همسایگان است، زیرا برای نماز شب (یا آمادگی برای نماز صبح) بیدار می‌شوند، و لیکن سنت این است که هنگام طلوع فجر اذان گفته شود و میان اذان و اقامه، تنها همان دو رکعت نافله فجر فاصله شود.

(۸) ۲۸۸. امام صادق علیه السّلام ضمن حدیثی فرمود: چون وقت نماز داخل می‌شد،

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله به بلال می‌فرمود: بالای دیوار برو و با صدای بلند اذان بگو.

(۱) ۲۸۹. امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی برای نماز از خانه بیرون آمد در حالی که حسین علیه

السَّلام را به دوش خود گرفته و به مسجد آورد و در کنار خود ایستاد و مردم نیز پشت سر آن حضرت برای نماز جماعت صف کشیدند- و حسین علیه السَّلام دیر به سخن آمده بود به طوری که می‌ترسیدند زبان باز نکند- چون رسول خدا صلی الله علیه و آله تکبیر نماز گفت حسین علیه السَّلام با آن حضرت تکبیر گفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی تکبیر فرزندش را شنید دوباره تکبیر گفت. حسین علیه السَّلام نیز تکبیر گفت، تا آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله هفت بار تکبیر گفت و حسین علیه السَّلام نیز تکبیر گفت. به این سبب هفت بار تکبیر گفتن در آغاز نماز سَنَّت گردید «۱».

(۲) ۲۹۰. علی علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله موقع گفتن تکبیره الا-حرام و همچنین هنگام گفتن تکبیر برای رکوع و نیز هنگامی که سر از رکوع برمی‌داشت، دست‌ها را تا برابر گوشها بلند می‌کرد.

(۳) ۲۹۱. امام باقر علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

را آشکار می‌کرد و صدایش را به آن بلند می‌نمود.

(۴) ۲۹۲. امام صادق علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی با مردم نماز می‌خواند

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

را آشکار می‌کرد.

(۵) ۲۹۳. علی علیه السَّلام فرمود: هر گاه به رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز حالت «خمیازه» دست می‌داد، دست راستش را جلو دهان می‌گرفت.

(۶) ۲۹۴. علی علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گاهی در حال نماز دست خود را به محاسن شریف می‌کشید؛ به آن حضرت عرض کردیم: یا رسول الله، شما را می‌بینیم که گاهی در نماز به محاسن خود دست می‌کشید؟! فرمود: این وقتی است که غم زیاد می‌شود و دلم می‌گیرد.

(۱) در بعضی روایات لفظ «حسن» نقل شده ولی «حسین» معروف‌تر است. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۳

(۱) ۲۹۵. ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز قبل از اشتغال به قرائت

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم»

می‌گفت.

(۲) ۲۹۶. شیخ صدوق رحمه الله گوید: نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه مردم کامل‌تر و مختصرتر بود، وقتی داخل نماز می‌شد پس از گفتن

«الله أكبر»

بلافاصله می‌گفت:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«۱».

(۳) ۲۹۷. امام باقر علیه السَّلام فرمود: دو نفر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در کیفیت قرائت نماز آن حضرت اختلاف کردند، برای روشن شدن آن به ابی بن کعب نامه نوشتند که رسول خدا صلی الله علیه و آله چند بار در نماز مکث می‌کرد؟ او پاسخ داد:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در حال قرائت دو جا مکث می‌کرد: یکی پس از فراغت از فاتحة الكتاب، و دیگری پس از پایان یافتن سوره.

(۴) مؤلف: صدوق این حدیث را به طور مفصل روایت کرده و در آن آمده که مکث اول پس از تکبیرة الاحرام، و مکث دوم پس از فراغ از قرائت و قبل از رفتن به رکوع بوده است.

(۵) ۲۹۸. سمره و ابی بن کعب روایت کرده‌اند که مکث اول رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله پس از تکبیرة الاحرام و دومی بعد از پایان یافتن سوره حمد بوده است.

(۶) ۲۹۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در نماز «صبح» سوره‌هایی مانند «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» و «هل اتيك حديث الغاشية» [و «هل اتي على الانسان»] و «لا اقسام بيوم القيامة» و مانند آن را می‌خواند. و در نماز «ظهر» مانند سوره‌های «سَبَّح اسم رَبِّكَ» و «و الشمس و ضحيتها» و «هل اتيك حديث الغاشية» و مانند آن را قرائت می‌کرد. و در نماز «مغرب» سوره‌های کوتاهتری چون «قل هو الله احد» و «اذا جاء نصر الله و الفتح» و «اذا زلزلت» را می‌خواند. و در نماز «عشاء» آنچه در نماز «ظهر» و

(۱) از این روایت معلوم می‌شود که آن حضرت در هنگام عجله و گاه برای رعایت حال عموم، أَعُوذُ بِاللَّهِ نَمِي كُفْتُ.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۴

در نماز «عصر» آنچه در نماز «مغرب» می‌خواند، قرائت می‌فرمود.

(۱) ۳۰۰. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در رکعت آخر نماز شب سوره «هل اتي على الانسان» را قرائت می‌کرد.

(۲) ۳۰۱. روایت شده که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در سه رکعت آخر نماز شب (شفع و وتر) نه سوره را می‌خواند: در رکعت اول سوره «الهيكم التكاثر» و «انا انزلناه» و «اذا زلزلت»، و در رکعت دوم: «الحمد» (۱) و «و العصر» و «اذا جاء نصر الله»، و در یک رکعت وتر «قل يا ايها الكافرون» و «تبت» و «قل هو الله احد».

(۳) ۳۰۲. امام صادق علیه السلام فرمود: قنوت در تمام نمازها، در رکعت دوم پیش از رفتن به رکوع و پس از قرائت، سنّت لازمی است.

(۴) ۳۰۳. براء بن عازب گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هیچ نماز واجبی را بدون «قنوت» انجام نمی‌داد.

(۵) ۳۰۴. هفتاد و چند تن از شیعیان از امام حسن عسکری علیه السلام - در یک حدیث طولانی - روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: خدای عز و جلّ به جدّم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وحی کرد که تو و علی و حجت‌های دیگرم از نسل علی را تا روز قیامت به ده خصلت مخصوص کردم، که از جمله آنهاست: قنوت خواندن در رکعت دوم از هر نماز.

(۶) ۳۰۵. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله برای رکوع به قدری خم می‌شد که اگر مقداری آب بر پشت او ریخته می‌شد ثابت می‌ماند و از هیچ طرف فرو نمی‌ریخت.

(۷) ۳۰۶. هشام بن حکم گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: به چه علت در رکوع «سبحان ربّي العظيم و بحمده» و در سجده «سبحان ربّي الاعلی و بحمده» گفته می‌شود؟ فرمود: ای هشام، هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله را به معراج بردند و در آنجا نماز گزارد و متذکر عظمت و بزرگی حق تعالی - که در آن شب دیده بود - شد، بدنش

(۱) «انا اعطيناك الكوثر» درست است چنان که در روایت دیگر آمده است. (محمد هادی فقهی)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۵

به لرزه افتاد و بی اختیار به حالت رکوع در آمد و در آن حال گفت:

«سبحان ربی العظیم و بحمده»

. و چون از رکوع برخاست، به سوی حق تعالی در مقام و جایگاهی بالاتر از حالت قبلی متوجه شد [از ترس و عظمت حق] به سجده افتاد و گفت:

«سبحان ربی الاعلی و بحمده»

. چون این ذکر را هفت بار تکرار کرد حالت خوف و ترس از او زایل شد. به این جهت «سنت» بر آن قرار گرفت.

(۱) ۳۰۷. عبایه گوید: امیر المؤمنین علیه السّلام به محمّد بن ابی بکر نوشت: مراقب رکوع و سجودت باش، زیرا رسول خدا صلّی الله علیه و آله که نمازش را کامل تر از همه انجام می داد و بهتر از دیگران مراعات می کرد، چون به رکوع می رفت سه بار می گفت:

«سبحان ربی العظیم و بحمده»

... و چون به سجده می رفت، می گفت:

«سبحان ربی الاعلی و بحمده»

. (۲) ۳۰۸. علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله چون به سجده می رفت، دو زانوی خود را قبل از دست‌ها به طرف زمین پیش می برد.

(۳) مؤلف: در اخبار زیادی از اهل بیت علیهم السّلام ذکر شده که مستحب است هنگام سجده رفتن دست‌ها را پیش از زانوها بر زمین بگذارند. و شاید مراد از «استقبال» زانوها به طرف زمین، در این حدیث، پیش بردن آن در موقع خم شدن باشد نه آن که آنها را قبل از دستها بر زمین گذارد (به این صورت که رسول خدا چون می خواست به سجده برود، اول با زانو به طرف زمین خم می شد ولی دست‌های خود را پیش از زانوان بر زمین می نهاد).

(۴) ۳۰۹. علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله موقع سجده کردن بر کف‌های دست خود تکیه می کرد و بازوهای خود را باز نگه می داشت به طوری که زیر بغل‌هایش از پشت سر دیده می شد.

(۵) ۳۱۰. روایت شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله بر «خمیره» - یعنی حصیر کوچکی که از برگ درخت خرما بافته می شود - سجده می کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۶

(۱) ۳۱۱. امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله به محل سجده خود آب می پاشید.

(۲) ۳۱۲. امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله عصای نوک تیزی داشت که بر آن تکیه می کرد و روزهای عید آن را به دست می گرفت و موقع نماز خواندن آن را جلوی خود می نهاد (یعنی به زمین فرو می کرد تا حریم نمازش باشد).

(۳) ۳۱۳. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله وقتی نماز می خواند چوبدستی مخصوص خود را جلو سجاده اش می نهاد.

(۴) ۳۱۴. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله در نماز عید فطر و عید قربان و نماز استسقا (طلب باران) در رکعت اول هفت تکبیر (تکبیره الاحرام به اضافه پنج تکبیر برای قنوت‌ها، و تکبیر هفتم برای رفتن به رکوع) و در، رکعت دوم پنج تکبیر (چهار تکبیر برای چهار قنوت و یکی هم برای رفتن به رکوع) می گفت.

(۵) ۳۱۵. علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله در نماز عید فطر و قربان، سوره «سَبَّح اسم ربّک الاعلی» و «هل اتیک حدیث الغاشیه» را قرائت می کرد.

(۶) ۳۱۶. امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله اول برای استسقا و طلب باران دو رکعت نماز می خواند، و

سپس همان طور که نشسته بود دعا می‌کرد و از خداوند طلب باران می‌نمود. و نیز فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله اول نماز استسقا را تمام می‌کرد و بعد از آن خطبه می‌خواند، و در نماز هم قرائت را بلند می‌خواند.

(۷) ۳۱۷. امام باقر علیه السَّلام فرمود: از سنّت است که اهل هر شهری برای نماز عید فطر و قربان به سوی صحرا بیرون روند، مگر اهل مکه که آنان در مسجد الحرام نماز عید می‌خوانند.

(۸) ۳۱۸. علی علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هنگامی که برای نماز از شهر خارج می‌شد و به مصلی می‌رفت، در رفتن از طریق «شجره» می‌رفت و در مراجعت از طریق «معزّس» بازمی‌گشت. به طور کلی آن حضرت در رفتن به سوی مصلی راه درازتر، و در هنگام مراجعت راه کوتاه‌تر را اختیار می‌فرمود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۷

(۱) ۳۱۹. امیر المؤمنین علیه السَّلام فرمود: سنّت آن است که جز در صحراها نماز باران نخوانند، یعنی در آنجا که مردم بتوانند به آسمان نظر کنند. و هیچ جا نباید در مساجد نماز باران بخوانند و طلب باران کنند جز در مکه معظمه (که در مسجد الحرام نماز استسقا می‌خوانند و طلب باران می‌نمایند).

(۲) ۳۲۰. نعمان گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله صف‌های نماز ما را چنان مرتب و منظم می‌کرد که گویی چوب‌های تیر را جفت و جور می‌کند و فکر می‌کرد که ما از این کار او غافلیم. روزی به مسجد آمد و به نماز ایستاد، چون خواست تکبیرة الاحرام بگوید متوجه شد که مردی سینه‌اش جلوتر از سایرین است، فرمود: بندگان خدا، صفوف خود را منظم کنید و گر نه میان دل‌هایتان اختلاف خواهد افتاد.

(۳) ۳۲۱. ابن مسعود گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هنگام نماز دست بر شانه‌های ما می‌گذاشت و می‌فرمود: منظم بایستید و کج و راست نایستید، که دل‌هایتان نیز کج و راست خواهد شد.

(۴)

ملحقات

(۵) ۲۷۵. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله با اشتیاق تمام انتظار وقت نماز را می‌کشید و چشم به راه داخل شدن وقت بود و [چون وقت نماز می‌رسید] به مؤذّنش می‌فرمود: ای بلال [با اذان گفتن] راحت‌مان کن.

(۶) ۲۷۶. امیر المؤمنین علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله هیچ چیز را - از شام و غیر آن - بر نماز مقدم نمی‌داشت، و چون وقت نماز فرا می‌رسید گویا هیچ یک از خانواده و دوست و رفیق خود را نمی‌شناخت.

(۷) ۲۷۷. امام صادق علیه السَّلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چون خورشید غروب می‌کرد هیچ کاری را بر نماز مغرب مقدم نمی‌داشت و در اول وقت، نماز مغربش را

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۸

می‌خواند.

(۱) ۲۷۸. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله می‌فرمود: نور چشم من در نماز و روزه قرار داده شده (یعنی آن دو را از هر چیز دوست‌تر می‌دارم).

(۲) ۲۷۹. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله به ابو ذر فرمود: ای ابا ذر، خدای متعال روشنی چشم مرا در نماز قرار داده و آن را محبوب من گردانیده چنان که طعام را برای گرسنه و آب را برای تشنه محبوب ساخته است. آدم گرسنه با خوردن غذا سیر می‌شود، و تشنه با نوشیدن آب سیراب می‌گردد، ولی من از خواندن نماز سیر نمی‌شوم.

(۳) (۲۸۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال نماز قلبش چون دیگ جوشان، از خوف خدای متعال می جوشید.

(۴) (۲۸۱) گفته‌اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام نماز خواندن دیدگانش را به سوی آسمان برمی داشت، و چون آیه شریفه: الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ «۱» نازل شد، سرش را پایین آورد و به سوی زمین نظر افکند.

(۵) (۲۸۲) شیخ صدوق رحمه الله گوید: در شش نماز «توجه» (خواندن دعای

وَجْهت وجهی للذی فطر السموات و الارض ...

«۲» بعد از تکبیره الاحرام) از سنت است:

رکعت اول نماز شب، یک رکعت نماز وتر، رکعت اول از نافله ظهر، رکعت اول نماز احرام، رکعت اول نافله مغرب، رکعت اول از هر نماز واجب.

(۶) (۲۸۳) در ضمن پاسخهایی که از ناحیه مقدسه به مسائل محمد بن عبد الله حمیری داده شده، چنین آمده: هیچ یک از دعاهای مذکوره در «توجه» واجب نیست، لیکن سنت مؤکد در آن، که مانند اجماع همگی بر آن اتفاق دارند آن است که [پس از تکبیره الاحرام] چنین بگویی:

وَجْهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا مسلما- علی مله ابراهیم و دین محمد و هدی علی امیر المؤمنین- و

(۱) مؤمنون / ۲.

(۲) این دعا در حدیث بعد ذکر شده است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۹

ما أنا من المشركين. انّ صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین، لا شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین. اللهم اجعلنی من المسلمین، أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم.

«روی خود را به سوی خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده، برگرداندم در حالتی که- بر طبق ملت ابراهیم و دین محمّد و هدایت امیر مؤمنان علی- یکتا پرست و مسلمانم و هرگز از مشرکان نیستم. همانا نماز و قربانی و زندگی و مرگم تنها برای خدا و در اختیار پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد، و به همین اعتقاد مأمورم و از مسلمانانم.

خدایا، مرا از مسلمانان قرار ده. به خدای شنوا و دانا از شر شیطان رانده شده پناه می برم ...» سپس شروع به خواندن سوره حمد کن.

(۱) (۲۸۴) ابو الحسن بن راشد گوید: از امام رضا علیه السلام راجع به «تکبیرات افتتاحیه» سؤال کردم، فرمود: هفت تکبیر است. عرض کردم: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که در افتتاح نماز یک تکبیر بیشتر نمی گفته است. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله یک تکبیر را بلند و شش تکبیر دیگر را آهسته می گفت.

(۲) (۲۸۵) سید بن طاوس گوید: نماز گزار پس از تمام شدن سلام نماز، سه بار تکبیر بگوید، و در هر بار دستها را تا مقابل نرمة گوش بلند نماید، زیرا آن سنت مؤکدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به شکرانه بعضی بشارتهایی که به او رسید، آن را سنت قرار داد.

(۳) (۲۸۶) امام صادق علیه السلام می فرمود: از سنت است که در نماز صبح و مغرب و عشا، بین اذان و اقامه بنشیند و نافله نخواند. و از سنت است که در نماز ظهر و عصر بین اذان و اقامه دو رکعت نافله بخواند.

(۴) (۲۸۷) امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: سنت بر آن جاری شده که زنان در نماز جماعت، پس از مردان سر از سجده بردارند.

(۵) (۲۸۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله چون رکوع می کرد، سرش را نه پایین می انداخت و نه

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۰

طوری بلند می‌کرد که از بدنش بالاتر باشد، بلکه حد وسط را رعایت می‌فرمود.

(۱) (۲۸۹) امام باقر علیه السّلام در ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون در نماز می‌شنید که طفلی گریه می‌کند، نمازش را تخفیف می‌داد تا مادرش (که در جماعت به حضرت اقتدا کرده) به او رسیدگی کند.

(۲) (۲۹۰) امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گاهی (ظاهراً در اوقات سفر بوده) خورجین (و یا پالان شتر) خود را که طولش یک ذراع بود (عوض چوبدستی که در روایات دیگر ذکر شده) جلوی خود قرار می‌داد و نماز می‌خواند تا حایلی میان او و عابرین باشد.

(۳) (۲۹۱) ابان بن تغلب گوید: به امام صادق علیه السّلام عرضه داشتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله در چه ساعتی نماز «وتر» می‌خواند؟ حضرت اظهار داشت به اندازه فاصله‌ای که میان غروب خورشید و وقت نماز مغرب هست (یعنی قبل از طلوع فجر به طوری که تمام شدن نماز «وتر» با طلوع فجر متصل باشد).

(۴) (۲۹۲) امام صادق علیه السّلام ضمن حدیثی فرمود: سنت بر آن جاری شده که آدمی روز عید فطر، قبل از رفتن به مصلی، برای خواندن نماز عید افطار کند. ولی در عید قربان بعد از رفتن به مصلی، [و خواندن نماز] چیز بخورد.

(۵) (۲۹۳) امام صادق علیه السّلام فرمود: در روز عید فطر برای پدرم حصیر کوچکی آوردند که زیر پا بیندازد، پدرم آن را رد کرد و فرمود: این روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست داشت در فضای باز باشد تا به آفاق آسمان بنگرد و جبهه شریفش را روی زمین بنهد.

(۶) (۲۹۴) امام صادق علیه السّلام فرمود: در روز عید فطر یا قربان به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: کاش در مسجد خودتان نماز عید می‌خواندید! پاسخ داد: دوست دارم به فضای باز بروم تا آفاق آسمان را نظاره کنم.

(۷) (۲۹۵) روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در عید فطر و قربان - هر اندازه هوا

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۱

سرد و یا گرم بود - برد می‌پوشید و عمامه به سر می‌نهاد.

(۱) (۲۹۶) روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله روز عید فطر و قربان چون برای نماز عید خارج می‌شد، صدایش را به تکبیر بلند می‌کرد.

(۲) (۲۹۷) امام صادق علیه السّلام فرمود: تنها در مدینه نه در غیر آن، قبل از رفتن به مصلی برای انجام نماز عید فطر و قربان، خواندن دو رکعت نافله در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله از سنت است، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را انجام داده است.

(۳) (۲۹۸) در حدیثی چنین ذکر شده: چون عید فرا رسید، مأمون از حضرت رضا علیه السّلام خواست تا سوار شده برای ادای نماز عید و خطبه خواندن به مصلی برود ...

چون مأمون اصرار زیاد کرد، حضرت اظهار داشت: یا امیر المؤمنین، اگر مرا از این کار معاف داری بیشتر دوست دارم، و اگر معاف نداری من به همان وضع و هیئت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام به نماز عید می‌رفتند می‌روم ...

صبح روز عید چون آفتاب طلوع کرد، حضرت رضا علیه السّلام غسل کرد و عمامه سفیدی که پارچه‌اش از پنبه بود به سر بست و یک طرف آن را به روی سینه و طرف دیگر را به پشت سر انداخت و آستین‌ها را بالا زد و به تمام غلامان و خدمتگزاران خود نیز فرمود که شما هم مثل من عمل کنید. سپس عصای نوک تیزی را به دست گرفت و پای برهنه، در حالی که لباسهایش را بالا زده و

ساق پایش نمایان بود و ما هم در خدمت او بودیم، آماده بیرون رفتن شد. پس چون ایستاد و ما هم در برابر او به راه افتادیم، سر به سوی آسمان برداشت و چهار بار تکبیر گفت... امام علیه السلام با همان جلال و عظمت بر مردم نمایان شد، بر در خانه ایستاد و سه بار با صدای بلند فرمود:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا»
و ما نیز با او همصدا شدیم... حضرت در هر ده قدم یک بار توقف می کرد و چهار تکبیر را (با صدای بلند) می گفت...
(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی برای نماز عید از راهی می رفت، هنگام برگشتن
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۲
از راه دیگر بازمی گشت.

(۱) (۳۰۰) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز عید فطر و قربان فقط یک تکبیر می گفت: حسین علیه السلام دیر به سخن آمده بود. روزی مادرش (فاطمه) علیها السلام لباس به تنش کرد و همراه جدش فرستاد. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله تکبیر گفت حسین علیه السلام هم با آن حضرت تا هفت بار موافقت کرد و تکبیر گفت. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله برای رکعت دوم بلند شد و تکبیر گفت، و حسین علیه السلام نیز تا پنج مرتبه موافقت کرد و تکبیر گفت.
پس رسول خدا صلی الله علیه و آله این عمل را سنت قرار داد و این سنت تا به امروز ثابت و برقرار است.
(۲) (۳۰۱) علی علیه السلام فرمود: در نماز استسقا سنت چنان است که امام برخیزد و دو رکعت نماز بخواند، سپس دستها را بگشاید و دعا کند (و از خداوند طلب باران نماید).

(۳) (۳۰۲) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون برای استسقا و طلب باران به بیابان می رفت، به سوی آسمان نظر می کرد و عبای مبارکش را پشت و رو می پوشید.
راوی گوید: به حضرت عرض کردم: معنی این کار چیست؟ فرمود: این نشانه‌ای بین آن حضرت و اصحابش بود که (وقت استجابت دعا رسیده و) خشکسالی به فراوانی نعمت تبدیل خواهد شد «۱».
(۴) (۳۰۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعای استسقا سه بار می گفت:
اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَ بَهَائِمَكَ، وَ انْشُرْ رَحْمَتَكَ، وَ احْيِ بِلَادَكَ الْمَيْتَةَ.
«خدایا، بندگان و حیوانات را سیراب کن، و رحمت را بر آنان منتشر ساز، و سرزمین‌های مرده‌ات را زنده کن».

(۵) (۳۰۴) علی علیه السلام فرمود: بارانی که روزی حیوانات از آن به وجود می آید از زیر عرش نازل می شود، و از این جهت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام بارندگی، زیر

(۱) یا آنکه این عملی است که حالت انکسار و شکستگی را نشان می دهد و رحمت حق را به جوش می آورد و موجب می شود تا خشکسالی را به فراوانی نعمت تبدیل سازد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۳

قطرات اولیه باران می ایستاد تا آنکه سر و محاسن شریفش از آب باران تر می شد...

(۱) (۳۰۵) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به باران نظر می کرد، می گفت:
اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ صَبَاً نَافِعاً

«خدایا، این بارندگی را فراوان و سودمند قرار ده».

(۲) (۳۰۶) امام باقر علیه السلام فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نماز جمعه بیرون می رفت بالای منبر می نشست تا

آنکه مؤذّن‌ها از گفتن اذان فارغ شوند.

(۳) (۳۰۷) علی علیه السّلام فرمود: از سنّت است که چون امام جمعه بالای منبر رفت هنگامی که روی به جمعیت کرد بر آنان سلام کند.

(۴) (۳۰۸) حضرت سجاد علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّى الله عليه و آله (در نماز جمعه) دو خطبه می‌خواند. پس از خطبه اول روی منبر می‌نشست، سپس بلند می‌شد و خطبه دوم را می‌خواند.

(۵) (۳۰۹) امام باقر علیه السّلام فرمود: در نماز جمعه حمد و سوره را بلند بخوانید، زیرا که آن سنّت است.

(۶) (۳۱۰) امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّى الله عليه و آله هنگامی که آفتاب از وسط آسمان رد می‌شد نماز جمعه را می‌خواند.

(۷) (۳۱۱) امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السّلام فرمود: قنوت خواندن در نماز جمعه سنّت است.

(۸) (۳۱۲) امام صادق علیه السّلام فرمود: در نماز جمعه سنّت بر این است که امام در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقون بخواند.

(۹) (۳۱۳) علی علیه السّلام فرمود: چون رسول خدا صلّى الله عليه و آله وارد مسجد می‌شد و بلال مشغول گفتن اقامه نماز بود، آن حضرت می‌نشست.

(۱۰) (۳۱۴) سهل ساعدی گوید: میان جای نماز رسول خدا صلّى الله عليه و آله و دیوار به اندازه عبور گوسفند فاصله بود.

(۱۱) (۳۱۵) هشام بن سالم از امام صادق علیه السّلام از تسبیح (در رکوع و سجود) پرسید،

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۴

آن حضرت فرمود: در رکوع

«سبحان ربّی العظیم»

و در سجده

«سبحان ربّی الاعلی»

بگو. سپس فرمود: یک بار ذکر گفتن واجب است و سه مرتبه سنّت، و فضیلت در این است که ذکر رکوع و سجده هفت بار گفته شود.

(۱) (۳۱۶) امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّى الله عليه و آله در هر رکعتی از نماز پانزده آیه قرائت می‌کرد، و رکوعش به اندازه قیامش، و سجده‌اش به اندازه رکوعش طول می‌کشید، و سر برداشتن آن حضرت از رکوع و سجده مساوی بود.

(۲) (۳۱۷) امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّى الله عليه و آله نماز واجب صبح را هنگامی که هوا خوب روشن شده بود می‌خواند.

(۳) (۳۱۸) اسحاق بن فضل از امام صادق علیه السّلام از سجده کردن بر حصیر و بوریا پرسید، آن حضرت فرمود: اشکال ندارد، اما من بیشتر دوست دارم که بر زمین سجده شود، زیرا رسول خدا صلّى الله عليه و آله دوست داشت که پیشانی خود را بر زمین نهد، و من دوست دارم برای تو آنچه را که رسول خدا صلّى الله عليه و آله دوست داشت.

(۴) (۳۱۹) در باره نماز نافله از امام صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود: سنّت آن است که نوافل روز آهسته و نوافل شب بلند خوانده شود.

(۵) (۳۲۰) از معصوم علیه السّلام روایت شده که فرمود: سوره «قل هو الله احد» یک سوم قرآن، و سوره «قل یا ایها الکافرون» برابر یک چهارم قرآن است و رسول خدا صلّى الله عليه و آله «قل هو الله احد» را در نماز وتر (یک رکعتی آخر نماز شب) جمع

می‌کرد تا آنکه همه قرآن را خوانده باشد «۱».

(۶) (۳۲۱) امام باقر علیه السلام می‌فرمود: دعا خواندن پس از نماز واجب بیشتر از خواندن نماز مستحبی ثواب دارد و سنت نیز بر این جاری شده است.

(۷) (۳۲۲) ابو هارون مکفوف، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: ای ابا هارون، ما (اهل بیت) فرزندان خویش را به گفتن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام امر

(۱) ظاهراً مراد این است که آن حضرت در نماز وتر سه مرتبه «قل هو الله أحد» را می‌خواند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۵

می‌کنیم همان گونه که به خواندن نماز امر می‌کنیم، تو نیز بر آن مواظبت کن، زیرا هر که به گفتن تسبیح آن حضرت مداومت کند شقی نخواهد شد.

(۱) (۳۲۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی، بر تو باد در تعقیب نمازهای واجب به خواندن آیه الکرسی، زیرا بر این عمل غیر از پیامبر و یا صدیق و شهید مواظبت نمی‌کند.

(۲) (۳۲۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله در نمازهای شفع و وتر، در رکعت اول «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» و در رکعت دوم «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت سوم که (یک رکعتی است و) باید در آن قنوت خواند «قل هو الله أحد» را قرائت می‌کرد. و خواندن همه این سوره‌ها بعد از خواندن سوره حمد است.

(۳) (۳۲۵) امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سجده این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَ بَكَ آمَنْتُ، وَ لَكَ اسَلَمْتُ، سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ، وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ، فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ

. «بار الها، برای تو سجده کردم، و به تو ایمان آوردم، و تسلیم تو هستم. چهره (و حقیقت) من بر کسی سجده کرد که آن را آفرید و تصویرش نمود، و چشم و گوش برایش شکافت، پس مقدس و والاست خدای یکتا که بهترین آفرینندگان است».

(۴) (۳۲۶) امیر المؤمنین علیه السلام به محمد بن ابی بکر (هنگامی که او را والی مصر نمود) نوشت: مواظب رکوع نمازت باش - تا آنجا که می‌فرماید: - چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از رکوع بلند می‌شد، می‌گفت:

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ. لَكَ الْحَمْدُ مَلَأَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَلَأَ أَرْضُكَ، وَ مَلَأَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ.

«خداوند ستایش کسی را که او را ستود بشنود و اجابت کند، خداوندا، تو را سپاس و ستایش به حجم آسمانها و زمینت، و حجم هر چه که خواهی».

(۵) (۳۲۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله میان دو سجده نماز این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، وَ اجْرِنِي وَ عَافِنِي، أَنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرِ فَقِيرٍ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۶

العالمين.

«خداوندا، مرا بیامرز و بر من رحمت آر، و مرا پناه ده و عافیت بخش، من به خیری که بر من فرو فرستی نیازمندم، مقدس و والاست خدای یکتا که پروردگار عالمیان است».

(۱) (۳۲۸) میمونه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله گوید: برای آن حضرت حصیر کوچکی که از برگ درخت خرما بافته شده بود در مسجد پهن می‌کردند تا بر آن نماز بخواند.

(۲) (۳۲۹) امام حسن عسکری علیه السّلام فرمود: خدای بزرگ به جدّم رسول خدا صلیّ الله علیه و آله وحی کرد که تو و علی و حجت‌های دیگرم از نسل علی و شیعیان شما را تا روز قیامت به ده خصلت مخصوص گردانیده‌ام، که از جمله آنها پیشانی بر خاک نهادن است بعد از هر نماز (برای سجده شکر).

(۳) (۳۳۰) رسول خدا صلیّ الله علیه و آله چون نماز می‌خواند آن را به طور کامل انجام می‌داد.

(۴) (۳۳۱) روایت شده: محبوب‌ترین نمازها نزد رسول خدا صلیّ الله علیه و آله نمازی بود که بر آن مداومت شود اگر چه نماز مختصری باشد. و آن حضرت چون شروع به خواندن نمازی می‌فرمود بر آن مداومت می‌کرد.

(۵) (۳۳۲) رسول خدا صلیّ الله علیه و آله می‌فرمود: دو رکعت نماز در دل شب، نزد من محبوب‌تر است از دنیا و آنچه در آن است.

(۶) (۳۳۳) رسول خدا صلیّ الله علیه و آله فرمود: سوگند به خدایی که مرا برانگیخت، جبرئیل از اسرافیل، از خدای تبارک و تعالی به من خبر داد که فرمود: هر کس در شب آخر ماه مبارک رمضان ده رکعت نماز بخواند، در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و سوره «قل هو الله أحد» را ده بار بخواند و در رکوع و سجده آن ده مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

بگوید، و در هر دو رکعت تشهد بخواند و سلام دهد، و چون از ده رکعت نماز فارغ شد هزار مرتبه استغفار کند (استغفر الله بگوید) و پس از استغفار به سجده رفته بگوید:

یا حیّ یا قیوم، یا ذا الجلال و الاکرام، یا رحمان الدّینا و الآخرة و رحیمهما، یا أرحم الرّاحمین، یا اله الاوّلین و الآخرین، اغفر لنا

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۷

ذنوبنا، و تقبل منّا صلاتنا و صیامنا و قیامنا

(بعد در باره اجر کسی که این عمل را انجام دهد و در فضیلت این نماز بیانات زیادی فرمود تا آنجا که رسول خدا صلیّ الله علیه و آله فرمود:) این نمازی است که تنها خدای متعال به من و امّتم از مردان و زنان هدیه فرموده و به احدی از پیغمبران و غیر آنان پیش از من عطا نکرده است.

(۱) (۳۳۴) رسول خدا صلیّ الله علیه و آله چون وارد خانه می‌شد پیش از آنکه بنشیند اول کاری که انجام می‌داد این بود که چهار رکعت نماز (به دو سلام) می‌خواند، در رکعت اول سوره «لقمان» و در رکعت دوم سوره «یس» و در رکعت سوم سوره «حم دخان» و در رکعت چهارم سوره «تبارک الملک» را قرائت می‌فرمود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۸

(۱)

۱۷ آداب و سنن آن حضرت در روزه

اشاره

(۲) ۳۲۲. امام صادق علیه السّلام می‌فرمود: رسول خدا صلیّ الله علیه و آله آن قدر پی در پی روزه می‌گرفت که می‌گفتند: دیگر افطار نمی‌کند. سپس آن قدر پشت سر هم افطار می‌کرد که می‌گفتند: دیگر روزه نمی‌گیرد. پس از آن یک روز در میان روزه می‌گرفت.

سپس روزهای دوشنبه و پنجشنبه از هر هفته را روزه می‌گرفت. سرانجام سنت بر آن جاری شد که آن حضرت در هر ماه سه روز: پنجشنبه اول ماه، و چهارشنبه وسط، و پنجشنبه آخر ماه را روزه می‌گرفت. و آن حضرت می‌فرمود: این روزه همه عمر است (اگر

کسی چنین کند مثل آن است که تمام عمرش روزه باشد).

امام صادق علیه السّلام فرمود: پدرم می‌فرمود: هیچ کس نزد خداوند مبعوض تر از کسی نیست که وقتی به او نگویند: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان و چنان می‌کرد، او در جواب بگوید: خدا مرا به خواندن نماز و روزه بسیار عذاب نخواهد کرد (نماز و روزه حد معینی ندارد و هر چه بیشتر بهتر!). زیرا معنی این حرف این است که گویا رسول خدا صلی الله علیه و آله از انجام بیش از آن عاجز بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۹

(۱) ۳۲۳. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت آن قدر پی در پی روزه می‌گرفت که می‌گفتند دیگر افطار نمی‌کند. سپس آن قدر افطار می‌کرد که می‌گفتند دیگر روزه نمی‌گیرد. آن گاه از این روش دست برداشت و یک روز در میان روزه می‌گرفت که روزه حضرت داود علیه السّلام باشد. سپس آن را ترک کرد و سه روز ایام البیض (سیزده و چهارده و پانزدهم هر ماه) را روزه می‌گرفت. و سرانجام از آن هم صرف نظر کرد و سه روز را در دهه‌های ماه پخش کرد: پنجشنبه دهه اول، و چهارشنبه دهه دوم، و پنجشنبه دهه سوم. و تا زنده بود این روش را ادامه داد.

(۲) ۳۲۴. علی علیه السّلام فرمود: روزه گرفتن سه روز از هر ماه که پنجشنبه اول و چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر باشد و روزه ماه شعبان، و سوسه را از دل، و غم و غصه را از قلب آدمی می‌زداید ... ما اهل بیت پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط هر ماه را روزه می‌داریم.

(۳) ۳۲۵. عنبسه عابد گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله رحلت فرمود در حالی که همیشه ماه شعبان و ماه رمضان و سه روز از هر ماه را روزه می‌گرفت.

(۴) ۳۲۶. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به یاران خود فرمود: کدام یک از شما تمام روزها را روزه می‌دارید؟ سلمان گفت: یا رسول الله، من. یکی از حاضران گفت: ای سلمان، اکثر روزها تو را دیده‌ام که غذا می‌خوری! سلمان گفت: چنان نیست که تو گمان کرده‌ای، من در هر ماه سه روز آن را روزه می‌گیرم، و خدا فرموده: «هر که یک عمل خوبی انجام دهد ده برابر آن ثواب داده می‌شود». و از طرفی هم روزه ماه شعبان را به ماه رمضان وصل می‌کنم، و هر که چنین کند ثواب روزه تمام دهر را دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن مرد فرمود: کجا دیگر با مثل لقمان حکیم برخورد خواهی کرد؟ آنچه خواهی از او پرس که تو را پاسخ خواهد داد.

(۵) ۳۲۷. سماعه گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله ماه شعبان را روزه می‌گرفت؟ فرمود: آری، ولی تمام آن را روزه نبود. پرسیدم: چند روز از آن

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۰

را افطار می‌کرد؟ فرمود: افطار می‌کرد. این سؤال را سه بار تکرار کردم و آن حضرت بجز کلمه «افطار می‌کرد» چیزی نمی‌فرمود، سپس سال بعد نیز همان سؤال را از حضرت کردم و باز همان طور پاسخ فرمود.

(۱) ۳۲۸. امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ماه شعبان و ماه رمضان را روزه می‌گرفت و آن دو را به هم وصل می‌کرد، ولی دیگران را از این کار نهی می‌نمود، و می‌فرمود: این دو ماه، ماه خداست و روزه آن کفار گناهان قبل و بعد آنها خواهد بود.

(۲) مؤلف: شاید مراد از نهی این باشد که آن حضرت خوش نداشت مردم تمام ماه شعبان را روزه بگیرند، چنان که در پاره‌ای از اخبار امر شده که میان روزه ماه شعبان و ماه رمضان و لو به یک روز در اواسط آن افطار کنند.

(۳) ۳۲۹. انس بن مالک گوید: طعام رسول خدا صلی الله علیه و آله شربت در افطار و شربت در سحر بود، و بسا اتفاق می‌افتاد که

شبانه روز جز يك بار خوردنی نداشت. و خیلی از اوقات این شربت شیر بود و گاهی غذای آن حضرت نان خیس خورده بود. (۴) ۳۳۰. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله زمانی که رطب (خرمای تازه) وجود داشت اول چیزی که با آن افطار می کرد رطب بود و در زمان تمر (خرمای خشک) با تمر افطار می فرمود.

(۵) ۳۳۱. امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله وقتی روزه می گرفت و برای افطار به چیز شیرینی دست نمی یافت با آب افطار می کرد.

(۶) ۳۳۲. و در بعض روایات وارد است: آن حضرت گاهی با کشمش افطار می کرد.

(۷) ۳۳۳. شیخ مفید رحمه الله گوید: از آل محمّد علیهم السّلام روایت شده که سحری خوردن مستحب است اگر چه با یک شربت آب باشد. و روایت شده که بهترین غذای سحر «خرما» و «قاووت» است، زیرا رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله در سحرها از آن میل می کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۱

(۱) ۳۳۴. رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله بیشتر اوقات حلیم می خورد و گاهی نیز آن را غذای سحر قرار می داد.

(۲) ۳۳۵. رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله چون ماه رمضان فرا می رسید تمامی اسیران را آزاد می کرد، و به هر سائلی چیزی می داد.

۶

(۳) ۳۳۳. علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله دهه آخر ماه مبارک رمضان بستر خود را جمع می کرد و کمر همت برای عبادت محکم می بست. و در شب بیست و سوم اهل بیت خود را بیدار نگه می داشت و به صورت هر کدام که خواب بر او غلبه می کرد آب می پاشید تا خواب از چشمش برود. همچنین حضرت فاطمه علیها السّلام هیچ یک از اهل خانه خود را نمی گذاشت که در آن شب بخوابند و برای اینکه خوابشان نبرد غذای کمتری به آنان می داد و از روز، خود را برای شب زنده داری آماده می کرد، و می فرمود: محروم است کسی که از خیر این شب بی بهره ماند.

(۴) ۳۳۷. علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله روز عید فطر هنگامی که می خواست برای نماز عید به سوی مصلی بیرون رود قبلا با چند دانه خرما یا کشمش افطار می نمود.

(۵) ۳۳۸. شیخ صدوق رحمه الله گوید: سنت آن است که آدمی در عید قربان بعد از نماز، و در عید فطر قبل از نماز چیزی بخورد. (۶)

ملحقات

(۷) ۳۳۵. از برخی زنان پیامبر صلّی اللّٰه علیه و آله روایت شده که آن حضرت روز نهم ماه ذی حجه و سه روز از هر ماه (پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر ماه) را روزه می گرفت.

(۸) ۳۳۶. چون ماه مبارک رمضان فرا می رسید رنگ رخسار رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۲

تغییر می کرد و نماز خواندنش زیاد می شد، و در دعا و درخواست از خداوند بسیار زاری و تضرع می کرد و از خدا ترسان بود.

(۱) ۳۳۷. رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله هر گاه از امری غمگین می شد، با نماز خواندن و روزه گرفتن بر دفع آن غم یاری می جست.

(۲) ۳۳۸. علی علیه السّلام فرمود: چون ماه شعبان فرا می رسید، رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله در اول آن، سه روز، و در وسط آن سه روز، و در آخر آن سه روز روزه می گرفت، و دو روز به ماه مبارک رمضان مانده روزه نمی گرفت، سپس ماه رمضان را روزه

می‌داشت.

(۳) (۳۳۹) امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون می‌خواست افطار کند با حلوا آغاز می‌کرد، و اگر حلوا نبود با یک حبه قند یا خرما افطار می‌فرمود، و اگر هیچ کدام نبود با آب نیم گرم افطار می‌نمود.

(۴) (۳۴۰) جابر گوید: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با دو چیز سیاه افطار می‌کرد. پرسیدم: دو چیز سیاه چیست؟ فرمود: یکی خرما خشک و آب، و دیگری خرما تازه و آب.

(۵) (۳۴۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله با خرما افطار می‌کرد، و هر گاه شکر می‌یافت با آن افطار می‌نمود.

(۶) (۳۴۲) امام صادق علیه السّلام فرمود: چون دهه آخر ماه مبارک رمضان می‌رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله کمر همت می‌بست و از نزدیکی کردن با زنانش احتراز می‌کرد و شب‌زنده‌داری می‌نمود و خود را برای عبادت فارغ می‌ساخت.

به روایت دیگر: خود به عبادت می‌کوشید و خانواده‌اش را نیز به کوشش وامی‌داشت و آنان را از خواب بیدار می‌کرد.

(۷) (۳۴۳) شیخ طوسی رحمه الله گوید: آنچه از سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله ثابت شده این است که آن حضرت خود متصدی رؤیت هلال ماه مبارک رمضان می‌شد و در جستجوی آن برمی‌آمد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۳

(۱) (۳۴۴) علی علیه السّلام فرمود: جدا کردن زکات فطره پیش از [نماز] فطر از سنّت است.

(۲) (۳۴۵) شیخ صدوق رحمه الله گوید: گفتن تکبیر [های مخصوص] پس از ده نماز، از شب عید فطر بعد از نماز مغرب و عشا تا بعد از نماز عصر روز دوم شوال، و پس از ده نماز، از روز عید قربان پس از نماز ظهر و عصر تا بعد از نماز صبح روز دوازدهم ذی حجه [برای کسانی که در مکه نیستند] از سنّت است.

(۳) (۳۴۶) سعید نقاش گوید: امام صادق علیه السّلام به من فرمود: آگاه باش که در عید فطر تکبیر گفتن از سنّت است. گفتم: چه زمانی باید گفت؟ فرمود: بعد از نماز مغرب و عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح عید و بعد از نماز عید فطر، سپس تکبیرات را قطع کند.

(۴) (۳۴۷) علی علیه السّلام فرمود: تعجیل در افطار روزه و تأخیر در خوردن سحری و خواندن نماز مغرب پیش از افطار سنّت است

...

(۵) (۳۴۸) امام صادق علیه السّلام می‌فرمود: سنّت بر این است که زکات فطره یک صاع (که تقریباً سه کیلوگرم است از یک جنس، مثلاً از خرما یا کشمش و یا جو داده شود.

(۶) (۳۴۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعال شش خصلت را برای من نپسندید و من نیز آنها را برای جانشینان خود و پیروان آنان نمی‌پسندم، که از جمله آنها:

روزه، بازی کردن با زن (یا بد زبانی) در حال روزه است.

(۷) (۳۵۰) مردی به امام رضا علیه السّلام در روز عید فطر عرض کرد: من امروز با خرما و با خاک قبر (تربت امام حسین علیه السّلام) افطار کردم. آن حضرت فرمود: سنّت و برکت را با هم جمع کرده‌ای.

(۸) (۳۵۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله با جرعه‌ای آب، یا کمی شیر و یا چند دانه خرما افطار می‌کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۴

(۱)

۱۸ آداب و سنن آن حضرت در اعتکاف

(۲) ۳۳۹. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه رمضان (سال اول هجرت) در دهه اول در مسجد اعتکاف کرد، و سال دوم در دهه دوم و در سال سوم در دهه آخر اعتکاف نمود، ولی پس از آن همیشه در دهه آخر ماه رمضان اعتکاف می نمود.

(۳) ۳۴۰. امام صادق علیه السّلام فرمود: جنگ «بدر» در ماه رمضان (سال دوم هجرت) اتفاق افتاد، به این جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن سال در مسجد معتکف نشد. اما سال بعد، آن حضرت دو دهه اعتکاف کرد: یک دهه برای همان سال، و دهه دیگر برای قضاء اعتکاف سال قبل.

(۴) ۳۴۱. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون دهه آخر ماه رمضان می شد در مسجد اعتکاف می کرد؛ برایش خیمه‌ای مویین می زدند و حضرت کمر همّت برای عبادت می بست و بستر خوابش را برمی چید. یکی گفت: از زنان نیز کناره می گرفت؟ فرمود: نه، از زنان کناره نمی گرفت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۵

(۱) مؤلف: این معنی در روایات زیادی نقل شده که بعضی از آنها در باب هفدهم گذشت. و گفته‌اند که مقصود از «عزلت» کناره‌گیری از آنان در بستر بوده است نه در معاشرت و مصاحبت با آنان.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۶

(۱)

۱۹ آداب و سنن آن حضرت در صدقه دادن

اشاره

(۲) ۳۴۲. در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام آمده است: ششم آنکه در نماز و روزه و صدقه از سنت من پیروی کنی ... و اما راجع به صدقه، به قدری در آن کوشا باشی که گمان کنی در صرف مال برای صدقه اسراف کرده‌ای.

(۳) ۳۴۳. امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ گاه سائلی را از خود نراند، اگر چیزی داشت به او می داد، و اگر نداشت می فرمود: خدا برساند.

(۴) مؤلف: این مطلب در اخبار شیعه و سنی به قدری زیاد نقل شده که شاید به حد تواتر رسیده باشد. ما بعضی از آن روایات را در باب دوم (آداب معاشرت) و غیر آن ذکر کردیم.

(۵) ۳۴۴. امام صادق علیه السّلام ضمن حدیثی فرمود: ما اهل بیت آنچه در راه خدا داده‌ایم پس نمی گیریم.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۷

(۱)

ملحقات

(۲) ۳۵۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من چند چیز را ترک نمی کنم. سوار شدن بر الاغ پالان‌دار، با بردگان روی حصیر غذا خوردن، و با دست خود به سائل کمک کردن.

(۳) ۳۵۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جوانمردی ما اهل بیت در این است که از آن که به ما ستم کرده درمی گذریم، و به آن که ما را محروم ساخته بخشش می کنیم.

(۴) ۳۵۴ روایت است که جود و بخشش رسول خدا صلی الله علیه و آله در خیر از همه مردم بیشتر و از تندباد سریع تر بود. بذل و عطایش ادامه داشت و بخلی از او نمودار نمی شد و ممانعتی سر نمی زد.

(۵) ۳۵۵ علی علیه السّلام فرمود: ما اهل بیت، کسانی را که به نظر می رسد غیر مستحق هستند رد نمی کنیم از ترس اینکه مبادا مستحق واقعی را رد کرده باشیم.

(۶) ۳۵۶ امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: چون چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواستند، اگر قصد انجام آن را داشت جواب مثبت می داد، و اگر قصد انجام آن را نداشت سکوت می کرد و کلمه «نه» بر زبان جاری نمی ساخت.

(۷) ۳۵۷ حسن بن علی بن فضال گوید: از حضرت رضا علیه السّلام پرسیدم: چرا وقتی امیر المؤمنین علیه السّلام در ظاهر به خلافت رسید «فدک» را [به بنی فاطمه علیهم السّلام] برنگردانید؟! فرمود: زیرا ما خاندانی هستیم که فقط خداوند حقوق غصب شده ما را از ستمگران می گیرد. ما سرپرست مؤمنان هستیم، به نفع آنان حکم کرده، حقوقشان را از ستمگران گرفته، به آنان باز می گردانیم، اما برای باز گرفتن حقوق خود اقدام نمی کنیم.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۸

(۱)

۲۰ آداب و سنن آن حضرت در قرائت قرآن

اشاره

(۲) ۳۴۵. امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: چیزی جز حالت جنابت، مانع رسول خدا صلی الله علیه و آله از تلاوت کردن قرآن نمی شد.

(۳) ۳۴۶. ام سلمه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در قرائت قرآن هر آیه را از آیه دیگر جدا می نمود.

(۴) ۳۴۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی خوابید تا «مسبّحات» را قرائت کند، و می فرمود:

در این سوره ها آیه ای است که از هزار آیه برتر است. گفتند: «مسبّحات» کدام سوره هاست؟ فرمود: سوره حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن.

(۵) ۳۴۸. جابر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی خوابید تا سوره «تبارک» و «الم، تنزیل» را قرائت کند.

(۶) ۳۴۹. علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله این سوره «سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» را دوست می داشت. و اول کسی که گفت:

«سَبَّحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»

میکائیل علیه السّلام بود.

(۷) ۳۵۰. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سوره «سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى»

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۹

را قرائت می کرد، می گفت:

«سَبَّحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»

. این معنی از علی علیه السّلام نیز روایت شده است.

(۱) ۳۵۱. ابی امامه گوید: بعد از حَجَّةُ الْوَدَاعِ با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خواندم و آن حضرت زیاد سوره «لا اقسام

بیوم القيامة» را قرائت می فرمود، و چون آیه:

الیس ذلک بقادر علی أن یحیی الموتی (آیا آن خدا قادر نیست مردگان را زنده کند؟) را می خواند، شنیدم می فرمود:
بلی و انا علی ذلک من الشّاهدین.

«چرا قادر است؛ من نیز به آن گواهی می دهم».

(۲) مؤلف: در این معنی روایات دیگری نیز وجود دارد با مختصر اختلافی در آنچه آن حضرت می گفت.

(۳) ۳۵۲. ابو هریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون آیه: و نفس و ما سواها، فألهمها فجورها و تقویها را تلاوت می فرمود، اندکی مکث می کرد، بعد می گفت:

اللهم آت نفسي تقویها، و زكّها أنت خیر من زكّاها، أنت ولینها و مولیها.

«خدایا، به من پرهیزکاری ده، و جانم را پاکیزه کن، که تو بهترین پاکیزه کننده آن، و تو سرپرست و مولای آنی». این را می فرمود در حالی که مشغول نماز بود.

(۴)

ملحقات

(۵) ۳۵۸. ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از خواندن قرآن می گفت:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

«پناه می برم به خدا از شیطان رانده شده».

(۶) ۳۵۹. امام باقر علیه السّلام ضمن حدیثی فرمود: صدای رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواندن قرآن از همه مردم دلربا تر بود.

(۷) ۳۶۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من دستور داد ایستاده قرآن بخوانم ...

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۰

(۱) ۳۶۱. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله موقع قرآن خواندن، صدایش را می کشید.

(۲) ۳۶۲. امام صادق علیه السّلام ضمن حدیثی فرمود: ما اهل بیت، قرآن را موافق قرائت «ابی» می خوانیم.

(۳) مؤلف: در بعضی روایات اهل بیت علیهم السّلام از جمله در کتاب خصال، سایر قرائت‌های هفتگانه نیز تجویز شده است.

(۴) ۳۶۳. قتاده گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سوره «تین» را تمام می کرد (آن جا که فرموده: «آیا خداوند احکم الحاکمین نیست؟») می گفت:

بلی و انا علی ذلک من الشّاهدین.

«چرا، هست؛ و من نیز به آن گواهی می دهم».

(۵) ۳۶۴ (تکرار ۳۵۱. است)

(۶) ۳۶۵. در ذیل تفسیر آیه ۶۱ سوره یونس: «تو- ای رسول ما- در هیچ کاری نباشی و هیچ آیه‌ای از قرآن نخوانی و شما هیچ

عملی را انجام ندهید مگر آنکه ما شاهد و گواه بر شمایم آن گاه که سرگرم آنید، و به قدر ذره کوچکی از آنچه در زمین و آسمان است از پروردگارت پنهان نیست. و چیزی کوچک‌تر و یا بزرگ‌تر از آن نیست جز آنکه در کتاب آشکار حق ثبت است»

روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون این آیه شریفه را قرائت می کرد، گریه شدیدی به آن حضرت دست می داد.

(۷) ۳۶۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سوره «قل هو الله أحد» را می خواند، بعد از هر آیه وقف می کرد (آن را به یک

نفس نمی خواند).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۱

(۱)

۲۱ آداب و سنن آن حضرت در دعا و ذکر پاره‌ای از ادعیه و اذکار او

اشاره

(۲) ۳۵۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من دستور داد که قرآن را ایستاده بخوانم، و حمد خدا را در رکوع، و

تسبیح او را در سجده انجام دهم، و او را نشسته دعا کنم و بخوانم.

(۳) ۳۵۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام ابتهال و دعا دستها را بلند می نمود مانند فقیری که غذا طلب می کند.

(۴)

دعای آن حضرت وقتی که در آینه نگاه می کرد

(۵) ۳۵۵. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی در آینه نظر می کرد می گفت:

الحمد لله الذی اکمل خلقی، و أحسن صورتی، و زان منی ما شان من غیری، و هدانی للاسلام، و من علی بالتبوء.

«ستایش خدایی راست که آفرینش مرا کامل

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۲

ساخت، صورتم را نیکو آفرید، در مقابل عیب دیگران مرا زینت داد، به اسلام هدایت کرد و با برانگیختن من به مقام نبوت نعمتی

بزرگ بر من بخشید.»

(۱) ۳۵۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی به آینه نظر می کرد می گفت:

الحمد لله الذی أحسن خلقی و خلقی، و زان منی ما شان من غیری.

«ستایش خدایی راست که آفرینش را زیبا، و اخلاقم را نیکو ساخت، و مرا در برابر عیب دیگران زینت بخشید.»

(۲)

دعای آن حضرت وقتی که بر مرکب سواری می نشست

(۳) ۳۵۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام سفر کردن چون بر مرکب سواری خود مستقر می شد، سه بار

«الله اکبر»

می گفت، سپس آیه شریفه: سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین، و انا الی ربنا لمنقلبون «۱» را تلاوت می کرد و می گفت:

اللهم إنا نسألك فی سفرنا هذا البرّ و التقوی، و من العمل ما ترضی. اللهم هون علينا سفرنا، و اطو عنا بعده. اللهم أنت الصاحب فی

السفر، و الخلیفه فی الاهل. اللهم إنی أعوذ بک من وعاء السفر، و کأبه المنقلب، و سوء المنظر فی الاهل و المال.

«خدایا، ما در این سفر از تو نیکی کردن و پرهیزگاری و نیز کاری را که موجب خشنودی توست طلب می کنیم. خدایا، این سفر را

بر ما آسان گردان و دوری آن را بر ما نزدیک ساز. خدایا، تو در سفر یار ما، و در خانواده جانشین ما هستی. خدایا، از رنج و

گرفتاری سفر، و غم و غصه بازگشت، و دیدن بدی در باره اهل و مال به تو پناه می برم.» و چون از سفر بازمی گشت می گفت:

آئیون تائبون، عابدون لرّنا حامدون.

«در حالی که به سوی پروردگارمان توبه و بازگشت کرده و پرستش او می‌کنیم و

(۱) زخرف/ ۱۳ و ۱۴: «سپاس خدایی راست که این حیوان را مسخر ما گردانید با اینکه ما طاقت مهار آن را نداشتیم، و ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۳

سپاسگزار اویم، به منزل خود باز گشتیم».

(۱)

دعای آن حضرت در سفر هنگامی که شب فرا می‌رسد

(۲) ۳۵۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی در سفر بود و شب فرا می‌رسید می‌فرمود:

ارض، ربّی و ربّک الله، أعوذ من شرّک و شرّ ما فیک و شرّ ما یدبّ علیک، و أعوذ بالله من أسد و أسود و من الحیة و العقرب، و من ساکن البلد، و والد و ما ولد.

«ای زمین، پروردگار من و تو خدای متعال است، از شر تو و آنچه در تو هست و یا بر روی تو در حرکت است به خدا پناه می‌برم. و نیز از شر هر درنده و گزنده، و از شر هر مار و عقرب، و از کسی که ساکن در این دیار است، و همچنین از شر هر پدر و فرزندش به خدای متعال پناه می‌برم».

(۳)

دعای آن حضرت وقتی که لباس نو می‌پوشید

(۴) ۳۵۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که لباس نو می‌پوشید، می‌گفت:

الحمد لله الذی کسانى ما یواری عورتى و اتجمل به فى الناس.

«ستایش خدایی راست که مرا لباسی پوشانید که عورت‌م را مستور می‌دارد، و با آن در میان مردم آراسته می‌گردم».

(۵) ۳۶۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون می‌خواست لباس خود را از تن درآورد، ابتدا آن را از طرف چپ بیرون می‌آورد. و از کارهایش هنگام پوشیدن لباس جدید این بود که حمد و ستایش خدا می‌نمود، سپس فقیری را طلب می‌کرد و لباس کهنه خود را به او می‌داد و می‌فرمود: هر مسلمانی که تنها برای خشنودی خدا، لباس کهنه خود را به تن مسلمان فقیری پوشاند، در ضمانت و پناه و خیر خدای متعال خواهد بود تا زمانی

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۴

که آن لباس به تن آن فقیر است، خواه دهنده لباس زنده باشد یا مرده.

(۱) ۳۶۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون لباس می‌پوشید و به پا می‌خواست پیش از آنکه از منزل خارج شود، می‌گفت:

اللهم بک استترت، و الیک توّجّهت، و بک اعتصمت، و علیک توکّلت. اللهم أنت ثقتی و أنت رجائی. اللهم اکفنی ما اهمنى و ما لا اهتم به و ما انت اعلم به منی. عزّ جارک، و جلّ ثناؤک، و لا اله غیرک. اللهم زودنی التقوی، و اغفر لی ذنبی، و وجهنی للخیر حیث ما توّجّهت.

«خداوند! به واسطه تو خود را پوشاندم، و به سوی تو رو کردم، و به تو چنگ زدم، و بر تو توکل نمودم.

خدایا، تو مورد اعتماد و امید منی. خدایا، آنچه برایم مهم است و آنچه بدان اهتمامی ندارم و آنچه تو بدان داناتری همه را برایم کفایت کن. پناهنده به تو عزیز است، و ثنا و حمد تو بزرگ است و جز تو خدایی نیست. خدایا، پرهیزکاری را زاد و توشه من قرار ده، و گناهم را ببخش، و مرا به هر سو که رو آورم به خیر و خوبی متوجه ساز. پس از این دعا دنبال کار خود می‌رفت.

(۲)

دعای آن حضرت وقتی که از مجلسی برمی‌خواست

(۳) ۳۶۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر وقت از مجلسی برمی‌خواست می‌گفت:

سبحانک اللهم و بحمدک. أشهد أن لا إله إلا أنت، استغفرک و أتوب الیک.

«خدایا، تو از هر عیبی منزهی، و حمد و ستایش از آن توست. گواهی می‌دهم که جز تو خدایی نیست؛ از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو بازمی‌گردم».

(۴)

دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به مسجد و خروج از آن

(۵) ۳۶۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون می‌خواست وارد مسجد شود

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۵

می‌گفت:

اللهم افتح لی أبواب رحمتک.

«خدایا، درهای رحمت را به روی من بگشای». و چون می‌خواست از مسجد بیرون رود، می‌گفت:

اللهم افتح لی أبواب رزقک.

«خدایا، درهای روزیت را به روی من بگشای».

(۱) ۳۶۴. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله چون داخل مسجد می‌شد می‌گفت:

بسم الله. اللهم صل علی محمد و آل محمد، و اغفر لی ذنوبی، و افتح لی أبواب رحمتک.

«به نام خدا. خدایا، بر محمد و آل محمد درود بفرست، و گناهان مرا بیامرز، و درهای رحمت را به روی من بگشای». و چون از مسجد خارج می‌شد می‌گفت:

بسم الله. اللهم صل علی محمد و آل محمد، و اغفر لی ذنوبی، و افتح لی أبواب فضلک.

«به نام خدا. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و گناهان مرا بیامرز، و درهای فضل و کرمت را به روی من بگشای».

(۲)

دعای آن حضرت هنگامی که به بستر خواب می‌رفت

(۳) ۳۶۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به بستر خواب می‌رفت به پهلو راست می‌خوابید و کف دست راست را زیر

صورت می‌نهاد، سپس می‌گفت:

اللهم قنی عذابک یوم تبعث عبادک.

«خدایا، روزی که بندگانت را [از قبرها] برمی‌انگیزی مرا از عذاب خود نگاه دار».

(۴) ۳۶۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که به بستر خواب می‌رفت دعاهایی داشت که می‌خواند، از جمله هنگام خواب می‌گفت:

بسم الله اموت و احیی، و الی الله المصیر. اللهم آمن روعتی، و استر عورتی، و أد عنی امانتی.

«به نام خدا می‌میرم و زنده می‌شوم، و بازگشت همه خلائق به سوی اوست. خدایا، ترسم را به امن و آرامش تبدیل فرما، و عییم را بپوشان، و امانتی را که به من سپرده‌ای خودت ادا فرما.»

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۶

(۱) ۳۶۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام خواب «آیه الكرسي» را قرائت می‌کرد. و می‌فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد، عفریتی از طائفه جن به هنگام خوابت برای تو حيله می‌کند، پس بر تو باد که هنگام خواب «آیه الكرسي» بخوانی.

(۲)

دعای آن حضرت وقتی که سفره غذا را نزد او می‌نهادند

(۳) ۳۶۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سفره غذا را نزد او می‌نهادند، می‌گفت:

سبحانک اللهم ما أحسن ما تبتلینا، سبحانک ما أكثر ما تعطينا، سبحانک ما أكثر ما تعافینا.

اللهم اوسع علینا و علی فقراء المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات.

«خدایا تو منزهی، چه نیکوست آنچه ما را به آن آزموده‌ای! تو منزهی، چه بسیار است آنچه به ما بخشیده‌ای! تو منزهی، چه فراوان است سلامتی‌هایی که به ما داده‌ای! خدایا، بر ما و بر فقراء اهل ایمان و اسلام گشایش در روزی کرامت فرما.»

(۴) ۳۶۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سفره غذا را نزد او می‌نهادند، می‌گفت:

بسم الله.

اللهم اجعلها نعمه مشکوره تصل بها نعمه الجنة.

«به نام خدا. الهی، این غذا را از نعمت‌هایی قرار ده که شکرش به جا آورده شود به طوری که آن را به نعمت بهشتی متصل فرمایی.»

(۵)

دعای آن حضرت هنگامی که به سوی غذا دست می‌برد

(۶) ۳۷۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی به سوی غذا دست می‌برد، می‌گفت:

بسم الله.

بارک لنا فیما رزقتنا، و علیک خلفه.

«به نام خدا. [پروردگارا] آنچه را به ما روزی داده‌ای برکت ده و در پی آن روزی تازه‌ای هم مرحمت فرما.»

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۷

(۱)

دعای آن حضرت هنگامی که سفره را برمی‌چیدند

(۲) ۳۷۱. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سفره غذا را برمی‌چیدند، می‌گفت:

اللهم اكثرت و اطبت، و باركت فاشبعت و ارويت. الحمد لله الذى يطعم و لا يطعم.

«خدایا، نعمتت را بر ما فراوان کردی و پاکیزه نمودی، و مبارک ساختی پس سیر گردانیدی و سیراب نمودی. حمد و ستایش خدایی راست که می‌خوراند ولی خود نیازی به خوردن ندارد».

(۳)

دعای آن حضرت هنگام غذا خوردن و شیر نوشیدن

(۴) ۳۷۲. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ گاه غذایی میل نمی‌کرد و یا چیزی نمی‌نوشید مگر آنکه می‌گفت:

اللهم بارک لنا فيه، و ابدلنا به خيرا منه.

«خدایا، این غذا را برای ما برکت ده، و بهتر از آن را به ما روزی فرما». ولی چون شیر می‌نوشید می‌گفت:

اللهم بارک لنا فيه، و زدنا منه.

«خدایا این شیر را برای ما برکت ده، و روزی ما را از آن زیاد گردان».

(۵) ۳۷۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که مقداری از غذا میل می‌کرد می‌گفت:

اللهم لك الحمد، أطعمت و اسقیت و رؤیت، فلك الحمد غير مكفور و لا مودّع و لا مستغنى عنك.

«خدایا، حمد و ستایش تو راست که مرا طعام و شراب دادی و سیراب نمودی، تو را می‌ستایم ستایش کسی که کفران نعمت را نکرده و تو را وداع نگفته و از تو بی‌نیازی نجسته است».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۸

(۱)

دعای آن حضرت هنگامی که میوه تازه می‌دید

(۲) ۳۷۴. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون میوه تازه‌ای می‌دید، آن را گرفته می‌بوسید و بر دیدگان و دهان خود می‌نهاد و می‌گفت:

اللهم كما اريتنا أولها في عافية فارنا آخرها في عافية.

«خدایا، چنان که آغاز آن را در سلامتی به ما نشان دادی، آخر آن را نیز در سلامتی به ما نشان ده».

(۳)

دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به دستشویی

(۴) ۳۷۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می‌خواست به دستشویی (مستراح) وارد شود، می‌گفت:

اللهم ائى أعود بك من الرجس النجس الخبيث المحبث الشيطان. اللهم امط عني الاذى، و اعدني من الشيطان الرجيم.

«خدایا، از شیطان پلید نجس خبیث ناپاک به تو پناه می‌برم. خدایا، ناراحتی را از من دور کن، و مرا از شیطان رانده شده پناه ده».

و چون برای قضای حاجت می‌نشست می‌گفت:

اللهم اذهب عني القذى و الاذى، و اجعلني من المتطهرين.

«خدایا ناراحتی و ناپاکی را از من ببر، و مرا از پاکیزگان قرار ده».

و موقع خارج شدن مدفوع می گفت:

اللَّهُمَّ كما اطعمتنيه طيباً في عافية فاخرجه مني خبيثاً في عافية.

«خدایا، چنان که در عافیت و سلامتی به من غذای پاکیزه دادی، فضولات آن را نیز در سلامتی از من دفع فرما».

و گاهی دعای آن حضرت موقع داخل شدن به دستشویی این بود:

الحمد لله الحافظ المؤدى.

«حمد و ستایش خدایی راست که حافظ آدمی و برآورنده حاجات اوست».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۹

و چون از آنجا بیرون می شد، دست روی شکم خود می کشید و می گفت:

الحمد لله الذى اخرج عني اذاه، و ابقى في قوتي، فيا لها من نعمة لا يقدر القادرون قدرها.

«حمد و ستایش خدایی راست که فضولات ناراحت کننده غذا را از من خارج ساخت و نیروی آن را در بدنم باقی نهاد. چه نعمت

بزرگی که هیچ کس توانایی اندازه گرفتنش را ندارد».

(۱)

دعای آن حضرت وقتی که به قبرستان می گذشت

(۲) ۳۷۶. امام باقر علیه السلام می فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چون به قبرستان اهل ایمان می گذشت می فرمود:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنْ دِيَارِ قَوْمِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَنَا أَنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِأَحْقُونَ.

«سلام بر شما باد ای آرمیدگان دیار اهل ایمان، و ما نیز به خواست خدا به شما ملحق خواهیم شد».

(۳)

دعای آن حضرت در زیارت اهل قبور

(۴) ۳۷۷. امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در عصر هر پنجشنبه‌ای با عده‌ای از اصحاب خود به

قبرستان بقیع می رفت و سه بار می فرمود:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ.

«سلام بر شما ای آرمیدگان در این دیار» و بعد سه مرتبه می فرمود:

رَحْمَكُمُ اللَّهُ

. «خدا شما را رحمت کند».

(۵)

دعای آن حضرت چون از چیزی خوشحال می شد

(۶) ۳۷۸. امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله موضوع

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۰

خوشحال کننده‌ای می رسید، می گفت:

الحمد لله على هذه النعمة.

«حمد و ستایش خدایی راست که این نعمت را به ما ارزانی داشت». و وقتی امری غمناک به او می‌رسید، می‌گفت:

الحمد لله على كل حال.

«حمد و ستایش خدای را در همه حال».

(۱)

دعای آن حضرت وقت دیدن چیزی که آن را دوست می‌داشت

(۲) ۳۷۹. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی می‌دید آنچه را که دوست می‌داشت، می‌گفت:

الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات.

«حمد و ستایش خدایی راست که با نعمت او، خوبی‌ها تمام و کامل می‌گردد».

(۳)

ذکری که آن حضرت موقع شنیدن «اذان» می‌گفت

(۴) ۳۸۰. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون صدای مؤذن را می‌شنید جملات او را عینا بازگو می‌کرد. و چون مؤذن جملات

«حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»

را می‌گفت، حضرت می‌فرمود:

لا حول ولا قوة الا بالله.

«هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به خدا». و چون اقامه نماز پایان می‌یافت، می‌گفت:

اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، اعْطِ مُحَمَّدًا سُؤْلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَبَلِّغْهُ الدَّرَجَةَ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ.

«خداوند، ای پروردگار این دعوت تام و نماز برپا شده، خواهش‌های محمد را در روز قیامت برآور، و او را به درجه «وسيله» در بهشت برسان، و شفاعت او را در باره امتش بپذیر».

آداب، سنتن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۱

(۱)

ذکری که آن حضرت در رکعت آخر نماز مغرب می‌گفت

(۲) ۳۸۱. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در رکعت سوم نماز مغرب می‌گفت:

رَبَّنَا لَا تَرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. «۱»

«پروردگارا، دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی ملغزان، و از نزد خود رحمتی به ما ارزانی دار، که تو تنها بخشنده‌ای».

(۳)

ذکر و دعای آن حضرت در قنوت نماز وتر

(۴) ۳۸۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز وتر هفتاد بار استغفار می‌کرد، و هفت مرتبه می‌گفت:

هذا مقام العائذ بك من النار

«این جا جایگاه کسی است که از آتش به تو پناه آورده است».

(۵) ۳۸۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله در قنوت نماز وتر می گفت:

اللّٰهُمَّ اهدنی فیمن هدیت، و عافنی فیمن عافیت، و تولّنی فیمن تولّیت، و بارک لی فیما اعطیت، و قنی شرّ ما قضیت، إنّک تقضی و لا یقضی علیک، سبحانک ربّ البیت، استغفرک و اتوب الیک، و أومن بک و اتوکّل علیک، و لا حول و لا قوّة الاّ بک یا رحیم

«خدایا مرا در زمره کسانی که هدایت کرده‌ای هدایت فرما، و در زمره کسانی که عافیتشان داده‌ای عافیت ده، و در میان کسانی که کارشان را به عهده گرفته‌ای سرپرستی نما، و در آنچه به من بخشیده‌ای برکت ده، و مرا از شر آنچه مقدر فرموده‌ای نگاه دار، که فرمان تنها از آن توست و کسی بر تو حکومت نمی کند. تو منزهی ای پروردگار کعبه، از تو آمرزش می خواهم و به سوی تو بازمی گردم، و به تو ایمان دارم و بر تو توکل می نمایم، و [معترفم که] هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به تو ای

(۱) آل عمران / ۸.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۲

خدای مهربان».

(۱)

دعای آن حضرت موقع افطار

(۲) ۳۸۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام افطار می گفت:

اللّٰهُمَّ لک صمنا، و علی رزقک افطرنّا، فتقبّله منّا

«خدایا، برای تو روزه گرفتیم، و با روزی تو افطار کردیم، پس روزه ما را قبول فرما». تشنگی سپری شد و رگهای بدن پر شد، و اجر و مزد آن باقی ماند.

(۳)

دعای آن حضرت در تعقیب نماز

(۴) ۳۸۵. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از تشهد و سلام نماز فارغ می شد، چهارزانو می نشست و دست راستش را بر سر می نهاد و می گفت:

بسم الله الّٰذی لا اله الاّ هو، عالم الغیب و الشّهادة، الرّحمن الرّحیم، صلّ علی محمّد و آل محمّد، و اذهب عنّی الهمّ و الحزن آداب،

سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ۱۷۲ دعای آن حضرت در تعقیب نماز ص : ۱۷۲

به نام خداوندی که جز او خدایی نیست، خدایی که دانای پنهان و آشکار، و بخشنده و مهربان است. [خدایا] بر محمّد و خاندان او درود فرست، و غم و اندوه را از من دور ساز».

(۵)

دعای دیگر آن حضرت در تعقیب نماز

(۶) ۳۸۶. محمّد بن فرج گوید: امام جواد علیه السلام به من نوشت ... رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از نمازش فارغ می شد، می گفت:

اللّٰهُمَّ اغفر لى ما قدّمت و ما آخّرت، و ما اسررت و ما اعلنت، و اسرافى على امرى [نفسى - خ ل] و ما انت اعلم به منى.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۳

اللّٰهُمَّ انت المقدّم و المؤخّر، لا-اله الا انت، بعلمك الغيب، و بقدرتك على الخلق اجمعين ما علمت الحياة خيرا لى فأحبنى، و توقنى اذا علمت الوفاء خيرا لى. اللّٰهُمَّ انى اسألك خشيتك فى السرّ و العلانية، و كلمة الحقّ فى الغضب و الرضا، و القصد فى الفقر و الغنى، و اسألك نعيما لا ينفد، و قرّة عين لا ينقطع، و اسألك الرضا بالقضاء، و بركة الموت بعد العيش، و برد العيش بعد الموت، و لذّة النّظر الى وجهك، و شوقا الى رؤيتك و لقائك من غير ضراء مضرّة و لا فتنه مضلّة.

اللّٰهُمَّ زيّننا بزينة الايمان، و اجعلنا هداة مهديّين. اللّٰهُمَّ اهدنا فيمن هديت. اللّٰهُمَّ انى اسألك عزيمة الرّشاد، و الثّبات فى الامر و الرّشد، و اسألك شكر نعمك و حسن عافيتك، و اداء حقك، و اسألك يا ربّ قلبا سليما، و لسانا صادقا، و استغفرك لما تعلم، و اسألك خير ما تعلم، و اعوذ بك من شرّ ما تعلم، فانك تعلم و لا نعلم، و أنت علّم الغيوب.

«خدایا، گناهان گذشته دور و نزدیک مرا و گناهانی را که در نهان و آشکار از من سر زده، و همچنين اسراف و زیاده‌روی‌هایی را که کرده‌ام، و هر گناهی را که تو به آن آگاه‌تری بر من ببخش. خدایا، پیش انداختن و پس انداختن کارها به دست توست، معبودی جز تو نیست؛ به علم غیب خود و قدرتی که بر تمام خلائق داری تو را سوگند که تا وقتی می‌دانی زندگی برایم بهتر است مرا زنده نگه دار، و چون مردن را برایم بهتر دیدی مرا بمیران. خدایا بیم و ترس از خودت را در نهان و آشکار، و گفتار حق را در حال خشم و رضا، و میانه‌روی را در حال تنگدستی و وسعت از تو خواهانم، و از تو خواهانم نعمتی را که هرگز فنا نپذیرد، و روشنی چشمی که هرگز منقطع نگردد، و نیز رضا و خشنودی در برابر قضای حتمیت، و برکت مرگ بعد از زندگی، و زندگی گوارای پس از مرگ، و لذت نظر به خودت، و شوق دیدارت را بدون آنکه سختی در این راه به من رسد و یا آزمایش گمراه‌کننده‌ای برایم پیش آید از تو خواهانم. خدایا، ما را به زیور ایمان زینت بخش، و رهنمایی‌های رهیافته قرار ده.»

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۴

خداوند، ما را در زمره کسانی که هدایت کرده‌ای هدایت فرما. خدایا، عزمی راسخ و ثبات قدم و استقامتی در کار و هدایت را از تو می‌خواهم. و توفیق شکرگزاری در برابر نعمت‌ها، و عافیت نیکو، و ادا کردن حق خودت را از تو خواهانم. پروردگارا، و از تو قلبی سالم، و زبانی راستگو می‌خواهم، و در برابر آنچه از من می‌دانی آرمزش می‌طلبم، و از تو بهترین چیزی را که به آن دانایی خواستارم، از شر هر چه به آن عالمی به تو پناه می‌آورم، زیرا که تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم، و تو دانای نهان‌هایی.»

(۱)

دعای آن حضرت بعد از نافله صبح

(۲) ۳۸۷. على عليه السّلام فرمود: رسول خدا صلّى الله عليه و آله چون دو ركعت نافله صبح را قبل از نماز واجب صبح می‌خواند به پهلوی راست می‌خوابید و دست راستش را زیر گونه راست می‌نهاد، سپس می‌گفت:

استمسكت بعروة الله الوثقى التي لا-انفصام لها، و استعصمت بحبل الله المتين، اعوذ بالله من فورة العرب و العجم، و اعوذ بالله من شرّ شياطين الانس و الجنّ، توكلت على الله، طلبت حاجتى من الله، حسبى الله و نعم الوكيل، لا حول و لا قوّة الا بالله العليّ العظيم.

«چنگ زدم به دستاویز محکم خدا که هرگز پاره نمی‌شود، و چنگ زدم به ریسمان محکم خدا، و از خشم و تجاوز عرب و عجم، و از شر شیطان‌های انس و جنّ به خدا پناه می‌برم؛ بر خدا توکل کردم، حاجتم را از او طلبیدم، خدا مرا کافی است و خوب و کیلی است. هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست مگر به خدای والا و بزرگ.»

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۵

(۱)

دعای آن حضرت در تعقیب نماز صبح

(۲) ۳۸۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از خواندن نماز صبح فارغ می‌شد، با صدای بلند به طوری که اصحابش می‌شنیدند، سه بار می‌گفت:

اللَّهُمَّ اصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَةً

«خدایا، دینم را که وسیله نگهداریم قرار داده‌ای برایم محافظت فرما». و سه بار می‌گفت:

اللَّهُمَّ اصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي

«خدایا، دنیا را که زندگی مرا در آن قرار داده‌ای برایم اصلاح فرما». و سه بار می‌گفت:

اللَّهُمَّ اصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ إِلَيْهَا مَرْجِعِي

«خدایا، آخرتم را که بازگشت مرا به سوی آن قرار داده‌ای برایم نیکو گردان». و سه بار می‌گفت:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نَقْمَتِكَ

«خدایا، از خشم تو به رضایت، و از کیفر تو به عفو و بخشش پناه می‌برم». و در آخر می‌گفت:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ، لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ، وَلَا مَعْطَى لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ

«خدایا، به تو پناهنده می‌شوم، آنچه را عطا کنی چیزی نمی‌تواند مانع آن شود، و آنچه را باز داری چیزی بخشنده آن نمی‌تواند بود، و ثروت هیچ ثروتمندی در برابر تو برایش سودی ندارد».

(۳) ۳۸۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون نماز صبح را می‌خواند می‌گفت:

اللَّهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَ بَصْرِي، وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَ اَرْنِي ثَارِي مِنْ عَدُوِّي

«خدایا مرا از گوش و چشمم بهره‌مند گردان، و آن دو را وارث من قرار ده (آنها را پیش از مرگ از من بگیر)، و جلو چشمم انتقام مرا از دشمنم بگیر».

(۴)

ذکر آن حضرت بعد از نماز صبح

(۵) ۳۹۰. امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی نماز صبح را

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۶

می‌خواند تا طلوع آفتاب رو به قبله می‌نشست و به ذکر خدا مشغول می‌شد، و علی علیه السلام [برای رسیدگی به حوایج مردم] جلو می‌آمد و پشت سر پیغمبر رو به جمعیت می‌نشست و مردم از ایشان حوایج خودشان را سؤال می‌کردند و پاسخ می‌شنیدند. این چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان دستور داده بود.

(۱)

دعای آن حضرت بعد از نماز ظهر

(۲) ۳۹۱. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: از جمله دعاهای رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نماز ظهر این بود:

لا اله الا الله العظيم الحليم، لا اله الا الله رب العرش العظيم، والحمد لله رب العالمين. اللهم اني اسألك موجبات رحمتك، و عزائم

مغفرتک، و الغنیمه من کلّ خیر، و السّیّلامه من کلّ اثم. اللهم لا تدع لی ذنبا الا غفرتہ، و لا همّا الا فرّجتہ، و لا کربا الا کشفته، و لا سقما الا شفیتہ، و لا عیبا الا سترته، و لا رزقا الا بسطته، و لا خوفا الا آمنته، [و لا دینا الا قضیتہ] و لا سوءا الا صرفته، و لا حاجه هی لک رضی و لی فیها صلاح الا قضیتها، یا ارحم الراحمین، آمین ربّ العالمین.

«معبودی جز خدای عظیم و بردبار نیست، معبودی جز پروردگار عرش بزرگ نیست، و تمام ستایش‌ها مخصوص پروردگار جهانیان است. خدایا، وسائل رحمت، و برات آمرزش حتمیت، و بهره‌مندی از هر خیر، و سالم بودن از هر گناه را از تو می‌طلبم. خدایا، گناهی را بر من باقی منه مگر آنکه آن را آمرزیده باشی، و نه غصه‌ای را مگر آنکه زدوده باشی، و نه گرفتاری را مگر آنکه بر طرف کرده باشی، و نه بیماری را مگر آنکه شفا داده باشی، و نه عیبی را مگر آنکه پوشانده باشی، و نه روزی را مگر آنکه گسترش داده باشی، و نه ترسی را مگر آنکه از آن امنیت بخشیده باشی [و نه دینی را مگر آنکه ادا کرده باشی] و نه ناخوشایندی را مگر آنکه

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۷

دور ساخته باشی، و نه حاجتی را که مورد رضایت تو و صلاح من باشد مگر آنکه روا کرده باشی، ای مهربان‌ترین مهربانان، دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان».

(۱)

دعای آن حضرت در سجده

(۲) ۳۹۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون پیشانیش را برای سجده بر زمین می‌نهاد، می‌گفت: اللهم مغفرتک اوسع من ذنوبی، و رحمتک ارجی عندی من عملی، فاغفر لی ذنوبی یا حیّ یا قیوم.

«خدایا، آمرزش تو از گناهان من واسع‌تر، و رحمت تو در نظر من از کردارم امید بخش‌تر است. پس گناهانم را ببامرز، ای زنده‌ای که مرگ به او راه ندارد».

(۳)

دعای آن حضرت آن‌گاه که می‌خواست از نماز باز گردد

(۴) ۳۹۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله آن‌گاه که می‌خواست از نماز باز گردد با کف دست راست پیشانی خود را مسح می‌کرد، سپس می‌گفت:

اللّٰهُمَّ لک الحمد، لا اله الا انت، عالم الغیب و الشّهادة. اللّٰهُمَّ اذهب عَنّا الهمّ و الحزن و الفتن، ما ظهر منها و ما بطن.

«خدایا، تمام ستایش‌ها مخصوص توست، معبودی جز تو نیست که دانای نهان و آشکاری. خدایا، غم و اندوه و فتنه‌های پیدا و نهان را از ما برطرف ساز». بعد فرمود: کسی از امت من نیست که این عمل را به‌جا آورد مگر آنکه از خداوند - عزّ و جلّ - آنچه را بخواهد به او عطا می‌کند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۸

(۱)

دعای آن حضرت بعد از هر نماز

(۲) ۳۹۴. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از هر نماز می‌گفت:

اللَّهُمَّ اِنِّي اعوذ بك من علم لا ينفع، و قلب لا يخشع، و نفس لا تشع، و دعاء لا يسمع. اللَّهُمَّ اِنِّي اعوذ بك من هؤلاء الاربعة.

«خدایا، از دانشی که سود نبخشد، و دلی که خاشع نباشد، و جانی که سیر نگردد، و دعایی که شنیده نشود به تو پناه می آورم. خدایا، از این چهار چیز به تو پناه می آورم.»

(۳)

نماز و دعای آن حضرت در آغاز سال جدید

(۴) ۳۹۵. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله روز اول ماه محرم دو رکعت نماز می گزارد و چون از نماز فارغ می شد، دست هایش را بلند کرده و این دعا را سه بار می خواند:

اللَّهُمَّ انت الاله القديم، و هذه سنة جديدة، فاسألک فیها العصمة من الشيطان، و القوة على هذه النفس الامارة بالسوء، و الاشتغال بما يقربني اليک يا کریم، يا ذا الجلال و الاکرام، يا عماد من لا عماد له، يا ذخيرة من لا ذخيرة له، يا حرز من لا حرز له، يا غياث من لا غياث له، يا سند من لا سند له، يا كنز من لا كنز له، يا حسن البلاء، يا عظيم الرجاء، يا عز الصعفاء، يا منقذ الغرقى، يا منجى الهلكى، يا منعم يا مجمل، يا مفضل، يا محسن، انت الذى سجد لك سواد الليل، و نور النهار، و ضوء القمر، و شعاع الشمس، و دوى الماء، و حفيف الشجر. يا الله لا شريك لك. اللَّهُمَّ اجعلنا خيرا مّا يظنون، و اغفر لنا ما لا يعلمون، حسبى الله، لا اله الا هو، عليه توكلت و هو رب العرش العظيم، آمنا به، كل من عند ربنا، و ما يدكر الا اولوا الالباب. ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و هب لنا من لدنك رحمة، انك انت الوهاب.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۹

«خدایا، تویی معبود دیرین، و این سالی است جدید، پس از تو می خواهم که مرا در این سال از شر شیطان ننگه داری، و بر این نفسی که پیوسته به بدی فرمان می دهد پیروز گردانی، و به آنچه مرا به تو نزدیک می کند مشغول سازی، ای کریم، ای صاحب جلال و بزرگواری، ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، ای ذخیره کسی که ذخیره ای ندارد، ای ننگه دارنده کسی که ننگه دارنده ای ندارد، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای پشتیبان کسی که پشتیبانی ندارد، ای گنج کسی که گنجی ندارد. ای نیکو بخش، ای امید بزرگ، ای عزت ناتوانان، ای نجات بخش غرق شدگان، ای رهایی بخش هلاک شوندگان، ای نعمت بخش، ای نیکو بخش، ای زیاد بخش، ای نیکی کننده، تویی آن خداوندی که تاریکی شب و روشنایی روز و نور ماه و درخشندگی آفتاب و صدای آب و آوای درختان در برابر تو سجده می آرند. ای خدایی که شریکی نداری. خدایا، ما را بهتر از آنچه دیگران گمان می کنند قرار ده، و گناهان ما را که از آن آگاه نیستند بیامرز. خدا مرا کافی است، معبودی جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است، به او ایمان آورده ایم، همه چیز از نزد پروردگار ماست، لیکن تنها خردمندان می دانند.

پروردگارا، دلهای ما را پس از آنکه ما را هدایت کردی ملغزان، و از نزد خودت رحمتی به ما ارزانی دار، که تو تنها بخشنده ای.»

(۱)

دعای آن حضرت در شب نیمه ماه شعبان

(۲) ۳۹۶. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در شب نیمه شعبان چنین دعا می کرد:

اللَّهُمَّ اقسام لنا من خشيتك ما يحول بيننا و بين معصيتك، و من طاعتك ما تبغنا به رضوانك، و من اليقين ما يهون علينا به مصيبات الدنيا. اللَّهُمَّ متعنا باسماعنا و ابصارنا و قوتنا ما أحببنا، و اجعله الوارث منا، و اجعل ثارنا على من ظلمنا، و انصرنا على

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۰

من عادانا، و لا تجعل مصیبتنا فی دیننا، و لا تجعل الدنیا اکبر همنا، و لا مبلغ علمنا، و لا تسلط علینا من لا یرحمنا، برحمتک یا ارحم
الرحمین

. «خدایا، از خشیت و خوف به قدری در دل ما قرار ده که مانع از معصیت و نافرمانی ما شود، و از اطاعت و فرمانبرداریت به اندازه‌ای ما را بهره‌مند ساز که موجب رضایت و خشنودی تو از ما گردد، و از یقین به قدری به ما مرحمت کن که با داشتن آن تمام مصیبت‌های دنیا بر ما آسان شود. خدایا، تا زنده‌ایم ما را از چشم و گوش و توانایی مان بهره‌مند ساز، و آنها را وارث ما قرار ده (آنها را پیش از مرگ از ما مگیر)، و انتقام ما را از آن کس که بر ما ستم می‌کند بگیر، و ما را بر دشمنان یاری ده، و بلا و مصیبت ما را در دین ما قرار مده، و دنیا را بزرگترین هم و غم و منتهای دانش ما مگردان، و کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مساز، به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان».

(۱)

دعای آن حضرت موقع دیدن ماه نو

(۲) ۳۹۷. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی نظرش به هلال ماه می‌افتاد، دستها را بلند کرده، و می‌گفت:
بسم الله. اللهم اهله علينا بالامن والایمان، والسلامة والاسلام، ربی و ربک الله.

«به نام خدا. خدایا، هلال این ماه را برای ما همراه با امنیت و داشتن ایمان و سلامتی و بهره‌مند شدن از اسلام قرار داده. [ای ماه] پروردگار من و تو خدای یگانه است».

(۳)

دعای آن حضرت موقع دیدن هلال ماه رمضان

(۴) ۳۹۸. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی استهلال ماه رمضان می‌کرد، رو

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۱

به قبله می‌ایستاد و می‌گفت:

اللهم اهله علينا بالامن والایمان، والسلامة والاسلام، و العافیة المجللة، و دفاع الاسقام، و العون علی الصلاة و الصیام و تلاوة القرآن.
اللهم سلمنا لشهر رمضان، و تسلمه منا، و سلمنا فيه حتى ینقضی عنّا شهر رمضان و قد عفوت عنّا و غفرت لنا و رحمتنا.

«خدایا، هلال این ماه را برای ما همراه امنیت و ایمان و سلامتی و اسلام و عافیت فراگیر و دفع بیماری‌ها و یاری بر انجام نماز و روزه و تلاوت قرآن قرار ده.

خدایا، ما را برای انجام اعمال ماه رمضان سالم به این ماه برسان، و آن را نیز سالم از ما دریافت دار، و ما را در آن سالم بدار تا ماه رمضان تمام شود در حالی که از ما عفو کرده و مغفرت و رحمتت را شامل حالمان کرده باشی».

(۱)

ذکر آن حضرت در هر روز

(۲) ۳۹۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز سیصد و شصت بار، به تعداد رگهای بدن، حمد خدا می‌کرد و می‌گفت:

الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال.

«در تمام حالات و به طور فراوان حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان باد».

(۳) ۴۰۰. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در بدن آدمی زاده سیصد و شصت رگ وجود دارد، که یک صد و هشتاد رگ آن متحرک و یک صد و هشتاد رگ دیگر ساکن است؛ اگر رگ‌های متحرک ساکن شوند، یا بالعکس رگ‌های ساکن متحرک گردند آدمی خوابش نمی‌برد. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله چون صبح می‌کرد سیصد و شصت مرتبه می‌گفت:

الحمد لله كثيرا على كل حال

. «در تمام حالات و به طور فراوان حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان باد». و چون شب فرا می‌رسید ذکر گذشته را نیز به همان شماره تکرار می‌فرمود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۲

(۱) ۴۰۱. علی علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز صبح وقتی آفتاب طلوع می‌کرد، سیصد و شصت بار برای شکر خدا می‌گفت:

الحمد لله رب العالمين كثيرا طيبا على كل حال.

«در تمام حالات و به طور پاکیزه و فراوان، حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان باد».

(۲)

عمل دیگری از آن حضرت در شب نیمه شعبان

(۳) ۴۰۲. یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که نوبت من بود آهسته از رختخواب بیرون رفت به طوری که من نفهمیدم. پس از آنکه بیدار شدم غیرت زنانه مرا در گرفت و پنداشتم که در حجره یکی دیگر از زنانش رفته است، ناگاه چشمم به آن حضرت افتاد که مانند جامه‌ای که بر زمین افتاده باشد، روی انگشتان پا به سجده رفته و در حال سجده می‌گوید:

أصبحت اليك فقيرا خائفا مستجيرا، فلا تبدل اسمي، ولا تغير جسمي، ولا تجتهد بلائي، و اغفر لي.

«پیوسته به تو فقیر و نیازمندم، و همیشه از تو ترسان و به تو پناهنده‌ام، پس نامم را از زمره نیکان بر مگردان، و جسمم را تغییر مده، و به آزمون دشوارم می‌فکن، و مرا بیامرز».

سپس سر از سجده برداشت و دوباره به سجده رفت، شنیدم که این بار می‌گفت:

سجد لك سوادى و خيالى، و آمن بذلك فؤادى، هذه يدای بما جنيت على نفسى. يا عظيم ترجى لكل عظيم، اغفر لى ذنبى العظيم، فانه لا يغفر الذنب العظيم الا العظيم.

«جسم و شبخ من هر دو برایت سجده کرده، و دلم به آن ایمان آورده، اینک این دو دستم [که در پیشگاهت به خاک افتاده] در برابر آن جنایتی که بر خود کرده‌ام. ای خدای بزرگی که امید به انجام هر کار بزرگی به توست، گناه بزرگ مرا ببخش، که جز خدای بزرگ، گناه بزرگ را نیامرز».

سپس سر از سجده برداشت و برای بار سوم به سجده رفت، شنیدم که

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۳

می‌گفت:

اعوذ بعفوك من عقابك، و اعوذ برضاك من سخطك، و اعوذ بمعافاتك من عقوبتك، و اعوذ بك منك. انت كما اثبت على

نفسک، و فوق ما يقول القائلون.

«از عذاب تو به گذشت، و از خشم تو به رضا و خشنودیت، و از کيفر تو به عفو و بخششت، و از ذات مقدست به ذات مقدس خودت پناه می‌آورم. تو چنانی که خود ثنای خود گفته‌ای، و برتر از آنی که دیگران می‌گویند».

(۱) بعد سر از سجده برداشت و برای بار چهارم به سجده رفت و گفت:

اللَّهُمَّ اِنِّي اعوذ بنور وجهك الّذى اشرفت له السّماوات و الارض، و قشعت به الظّلمات، و صلح به أمر الاولين و الآخريين، ان يحلّ عليّ غضبك، او ينزل عليّ سخطك.

اعوذ من زوال نعمتك، و فجاءة نعمتك، و تحويل عافيتك، و جميع سخطك.

لك العتبي فيما استطعت، و لا حول و لا قوّة الا بك.

«خدایا، به نور وجهت که آسمانها و زمین با آن روشن شده و تاریکی‌ها با آن زایل گشته و کار اولین و آخرین با آن به صلاح آمده پناه می‌آورم از اینکه غضبت بر من فرود آید، و یا عذابت بر من نازل شود. خدایا، از زوال نعمت، و از عذاب ناگهانیت، و تغییر یافتن سلامتی دادنت، و از هر خشم و غضبت به تو پناه می‌آورم. در حد توانم از تو عذر می‌خواهم؛ و هیچ نیرو و توانی بر ترک و عمل نیست مگر به واسطه ذات مقدس تو».

چون این حال را از آن حضرت دیدم او را رها کرده، به سرعت به منزل برگشتم به طوری که نفسم به شماره افتاد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنبال من رسید و فرمود:

چرا نفست به شماره افتاده؟! عرض کردم: یا رسول الله، نزد شما [و ناظر اعمالتان] بودم. فرمود: آیا می‌دانی امشب چه شبی است؟! شب نیمه شعبان است که در آن اعمال آدمی معین، روزی‌ها تقسیم و عمرها نوشته می‌شود و خدای متعال گناه همه کس را می‌بخشد مگر مشرک و باجگیر (یا کینه‌ورز) و قاطع رحم و شرابخوار و کسی که اصرار بر انجام گناهی دارد و شاعر [بیهوده گو] و کسی که شغل کفالت و

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۴

غیبگویی را انتخاب کرده است «۱».

(۱)

ذکر آن حضرت در هر صبح و شام

(۲) ۴۰۳. روایت شده که چون علی بن الحسین علیهما السّلام را نزد یزید بردند، یزید تصمیم گرفت گردن آن حضرت را بزند، از این رو امام را در مقابل خود نگاه داشته، با او سخن می‌گفت تا او را به حرف آورد و کلمه‌ای از آن حضرت بشنود که بدان بهانه او را بکشد، اما زین العابدین علیه السّلام به تمام سخنان یزید پاسخ می‌داد در حالی که تسبیح کوچکی را که در دست داشت با انگشتان می‌گردانید. یزید گفت: من دارم با تو سخن می‌گویم و تو در پاسخ من با بی‌اعتنایی تسبیح می‌گردانی؟! این چگونه رواست؟! حضرت فرمود: پدرم از جدم نقل کرد که چون از نماز صبح و تعقیبات آن فارغ می‌شد، با کسی سخن نمی‌گفت تا اینکه تسبیح را در برابر خود می‌گرفت و می‌گفت:

اللَّهُمَّ اِنِّي اصبحت استبّحک و امجدک و احمّدک و اهللک بعدد ما ادير به سبحتی

«خدایا، صبح کردم در حالی که به اندازه گردش دانه‌های تسبیح خود تو را تسبیح و تمجید می‌کنم، و به گفتن حمد و ذکر توحید تو می‌پردازم». آن گاه دانه‌های تسبیح را گردش می‌داد و با مردم سخن می‌گفت بدون آنکه ذکر گذشته را تکرار کند، و فرمود: با این کار به شماره گردش دانه‌های تسبیح برایش ذکر خدا حساب می‌شود و آن سبب حفظ و حراست اوست تا وقتی که به بستر

خواب رود، و چون به بستر می‌رفت در آن هنگام نیز تسییح را می‌گرفت و ذکر گذشته را تکرار می‌کرد و تسییح را زیر سر خود می‌نهاد و با این کار تا صبح ذکر خدا در نامه اعمال او نوشته می‌شد. من نیز تسییح را می‌گردانم تا اقتدا به عمل جدم کرده باشم. یزید پس از شنیدن

(۱) مانند این حدیث از حضرت صادق علیه السلام نیز نقل شده، لیکن متن دعاها در آن نسبت به حدیث گذشته بسیار تفاوت دارد. زمخشری هم در کتاب «فائق» همان معنی را با حذف دعا روایت کرده است. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۵

پاسخ امام مکرر گفت: با هیچ کدامتان سخن نمی‌گویم مگر اینکه پاسخی می‌دهد که به نفع او تمام می‌شود! بالاخره از کشتن آن حضرت منصرف شد و امر کرد تا بندها را از آن حضرت بردارند.

(۱) مؤلف: از ظاهر روایت برمی‌آید که مقصود امام زین العابدین علیه السلام از کلمه «جدم» رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله بوده است.

(۲)

دعا و تعویذ آن حضرت برای سر درد

(۳) ۴۰۴. امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه کسالت یا سر دردی به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله دست می‌داد، دستها را می‌گشود و سوره حمد و معوذتین (الفلق و الناس) را می‌خواند و دستها را به صورت می‌کشید، پس ناراحتیش برطرف می‌شد.

(۴)

دعا و تعویذ آن حضرت برای تب و سایر دردها

(۵) ۴۰۵. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در هنگام تب و سایر دردها خود را به این دعا تعویذ می‌کرد:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عَرَقِ نَعَارٍ، وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ

«خدایا، من از شرّ رگی که خون به شدت در آن جریان دارد، و از شرّ سوزش آتش [دوزخ] به تو پناه می‌آورم».

(۶)

دعا و تعویذ آن حضرت برای تب

(۷) ۴۰۶. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله به تب سختی دچار شد، جبرئیل آمد و او را با این دعا تعویذ کرد:

بِسْمِ اللّٰهِ اَرَقِيْكَ، بِسْمِ اللّٰهِ اَشْفِيْكَ مِنْ كُلِّ

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۶

داء يؤذيك، و اللّٰه شافيك، بِسْمِ اللّٰهِ خذها فلتَهْتِيْكَ. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، وَ فَلَاقِسْمِ بِمَوَاقِعِ النُّجُوْمِ وَ اِنَّهٗ لِقِسْمٌ لِّوَعْلَمُوْنَ عَظِيْمٍ، لَتَبْرَأَنَّ بِاِذْنِ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ

«با نام خدا تو را تعویذ می‌کنم و پناه می‌دهم، با نام خدا برایت از هر درد که آزارت می‌رساند شفا می‌خواهم، و خداوند شفا دهنده توست، به نام خدا این تعویذ را بگیر که تو را گوارا باد. به نام خداوند بخشنده مهربان، سوگند به جایگاه ستارگان، که آن به

حقیقت قسمی بزرگ است اگر بدانید؛ حتما به اذن خداوند بهبود خواهی یافت».

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست و از بند تب نجات پیدا کرد. آن گاه فرمود: ای جبرئیل، تعویذی بلیغ بود! جبرئیل عرضه داشت: آن از خزانه‌ای است که در آسمان هفتم است.

(۱)

دعا و تعویذ آن حضرت برای دفع سحر

(۲) ۴۰۷. ابن عباس گوید: لیبید بن اعصم برای رسول خدا صلی الله علیه و آله جادو کرد و آن را در چاه بنی زریق پنهان نمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله مریض شد؛ موقعی که آن حضرت خوابیده بود دو ملک آمده، یکی بالای سر و دیگری پایین پای حضرت نشست و حضرت را به وضع جادو خبر داده گفتند: جادو در میان جلد شکوفه خرما قرار داده شده و در ته چاه «ذروان» زیر سنگی نهاده شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله از خواب بیدار شد و علی علیه السلام را با زبیر و عمار فرستاد تا آن را بیرون آورند. علی علیه السلام با همراهان آب چاه را کشیده سنگ ته چاه را بلند کردند و جادو را در زیر آن پیدا کرده، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند. در میان جلد شکوفه خرما مقداری از موی سر پیغمبر (که موقع شانه زدن ریخته بود) با چند دندان از دندان‌های شانه آن حضرت وجود داشت که به آنها یازده گره با سوزن دوخته شده بود. پس این دو سوره (قل أعوذ برب الفلق، و قل أعوذ برب الناس) بر حضرت نازل شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر آیه‌ای که

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۷

خواند یکی از آن گره‌ها باز شد، پس از باز شدن تمام آنها رسول خدا صلی الله علیه و آله سبک شد و مانند کسی که بند از او برداشته باشند از جا جست. جبرئیل نیز شروع کرد آن حضرت را با این کلمات تعویذ نمودن:

بسم الله ارقیک، من کل شیء یؤذیک، من حاسد و عین و الله یشفیک

«با نام خدا تو را از شر هر چه موجب آزار توست تعویذ می‌کنم، و خداوند تو را از شر هر حسود و چشم زخمی شفا کرامت می‌کند».

(۱)

دعا و تعویذی دیگر

(۲) ۴۰۸. از امام حسن عسکری علیه السلام نقل است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بر گوشت ذراع (دست گوسفند) که زنی یهودی آن را مسموم کرده بود کشید و گفت:

بسم الله الشافی، بسم الله الکافی، بسم الله المعافی، بسم الله الندی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء، و هو السميع العلیم.

«به نام خداوند شفا بخش، به نام خداوند کفایت‌کننده، به نام خداوند عافیت‌دهنده، به نام خدایی که با یاد کردن نامش هیچ چیز در زمین و آسمان ضرر نمی‌رساند، و اوست شنوا و دانا». سپس فرمود: بخورید با نام خدا. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و همراهان همگی از آن خوردند تا سیر شدند و هیچ زبانی به آنان نرسانید «۱».

(۳)

دعای آن حضرت موقع گرفتاری و غم

(۴) ۴۰۹. علی علیه السلام فرمود: وقتی گرفتاری یا هم و غمی به رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می‌شد، این دعا را می‌خواند:
یا حی یا قیوم، یا حی لا یموت، یا حی، لا اله الا انت،

(۱) بشر بن براء بن معرور [پیش از اذان پیامبر صلی الله علیه و آله] از آن خورد و مسموم شد و از دنیا رفت. (سیره ابن هشام ۳/ ۳۵۲، بحار الانوار، ۱۹/ ۳۲۱)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۸

کاشف الهم، مجیب دعوه المضطربین، أسألك بأن لك الحمد، لا اله الا انت المنان بديع السموات و الارض، ذو الجلال و الاکرام، رحمان الدنيا و الآخرة و رحيمهما. رب ارحمني رحمه تغيني بها عن رحمه من سواك، يا ارحم الراحمين . «ای خدای زنده و پاینده‌ای که حیات و قوام هر چیز به دست توست، ای خدایی که مرگ به او راه ندارد. ای خدای زنده، خدایی جز تو نیست که برطرف کننده هر غم و اندوه، و اجابت کننده دعای درماندگانی، از تو درخواست می‌کنم، زیرا که تمام ستایش و حمدها مخصوص توست، خدایی جز تو نیست که نعمت بخش و آفریننده آسمان و زمین و صاحب جلال و بزرگواری، و بخشنده و مهربان در دنیا و آخرت هستی، پروردگارا، رحمتی شامل حال من کن که با آن از رحمت دیگرانم بی‌نیاز سازی، ای مهربان‌ترین مهربانان».

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر مسلمانی که این دعا را سه بار بخواند خواسته‌اش برآورده می‌شود مگر آنکه درخواست گناه و یا قطع رحمی کرده باشد.

(۱)

دعای آن حضرت برای حفظ قرآن

(۲) ۴۱۰. علی علیه السلام فرمود: این دعا از دعاهای رسول خدا صلی الله علیه و آله است:

اللهم ارحمني بترك معاصيك ما ابقيتني، و ارزقني حسن النظر فيما يرضيك عني، و الزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني، و اجعلني اتلوه على النحو الذي يرضيك عني. اللهم نور بكتابك بصري، و اشرح به صدري، و فرح به قلبي، و اطلق به لساني، و استعمل به بدني، و قوني على ذلك، فانه لا حول و لا قوة الا بك

. «خدایا، مرا با ترک گناهان و نافرمانی خودت تا زنده هستم، شایسته رحمت خود ساز و توجه خوبی به آنچه تو را از من خشنود می‌سازد روزیم فرما، و چنان که قرآن را به من آموخته‌ای دلم را پیوسته حافظ آن قرار ده، و مرا به تلاوت آن به نحوی که

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۹

باعث خشنودی توست موفق دار. خدایا، دیدگانم را به قرآنت روشن، و سینه‌ام را با آن باز و پذیرا، و دلم را به آن شاد، و زبانم را به قرآن گویا ساز، و بدنم را بر عمل کردن به آن وادار، و مرا بر این کار نیرو ده، که هیچ نیرو و توانی بر ترک و عمل نیست جز به ذات مقدس تو».

(۱)

دعای آن حضرت برای محفوظ ماندن از شر دشمنان

(۲) ۴۱۱. حجاب رسول خدا صلی الله علیه و آله (یعنی دعایی که برای محفوظ ماندن از شر دشمنان می‌خواند) این بود:

و جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه و في آذانهم وقرا. و اذا ذكرت ربيك في القرآن وحده ولّوا على ادبارهم نفورا. «۱) اللهم بما

واریت الحجب من جلالک و جمالک، و بما اطاف به العرش من بهاء کمالک، و بمعاهد العز من عرشک، و بما تحیط به قدرتک من ملکوت سلطانتک، یا من لا راد لامره، و لا معقب لحکمه، اضرب بینی و بین اعدائی بسترک الذی لا تفرقه العواصف من الزیاح، و لا تقطعه البواتر من الصیفاح، و لا تنفذه عوامل الزماح. حل یا شدید البطش بینی و بین من یرمینی بخواقفه، و من تسری الی طوارقه، و فرج عنی کل هم و غم. یا فارح هم یعقوب، فرج عنی. یا کاشف ضر ایوب اکشف ضری، و اغلب لی من غلبنی یا غالباً غیر مغلوب. و رد الله الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرا، و کفی الله المؤمنین القتال، و کان الله قویاً عزیزاً (۲). فایدنا الذین آمنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرين (۳).

«ما یر دلهای کافران حجاب‌هایی افکنده‌ایم که قرآن را نمی‌فهمند و در

(۱) اسراء / ۴۶.

(۲) احزاب / ۲۵.

(۳) صف / ۱۴.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۰

گوش‌های آنان سنگینی نهاده‌ایم (که نمی‌شنوند). و چون خدا را در قرآن به تنهایی یاد می‌کنی آنان از نفرت به تو پشت می‌کنند». خدایا، تو را به آن جلال و جمالت که در پس حجابها مستور است، و به آن نور کمالت که عرش آن را احاطه نموده، و به جایگاه عزت و شرافتی که در عرش قدرتت جای دارد، و به ملکوت سلطانت که قدرتت آن را احاطه کرده سوگند می‌دهم، ای خدایی که امر و فرمانت را ردکننده‌ای، و حکم و قضاوتت را برگشت دهنده‌ای نیست، بین من و دشمنانم حجاب خودت را قرار ده، حجابی که بادهای تند توانایی متفرق ساختن، و شمشیرهای تیز قدرت قطعه قطعه کردن، و سر نیزه‌های کاری نیروی نفوذ کردن در آن را نداشته باشند. ای خدای سخت حمله‌کننده و به چنگ آورنده، بین من و کسانی که مرا هدف تیرهای خود قرار می‌دهند، و بلاهای عظیم شبانگاه را به سوی من سرازیر می‌کنند حایل شو، و هر غم و اندوهی را از من بر طرف ساز، ای خدایی که غم یعقوب را برطرف ساختی، غم و غصه را از من برطرف فرما. ای خدایی که گرفتاری و بیماری ایوب را برطرف کردی، گرفتاری مرا مرتفع گردان. ای خدای پیروزی که هیچ‌گاه مغلوب نمی‌شوی، مرا بر هر دشمنی که دارم پیروز گردان. «و خدا کافران را خشمناک در حالی که به فتیحی نائل نشده بودند باز گردانید، و خداوند بار جنگ را از دوش مؤمنان برداشت، و خداوند نیرومند و عزیز است.» «پس مؤمنان را بر دشمنانشان یاری دادیم به طوری که بر دشمن پیروز شدند.»

(۱)

ملحقات

اشاره

(۲) ۳۶۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله بر نمی‌خاست و نمی‌نشست مگر به یاد خدا.

(۳) ۳۶۸ حضرت امام رضا علیه السلام به اصحاب خود می‌فرمود: بر شما باد به همراه داشتن اسلحه و سلاح پیامبران. عرض شد:

اسلحه پیامبران چیست؟ فرمود: دعا

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۱

کردن.

- (۱) (۳۶۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام دعا کردن چنان تضرع و زاری می‌کرد که نزدیک بود عبا از دوش او بیفتد.
- (۲) (۳۷۰) امام باقر علیه السّلام فرمود: ما اهل بیت دعا می‌کنیم و از خداوند آنچه را دوست داریم درخواست می‌کنیم، اما هنگامی که قضای الهی بر خلاف میل ما واقع شد همان را می‌پسندیم و با آنچه محبوب خداست مخالفت نمی‌ورزیم.
- (۳)

دعای آن حضرت هنگام صبح

- (۴) (۳۷۱) امام صادق علیه السّلام فرمود: سه جمله دعا هست که پیغمبران از آدم علیه السّلام به بعد، دست به دست گرفتند تا به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و حضرت در صبح آن دعا را می‌خواند:
- اللّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ اِيْمَانًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَ يَقِيْنًا حَتَّى اعْلَمَ اَنَّهُ لَا يَصِيْبُنِي اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَ رِضْوَانًا بِمَا قَسَمْتَ لِي.
- «خدایا، از تو ایمانی می‌طلبم که با آن همیشه در دلم باشی، و یقینی می‌خواهم که به واسطه آن بدانم که جز آنچه تو برایم مقرر کرده‌ای به من نمی‌رسد. و مرا به داشتن آنچه قسمت من کرده‌ای خوشنود ساز.»
- (۵) (۳۷۲) (مانند دعای ۳۹۵. است)
- (۶)

تعویذ رسول خدا صلی الله علیه و آله

- (۷) (۳۷۳) امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السّلام را با این کلمات تعویذ می‌کرد و دستور می‌داد اصحابش نیز [خود و اولادشان را] با آن تعویذ کنند:
- بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، اعِيْذُ نَفْسِيْ وَ دِيْنِيْ وَ اَهْلِيْ وَ مَالِيْ وَ وِلْدِيْ وَ خَوَاتِيْمَ عَمَلِيْ وَ مَا رَزَقْنِيْ رَبِّيْ وَ خَوْلَتْنِيْ، بَعْرَةَ اللّٰهِ وَ عَظْمَةَ اللّٰهِ وَ جَبْرُوْتَةَ اللّٰهِ وَ

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۲

سلطان الله و رحمته الله و رأفته الله و غفران الله و قوه الله و قدرة الله، و بآلاء الله و بصنع الله و باركان الله و بجمع الله عزّ و جلّ، و برسول الله صلی الله علیه و آله و قدرة الله علی ما یشاء، من شرّ السّامیه و الهامیه، و من شرّ الجنّ و الانس، و من شرّ ما دبّ فی الارض، و من شرّ ما یشاء منها، و من شرّ ما ینزل من السّماء و ما یرج فیها، و من شرّ کلّ دایئه ربّی آخذ بناصیتها، انّ ربّی علی صراط مستقیم، و هو علی کلّ شیء قدير، و لا حول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم، و صلی الله علی سیدنا محمّد و آله.

«به نام خداوند بخشنده مهربان، جان و دین و اهل و مال و اولاد و عاقبت کار و آنچه را که پروردگارم روزی من ساخته و به من بخشیده است، همه را در پناه عزت و عظمت و جبروت و سلطنت و رحمت و رأفت و مغفرت و قوت و قدرت خدای متعال قرار داده، و به نعمتها و احسان و ارکان و الفت خدا و به رسول خدا صلی الله علیه و آله [؟] و قدرت خدا که بر هر چه خدا بخواهد نافذ است سپردم، از شر حیوان زهردار و بی‌زهر، و از شرّ جنّ و انس، و از شرّ آنچه در دل زمین حرکت می‌کند و آنچه از آن بیرون می‌آید، و از شرّ آنچه از آسمان فرود می‌آید و آنچه به آن بالا می‌رود، و از شرّ هر جاننداری که زمامش به دست پروردگارم می‌باشد؛ که همانا پروردگارم بر راه راست است و او بر همه چیز تواناست، و هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به خدای والا و بزرگ، و درود خدا بر سرورمان محمّد و آل او باد.»

تعویذ دیگر در گرفتاری‌ها و در کلیه ناراحتی‌ها و شاداید

(۲) (۳۷۴) جابر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون دچار غم و ناراحتی می‌شد و یا از جانب مشرکین به مشکلی برمی‌خورد دست مبارکش را می‌بست و فشار می‌داد و

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۳

می‌گفت: تنگ شو، باز شو. سپس رو به قبله می‌ایستاد و دست خود را بلند می‌کرد و می‌گفت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ أَيُّكَ نَعْبُدُ وَأَيُّكَ نَسْتَعِينُ. اللَّهُمَّ كَفِّ بِأَسِ الدِّينِ كَفْرًا، فَإِنَّكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا

«به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به خدای والا- و بزرگ. بار الهی، تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جویم. بار الهی، قدرت و نیروی کافران را دفع فرما، که نیرو و قدرت تو از همه سخت‌تر است.»

جابر گفت: به خدا قسم دست مبارکش را باز نمی‌کرد مگر آنکه فرج می‌رسید.

(۱)

دعای آن حضرت چون از امری محزون می‌گشت (دعای فرج)

(۲) (۳۷۵) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از امری محزون می‌گشت این دعا را می‌خواند؛ و به آن دعای فرج گفته می‌شد:

اللَّهُمَّ احْرَسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اكْفِنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يَرَامُ، وَ ارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ، وَ لَا اَهْلِكَ وَ انْتِ رَجَائِي. فَكَمْ مِنْ نِعْمَةٍ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَهَا شُكْرِي، وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ اَبْتَلَيْتَنِي قَلَّ لَكَ بِهَا صَبْرِي. فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرَمْنِي، وَ يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلِيَّتِهِ صَبْرِي فَلَمْ يَخْذَلْنِي، وَ يَا مَنْ رَأَى عَلَيَّ الْخَطَايَا فَلَمْ يَفْضَحْنِي، اَسْأَلُكَ اَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ.

اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَيَّ دِينِي بِالْدُّنْيَا، وَ عَلَيَّ الْآخِرَةَ بِالتَّقْوَى، وَ احْفَظْنِي فِيمَا غَبَتْ عَنْهُ، وَ لَا تَكُنْ لِي فِيهَا نَفْسِي فِيمَا حَضَرْتَهُ، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الدُّنُوبُ، وَ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ، هَبْ لِي مَا لَا يَنْقُصُكَ، وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، اُنْكَ رَبُّ وَهَابٍ. اَسْأَلُكَ فِرْجًا قَرِيبًا،

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۴

و صبورا جميلا، و رزقا واسعا، و العافية من جميع البلاء، و شكر العافية

. «خدایا، با دیده‌ات که هرگز به خواب نمی‌رود مرا پاسداری کن، و با ستون محکمت که هرگز خراب نمی‌شود نگاهم دار، و به قدرتت بر من رحم کن، و با امیدی که به تو دارم مبادا هلاک شوم. چه بسیار نعمت‌هایی به من کرامت فرمودی که در برابرش شکرگزاری مناسبی نکردم، و چه ابتلائاتی بر من وارد ساختی که در برابر آنها صبر و بردباری درستی نمودم. پس ای خدایی که در برابر کفران نعمت محروم نکردی، و ای خدایی که در مقابل کم‌صابری در بلایت خوارم نساختی، و ای خدایی که مرا بر انجام گناهان بی‌باک یافتی و رسوایم نمودی، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی.

خدایا، دنیا را وسیله اعانت بر دینم قرار ده، و پرهیزکاری را موجب سعادت آخرتم نما، آنچه به من کرامت کردی و فعلا از من غایب است همه را نگهداری کن، و در حفظ آنچه به من مرحمت کردی و در نزد من حاضر است به خود وامگذار. ای کسی که گناهان به او ضرری نمی‌رساند، و آمرزش خطاهای بندگان از او چیزی نمی‌کاهد، آنچه را که چیزی از تو نمی‌کاهد به من ارزانی دار، و آنچه را برای ضرری ندارد بر من ببخش، که تو پروردگار بخشنده‌ای. از تو گشایشی نزدیک، صبری نیکو، رزقی وسیع، عافیت از همه بلاها و شکر در برابر عافیت را مسألت دارم.»

(۱)

دعای آن حضرت موقع دیدن هلال

(۲) (۳۷۶) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون چشمش به هلال می افتاد می فرمود:
 أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمَطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمَتَصَرِّفُ فِي مَلَكُوتِ الْجَبْرُوتِ بِالتَّقْدِيرِ، رَبِّي وَرَبِّكَ اللَّهُ. اللَّهُمَّ اهْلِهِ عَلَيْنَا بِالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِحْسَانِ،

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۵

و كما بلغتنا أوّله فبلغنا آخره، و اجعله شهرا مباركا تمحو فيه السيئات، و ترفع لنا فيه الدرجات، يا عظيم الخيرات.
 «ای آفریده مطیع و کوشا و سریع که در ملکوت آسمان با تقدیر الهی در گردش. پروردگار من و تو خداست. خدایا، این ماه را بر ما، ماه امن و ایمان و سلامت و احسان قرار ده، و چنان که ما را به آغازش رساندی به آخرش نیز برسان، و آن را ماهی مبارک قرار ده که در آن گناهانمان را ببخشی و درجاتمان را بالا ببری، ای خدایی که خیرات بسی بزرگ است.»

(۱) (۳۷۷) - (۳۹۹) (این دعاها به جهتی که در مقدمه ذکر شد، حذف گردید.)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۶

(۱)

ملحقات حج

(۲) (۴۰۰) ابان از حضرت صادق علیه السلام پرسید: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله شبانه روز تعداد معینی طواف انجام می داد؟
 فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله شبانه روز ده مرتبه، و هر مرتبه هفت بار دور خانه کعبه طواف می نمود، سه مرتبه اول شب، سه مرتبه آخر شب، دو مرتبه صبح و دو مرتبه بعد از ظهر، و در فاصله آنها استراحت می کرد.

(۳) (۴۰۱) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر طواف واجب و مستحبی «حجر الاسود» را با کف دست مسح می کرد.

(۴) (۴۰۲) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله جز دو رکن «حجر الاسود» و «رکن یمانی» را مسح نمی کرد، و پس از مسح آنها را می بوسید و صورت مبارکش را بر آنها می نهاد. پدرم را نیز دیدم که چنین می کرد.

(۵) (۴۰۳) (مانند ۴۰۲ است).

(۶) (۴۰۴) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی در مدینه بود، اظهار تمایل می کرد که برایش آب زمزم هدیه بیاورند.

(۷) (۴۰۵) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ذی المعارج (سوره معارج) را زیاد می خواند. و هر وقت

سواره‌ای را می دید و یا از تلی بالا می رفت و یا سرازیر

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۷

می شد و در آخر شب و در تعقیب نمازها تلبیه می گفت ...

(۱) (۴۰۶) جابر بن عبد الله گوید: تلبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ.

(۲) (۴۰۷) از یکی از دو امام (امام صادق و امام باقر علیهما السلام) روایت شده:

رسول خدا صلی الله علیه و آله دو قوچ شاخ‌دار بزرگ و نر که دهان و چشمانش سیاه و مشکی بود قربانی می کرد ...

(۳) ۴۰۸ امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روز قربانی سرش را می تراشید و ناخنهایش را می گرفت و شارب و اطراف محاسن خود را مقداری کوتاه می کرد.

(۴) ۴۰۹ گرفتن ناخنها و کوتاه کردن شارب و تراشیدن موی زیر شکم در احرام سنّت است.

(۵) ۴۱۰ از سنّت است مردمی که در شهرها (ی غیر مکه) هستند و امام و پیشوا ندارند، عصر روز عرفه دور هم جمع شوند و خدا را بخوانند و دعا کنند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۸

(۱)

نوادر ملحقات

(۲) ۴۱۱ امام صادق علیه السّلام فرمود: روش رسول خدا صلی الله علیه و آله آن بود که اگر بچه شتر دو ساله‌ای مقروض بود، به جای آن شتر هفت ساله می داد (یا اگر دو درهم مقروض بود چهار درهم می پرداخت).

(۳) ۴۱۲ امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون فضیلتی از فضایل خود را به زبان می آورد می فرمود: با داشتن این فضیلت فخری نمی فروشم.

(۴) ۴۱۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یکی از سنن این است که شخص مؤمن در روز عید غدیر صد مرتبه این ذکر را بگوید:

الحمد لله الذي جعل كمال دينه و تمام نعمته بولاية أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام

«سپاس و ستایش خدایی را که دین و نعمتش را به ولایت علی علیه السلام کامل و تمام ساخت.»

(۵) ۴۱۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عیادت بنی هاشم (سادات) واجب، و زیارت آنان سنّت است.

(۶) ۴۱۵ از امام صادق علیه السّلام در باره ذبح گوسفندی که ایستاده است سؤال شد، فرمود: سزاوار نیست چنین ذبح شود، سنّت بر این است که به طرف قبله بخوابانند.

(۷) ۴۱۶ امام رضا علیه السلام فرمود: ما اهل بیت وعده‌های خود را بر خویشان دین

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۹

حساب می کنیم چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله می کرد.

(۱) ۴۱۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله چون صدای رعد را می شنید می گفت:

سبحان من يسبح الرعد بحمده.

«پاک و منزّه است خدایی که رعد، حمد و تسبیح او می گوید.»

(۲) ۴۱۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله چون صدای رعد و برق را می شنید می گفت:

اللهم لا تقتلنا بغضبك، ولا تهلكنا بعذابك، و عافنا قبل ذلك

«خدایا ما را به خشم خود نمیران، و به عذابت هلاک مگردان، و پیش از آن ما را عافیت بخش.»

(۳) ۴۱۹ چون نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از «اصحاب اخدود» (که سخت شکنجه شدند) صحبت می شد از سختی بلا و آزمایش به خدای متعال پناه می برد.

(۴) ۴۲۰ هنگامی که باد زرد و سرخ و سیاه می وزید رنگ چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله می پرید و مانند کسی که بترسد

زرد می گشت، و چون قطره بارانی از آسمان نازل می شد رنگش برمی گشت و می فرمود: این بادهای رحمت خدا را برایتان آورد.

(۵) (۴۲۱) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چون ابر را می‌دید هر کاری که داشت رها می‌کرد و می‌گفت:

اللَّهُمَّ اِنِّي اعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ

«خدایا از شر آنچه در آن است به تو پناه می‌برم». پس اگر ابر رد می‌شد خدا را شکر می‌کرد، و اگر می‌بارید می‌گفت:

اللَّهُمَّ نَاشِئًا نَافِعًا

«بار الها، آن را ابری سودمند قرار ده».

(۶) (۴۲۲) امام صادق علیه السّلام فرمود: هنگامی که آفتاب و یا ماه می‌گرفت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله به مردم می‌فرمود: به سوی مسجد بشتابید.

(۷) (۴۲۳) سنّت، خواندن نماز در مسجد و با جماعت است.

(۸) (۴۲۴) علی علیه السّلام فرمود: دوستم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چیزی [از بیت المال] را برای فردا باقی نمی‌گذاشت، اما ابو بکر این کار را می‌کرد، و عمر بن خطاب رأیش بر این شد که دفاتر حساب ترتیب داده و اموال را تا یک سال نگاه می‌داشت. و اما من مانند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله عمل خواهم کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۰

علی علیه السّلام بیت المال را جمعه به جمعه میان مردم تقسیم می‌کرد و [چون از تقسیم فارغ می‌شد] می‌فرمود:

هَذَا جَنَای وَ خِياره فیه اذ کُلِّ جَآن یده الی فیه

«این است دستچین من که خوب و بدش همه در آن است، حال آنکه هر چینه‌ای دست به دهان خود دارد».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۱

(۱)

ملحقات شمایل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله

(۲) (۴۲۵) جابر بن عبد الله انصاری گوید: به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله عرضه داشتیم: اول چیزی که خداوند آفرید چه بود؟ فرمود: نور پیغمبر تو ای جابر. خداوند آن را آفرید و سپس هر خوبی و خیری را از آن آفرید.

(۳) (۴۲۶) پیغمبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: نخستین چیزی که خداوند آفرید نور من بود، که آن را از نور مقدس خودش ایجاد کرد، و از جلال عظمت خودش مشتق نمود.

(۴) (۴۲۷) امام باقر و امام صادق علیهما السّلام فرمودند: خداوند، محمّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله را از گوهری که در زیر عرش بود آفرید.

(۵) (۴۲۸) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: خداوند من و اهل بیت مرا از سرشتی آفرید که احدی را از آن نیافریده بود، و ما نخستین پدیده از آفریده‌های او هستیم.

(۶) (۴۲۹) امام صادق علیه السّلام در خطبه‌ای که در باره احوال و صفات رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله و ائمه اطهار علیهم السّلام بیان کرده، فرمود: بزرگی گناه و اعمال زشت مردم مانع پروردگار ما- به خاطر بردباری و آرامش و مهربانی وی- نشد از اینکه محبوب‌ترین و گرامی‌ترین پیامبرانش «محمّد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله» را برای آنان انتخاب کند، پیامبری که مولدش در حومه عزت بود و ریشه در دودمان کرم داشت، حسبش نقصی نداشت،

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۲

نسبش آلوده نبود و وصف و صفاتش نزد دانشمندان مجهول نبود. پیامبران گذشته در کتابهای آسمانی خود آمدن او را بشارت

داده، دانشمندان به اوصاف و صفات نیکویش زبان گشوده و حکیمان به اوصاف برجسته او نظر دوخته بودند. او وجود پاکی بود که نظیر نداشت، تنها فرد هاشمی بود که برابر نداشت و تنها مرد مکی بود که کس به شوکت و مفاخر او نمی‌رسید. منش او حیا و نجابت، و سرشت او سخا و مروت بود. به هیبت و بزرگی و اخلاق نبوت آراسته بود و به اوصاف و خردمندیهای رسالت سرشته؛ تا اسباب و مقدرات الهی زمینه مساعدی برای او فراهم آورد و حکم استوار حق به امر الهی در باره او به نهایت رسید، در این وقت قضای حتمی خداوند حضرتش را به منتهی درجه رسانید. هر امتی بشارت وجودش را به امت بعد از خود می‌داد، و آن نور مقدس از صلب پدری به پدری دیگر منتقل می‌شد. در این انتقال، عنصر شریفش را روابط نامشروع آلوده نکرد، و در ولادت شریفش از زمان آدم علیه السّلام تا پدرش عبد الله علیه السّلام نکاح ناروا راه نیافت. او در بهترین دودمانها و در گرامی‌ترین تیره‌ها و شرافتمندترین خاندانها و عزیزترین فامیل و محفوظترین رحما به دنیا آمد و در امین‌ترین دامن‌ها پرورش یافت. خداوند متعال او را برگزید و پسندید و برای خود انتخاب کرد و کلیدهای دانش را به او داد و منابع سرشار حکمت را به او بخشید ...

(۱) (۴۳۰) علی علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: محمّد صلی الله علیه و آله از شکم مادرش به زمین آمد، دست چپ را بر زمین نهاد و دست راست را به سوی آسمان بلند کرد و لبها را به وحدانیت خدا حرکت می‌داد ...

(۲) (۴۳۱) آمنه مادر رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چون فرزندم بر زمین قرار گرفت به سمت کعبه به سجده افتاد و در حالی که دستها را به سوی آسمان بلند کرده، به پروردگارش زاری نمود ...

(۳) (۴۳۲) آمنه مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به فرزندم «محمّد» باردار بودم ولی آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۳

احساس بارداری نکردم و مانند زنان دیگر از سنگینی حمل رنج نمی‌بردم.

(۱) (۴۳۳) رشد و نمو یک روزه رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه رشد و نمو یک هفته اطفال دیگر، و رشد یک هفته او به قدر رشد و نمو یک ماهه آنان بود.

(۲) (۴۳۴) در کتاب مناقب گوید: در حال کودکی آن حضرت، ماه گهواره او را می‌جنابید.

(۳) (۴۳۵) در بحار روایت کرده: مردم از گهواره آن حضرت صدای تسبیح و حمد و ثنا بر خدای متعال می‌شنیدند.

(۴) (۴۳۶) در مجمع البیان روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله ختنه شده از مادر متولد گردید.

(۵) (۴۳۷) حلیمه سعدیه (دایه آن حضرت) گوید: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله را در گرمی آفتاب بیرون نبردم مگر آنکه ابری بر آن حضرت سایه می‌افکند، و همچنین آن حضرت را ابر از هوای بارانی نگهداری می‌کرد.

(۶) (۴۳۸) علی علیه السّلام در حدیثی فرمود: از روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شد تا روزی که از دنیا رفت، در حضر و سفر، پیوسته ابری بر آن حضرت سایه می‌افکند ...

در طفولیت، حکمت و دانش به وی داده شد، و با آنکه میان بت‌پرستان و هوا داران شیطان زندگی می‌کرد هرگز به بتی متمایل نشد، و در اعیاد بت‌پرستان شاد نبود، و هرگز دروغی از آن حضرت شنیده نشد ...

(۷) (۴۳۹) ابو طالب (عموی پیغمبر) گوید: هرگز از رسول خدا صلی الله علیه و آله دروغی نشنیدم، و خلقی از اخلاق جاهلیت در او ندیدم، خنده بی‌جایی از او مشاهده نکردم. با کودکان بازی نمی‌کرد و به آنان علاقه نشان نمی‌داد، و تنهایی و تواضع بهترین چیزها نزد او بود.

(۸) (۴۴۰) حلیمه سعدیه گوید: هر وقت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواست چشمهایش چنان می‌نمود که باز و لبهایش در حال خنده است، و گرما و سرما آسیبی به او

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۴

نمی‌رسانید.

(۱) (۴۴۱) علی علیه السّلام فرمود: از هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شیر گرفته شد، خداوند بزرگترین فرشته از فرشتگان خویش را همراه آن حضرت قرار داد که شب و روز راه مکارم و بهترین اخلاق جهانیان را به آن حضرت نشان می‌داد. من همیشه مانند کودکی که دنبال مادر به راه افتد از آن حضرت پیروی کرده و سایه به سایه او می‌رفتم. هر روز از اخلاق خود چیزی برایم آشکار می‌ساخت و مرا امر می‌کرد تا از او پیروی کنم. در هر سال اوقاتی را در کوه «حراء» مجاور می‌شد و غیر از من کسی او را نمی‌دید ... هنگامی که وحی بر آن حضرت نازل شد ناله شیطان را شنیدم، عرض کردم: یا رسول الله، این ناله چیست؟ فرمود: این شیطان است که از پرستش شدن ناامید گردید. [ای علی] آنچه من می‌شنوم تو می‌شنوی، و آنچه من می‌بینم تو می‌بینی جز آنکه پیامبر نیستی ...

(۲) (۴۴۲) امام باقر علیه السّلام در تفسیر این آیه شریفه «خداوند دانای غیب است و کسی را از غیب خود آگاه نمی‌سازد مگر آن کس را که پسندد و او پیامبر است، که از پیش رو و پشت سرش نگاهبانانی روانه می‌سازد.» (۱) فرمود: خدای متعال بر انبیاء خود فرشتگانی می‌گمارد تا کارهای آنان را (از خطا) محافظت کنند و آنان را در تبلیغ رسالت یاری دهند. و از روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شیر گرفته شد خداوند فرشته بزرگی را بر آن حضرت موکل ساخت که او را به خیرات راهنمایی می‌کرد و به اخلاق نیک و امی‌داشت و از شر و اخلاق بد نگاهداری می‌نمود.

(۳) (۴۴۳) امام صادق علیه السّلام فرمود: زلیخا از حضرت یوسف علیه السّلام اجازه ملاقات خواست ... یوسف به زلیخا فرمود: چه باعث شد که به آن کار ناروا اقدام کنی؟ گفت: زیبایی روی تو. یوسف علیه السّلام فرمود: اگر پیغمبر آخر الزمان «محمد صلی الله علیه و آله» را ببینی چه می‌کنی؟ او از من زیباتر، اخلاقش بهتر و سخاوتش بیشتر خواهد بود.

(۱) سوره جن / ۲۶ و ۲۷.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۵

(۱) (۴۴۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یوسف علیه السّلام زیباتر از من بود، ولی من با نمک‌تر از اویم.

(۲) (۴۴۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله از جهت چاقی معتدل بود، ولی در اواخر عمرش اندکی چاق شده بود. گوشت بدنش چنان محکم و جمع بود که گویی پیری در وی اثر نکرده است.

(۳) (۴۴۶) علی علیه السّلام در جواب پرسشهای رئیس و بزرگ یهود فرمود: مهر نبوت میان دو کتف رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت و بر آن دو سطر نوشته بود: سطر اول

«لا اله الا الله»

و سطر دوم

«محمد رسول الله»

(۴) (۴۴۷) میان دو کتف آن حضرت مهر نبوت قرار داشت که نور آن بر نور آفتاب غلبه داشت و بر آن نوشته بود: «خدایی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد. هر جا خواستی برو که تو منصور و یاری شده‌ای» (۱).

(۵) (۴۴۸) در محجة البیضاء گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چهارشانه بود و مهر نبوت میان دو کتف آن حضرت نزدیک شانه راست او قرار داشت، در آن مهر خالی سیاه متمایل به زردی که اطراف آن را موهای متراکمی مانند یال اسب گرفته بود به چشم می‌خورد.

* امام باقر علیه السلام فرمود: آن حضرت خالی به رنگ دیبای سیاه بر گونه داشت.

(۶) (۴۴۹) جابر بن سمره گوید: مهر نبوتی که میان دو کتف رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت برآمدگی سرخ رنگی به اندازه تخم کبوتر بود.

(۷) (۴۵۰) علی علیه السلام فرمود: کسی را مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله ندیدم که دو کتفش از هم فاصله زیاد داشته باشد (و این علامت شجاعت است).

(۸) (۴۵۱) گردن رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه زیباتر بود، نه خیلی بلند بود و نه کوتاه.

(۱) مراد از کتابت در این حدیث و حدیث قبل، کتابت ظاهری نیست چنان که از احادیث بعد معلوم می‌شود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۶

(۱) (۴۵۲) علی علیه السلام فرمود: صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله گرد بود.

(۲) (۴۵۳) علی علیه السلام فرمود: بر لب زیرین رسول خدا صلی الله علیه و آله خالی نقش بسته بود.

(۳) (۴۵۴) علی علیه السلام فرمود: حلقه چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله سیاه بود.

(۴) (۴۵۵) از جابر بن سمره پرسیدند: آیا در سر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله موی سفیدی دیده می‌شد؟ گفت: در سر آن

حضرت جز چند تار موی سفیدی که در فرق مبارک او بود و با روغن زدن پنهان می‌گشت موی سفید دیگری وجود نداشت.

(۵) (۴۵۶) بر شکم رسول خدا صلی الله علیه و آله شکنهایی - چین خوردگی‌هایی - وجود داشت، یکی زیر لباس پنهان می‌گشت و دوتای دیگر نمایان بود.

(۶) (۴۵۷) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله جلالت و هیبتی خاص داشت.

(۷) (۴۵۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله در چشم هر بیننده با وقار و بزرگی می‌نمود.

(۸) (۴۵۹) علی علیه السلام در پاسخ سؤالهای یهودی فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در مجلسی می‌نشست از اطراف آن حضرت نوری می‌درخشید که همه آن را می‌دیدند.

(۹) (۴۶۰) امام صادق علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبهای تاریک نوری دیده می‌شد گویی پاره ماه است.

(۱۰) (۴۶۱) یکی از خواص رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که چون می‌خواست به دیدار قومی برود جلوتر نوری به خانه آنان سبقت می‌گرفت.

(۱۱) (۴۶۲) پسر عمر خطاب گوید: کسی را ندیدم که سخی‌تر و شجاع‌تر و سلحشورتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد.

(۱۲) (۴۶۳) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سه خصلت داشت که دیگران نداشتند: آن حضرت سایه نداشت. از راهی عبور نمی‌کرد مگر اینکه پس از سه روز کسانی که از آنجا می‌گذشتند از عطر عرق آن جناب متوجه می‌شدند که ایشان از آن محل گذشته است. آن حضرت بر هیچ سنگ و درختی نمی‌گذشت جز آنکه به آن حضرت سجده می‌کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۷

(۱) (۴۶۴) در شب تاریک پیش از آنکه مردم آن حضرت را ببینند از بوی عطر آن جناب را می‌شناختند و می‌گفتند: این رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

(۲) (۴۶۵) از اسحاق بن راهویه نقل شده که این بوی خوش، بوی عرق رسول خدا صلی الله علیه و آله بود بدون آنکه عطری استعمال کند.

- (۳) (۴۶۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله در ظرف آب، آب دهان می افکند و مردم از آن بویی خوشتر از مشک می شنیدند.
- (۴) (۴۶۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بخواهد عطر مرا استشمام کند گل سرخ (گل محمدی) را ببوید.
- (۵) (۴۶۸) سلیم (سلمه فرزند ام سلمه) گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد شد و نزد ما به خواب نیم روزی فرو رفت. مادرم شیشه‌ای آورد و شروع کرد عرق رسول خدا صلی الله علیه و آله را در آن جمع کردن. آن حضرت از خواب بیدار شد و فرمود: ای ام سلمه، چه می کنی؟ عرضه داشت: این عرق شماس است که در عطریات خود داخل می کنیم و این از بهترین اقسام عطرهاست. آن حضرت فرمود: درست گفتی.
- (۶) (۴۶۹) چون رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی راه می رفت هر چند که آن کس بلند قد بود، آن حضرت یک سر و گردن از وی بلندتر به نظر می رسید.
- (۷) (۴۷۰) لباس کوتاه و یا بلند به اندام رسول خدا صلی الله علیه و آله اندازه بود، چون می پوشید اگر کوتاه بود بلند، و اگر بلند بود کوتاه تر می شد، گویا برای آن حضرت بریده شده است.
- (۸) (۴۷۱) هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زمین نرم قدم می گذاشت اثر پایش در آن ظاهر نمی شد، و چون بر زمین سفت راه می رفت جای پایش معلوم می گشت.
- (۹) (۴۷۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدگانش به خواب می رفت ولی قلبش نمی خوابید.
- (۱۰) (۴۷۳) پرنده بالای سر رسول خدا صلی الله علیه و آله پرواز نمی کرد.
- (۱۱) (۴۷۴) مگس بر آن جناب نمی نشست و حشرات زهردار و بی زهر به آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۸
- آن حضرت نزدیک نمی شدند.
- (۱) (۴۷۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله از پشت سر نگاه می کرد چنان که از پیش رو نگاه می کرد، و از پشت سر می دید چنان که از پیش رو می دید.
- (۲) (۴۷۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب می شنید چنان که در بیداری می شنید.
- (۳) (۴۷۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزی که خدا او را آفرید بوی بد از وی به مشام نرسید.
- (۴) (۴۷۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز محتلم نشد.
- (۵) (۴۷۹) هر حیوانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن سوار شد هرگز پیر نگشت و بر آن حال باقی ماند.
- (۶) (۴۸۰) مردم به وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله استشفاء می کردند.
- (۷) (۴۸۱) هیچ کس تاب مقاومت با رسول خدا صلی الله علیه و آله را نداشت.
- (۸) (۴۸۲) سلیمان بن خالد گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: مردم می گویند: اگر علی علیه السلام حقی در خلافت داشت چرا قیام نکرد تا حق خویش را بگیرد؟
- آن حضرت فرمود: خدای متعال این موضوع (به تنهایی قیام کردن بدون اینکه یآوری داشته باشد) را فقط بر یک نفر واجب کرده بود آن هم رسول خدا صلی الله علیه و آله بود چنان که خدای متعال فرمود: «پس در راه خدا کارزار کن و این تکلیف خودتوست، و مؤمنین را به جنگ ترغیب کن» (۱). این تکلیف تنها برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، ولی در باره دیگران فرمود: «در جنگ عقب نشینی جایز نیست مگر برای کسی که بخواهد برای ادامه جنگ جای خود را در میدان عوض کند و یا به جمعیتی ملحق شود و از آنان یاری بجوید» (۲).
- سپس امام صادق علیه السلام فرمود: در آن روز (روز غصب خلافت) جمعیتی نبود که علی علیه السلام را در امر خلافت یاری کند

[و الا قیام می کرد].

(۱) نساء / ۸۴.

(۲) انفال / ۱۶.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۹

(۱) (۴۸۳) در روی زمین کسی داناتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود.

(۲) (۴۸۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام نزول وحی گرفته می شد و رنگ چهره اش تغییر می کرد و سر به زیر می انداخت.

(۳) (۴۸۵) از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آن حالت غشوه و بی خودی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله دست می داد آیا هنگامی بود که جبرئیل بر آن حضرت نازل می گردید؟ فرمود: نه، جبرئیل هنگامی که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمد بدون اجازه داخل نمی شد و چون خدمت آن حضرت می رسید مانند بنده‌ای در حضور رسول خدا می نشست. بلکه آن حالت موقعی بود که خدای - عزّ و جلّ - بدون واسطه با آن جناب سخن می گفت.

(۴) (۴۸۶) به امام صادق علیه السلام عرض شد: آیا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله دو حال بود که گاه می فرمود: جبرئیل گفت، و این جبرئیل است که چنین امر می کند؛ و گاه بیهوش می گردید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که وحی الهی بدون واسطه جبرئیل صورت می گرفت، به جهت سنگینی وحی مستقیم از خداوند حالت غشوه بر آن حضرت عارض می شد. اما هنگامی که به واسطه جبرئیل بود این سنگینی به او دست نمی داد، لذا می فرمود: جبرئیل گفت، و این جبرئیل است [که چنین دستور آورده است].

(۵) (۴۸۷) هنگامی که وحی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل می شد صدایی همانند صدای زنبور عسل از مقابل صورتش شنیده می شد. و در روزهای خیلی سرد وقتی وحی بر آن حضرت نازل می شد و تمام می گشت، بر پیشانی مبارکش دانه‌های عرق نمایان می شد.

(۶) (۴۸۸) جبرئیل شصت هزار مرتبه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید.

(۷) (۴۸۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی فرمود: جبرئیل هر سال همه قرآن را یک بار بر من می خواند، لیکن امسال (که سال آخر عمر من است) آن را دو بار بر من

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱۰

خوانده است.

(۱) (۴۹۰) مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام در باره علم امام سؤال کرده، گفتیم: با اینکه امام در خانه خود نشسته و پرده‌ها انداخته شده چطور از آنچه در اطراف عالم اتفاق می افتد خبر دارد؟ حضرت فرمود: ای مفضل، خداوند - تبارک و تعالی - در وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله پنج روح قرار داده بود: (۱)

«روح الحیاة»

که با آن جنب و جوش داشت. (۲)

«روح القوة»

که با آن کار و کوشش می کرد.

(۳)

«روح الشهوة»

که با آن می خورد و می آشامید و با همسران حلال خود آمیزش می کرد. (۴)

«روح الایمان»

که با آن ایمان آورد و در میان مردم به عدالت رفتار می نمود. (۵)

«روح القدس»

که به وسیله آن حامل نبوت گشته بود. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات کرد

«روح القدس»

به امام علیه السلام انتقال پیدا کرد، و روح القدس خواب و غفلت و کار بیهوده و باطل ندارد اما این حالات به چهار روح دیگر دست می دهد، و امام به وسیله روح القدس آنچه را در عالم است می بیند.

(۲) (۴۹۱) ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام از معنای «روحا من امرنا» که در این آیه شریفه: و كذلك اوحینا الیک روحا من امرنا ما کنت تدری ما الکتاب و لا الایمان «۱» آمده پرسیدم، حضرت فرمود: آن «روح» آفریده‌ای است از آفریده‌های خدای - عزّ و جلّ - که از جبرئیل و میکائیل بزرگتر است و همیشه با رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه بود و آن حضرت را از وقایع آگاه و در کار خویش تقویت می کرد و این روح پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره با ائمه علیهم السلام می باشد.

(۳) (۴۹۲) امام صادق علیه السلام فرمود: آن «روح» غیر از رسول خدا صلی الله علیه و آله با هیچ یک از پیامبران گذشته نبوده است.

(۴) (۴۹۳) امام صادق علیه السلام فرمود: در شب معراج هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به

(۱) شوری / ۵۲: «و این گونه روحی از امر خود را به تو وحی کردیم، تو پیش از آن نمی دانستی که کتاب و ایمان چیست».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱۱

آسمان برده شد، جبرئیل رسول خدا صلی الله علیه و آله را به مکانی رسانید و خود از آن حضرت جدا گردید، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای جبرئیل، در چنین حالی مرا تنها می گذاری؟! جبرئیل گفت: به راه خود ادامه ده، به خدا سوگند به جایی قدم نهاده‌ای که بشری به آنجا قدم نهاده و پیش از تو هیچ بشری سیرش به آنجا نرسیده است.

(۱) (۴۹۴) سلمان فارسی رحمه الله گوید: جبرئیل به پیامبر گفت: سوگند به خدایی که تو را به نبوت مبعوث کرد، این جا مقامی است که هیچ پیامبر مرسل و فرشته مقربی به آن قدم نهاده است.

(۲) (۴۹۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: [در شب معراج] سوار «براق» شدم و رسیدم به آن حجابی که بعد از آن خدای رحمان بود (بین من و خدا تنها یک حجاب فاصله بود «۱»).

(۳) (۴۹۶) محمد بن فضیل گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام پرسیدم: آیا هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله پروردگارش را دید؟ فرمود: آری، با قلب خود پروردگارش را دید؛ مگر سخن خدای متعال را نشنیده‌ای که می فرماید: «دل آنچه را دیده دروغ نگفته است» «۲». او خدا را هرگز با دیدگان ظاهر ندید ولی با چشم دل دید.

(۴) (۴۹۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: [در معراج] پروردگارم را [به چشم دل] دیدم و میان من و او فقط جلال وی حائل بود.

(۵) (۴۹۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا با خداوند وقتی هست که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل و بنده‌ای که خداوند دلش را به ایمان آزموده است قدرت تحمل آن حال را ندارد [چه رسد به دیگران].

(۶) (۴۹۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث معراج فرمود: چون به آسمان هفتم رسیدم و تمام فرشتگان آسمانها که همراه من بودند و جبرئیل و فرشتگان مقرب از

(۱) باید توجه داشت که منظور، قرب معنوی است نه قرب مکانی.

(۲) نجم / ۱۱.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱۲

ادامه راه بازماندند و رسیدیم به حجاب پروردگارم، در میان هفتاد حجاب داخل شدم که بین هر حجابی با حجاب دیگر حائلهایی از عزت و قدرت و بها و کرامت و کبریا و عظمت و نور و ظلمت و وقار قرار داشت تا آنکه به حجاب جلال رسیدم و با پروردگار خود مناجات کرده، در حضور وی ایستادم ...

(۱) (۵۰۰) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: هیچ روز و شبی نیست مگر آنکه تحفه‌ای از جانب خدای متعال در آن به من می‌رسد.

(۲) (۵۰۱) امام صادق علیه السّلام می‌فرمود: به حضرت عیسی علیه السّلام دو حرف [از علم الهی] داده شده بود و با آن دو حرف کار می‌کرد، و به حضرت موسی علیه السّلام چهار حرف، و به حضرت ابراهیم علیه السّلام هشت حرف، و به حضرت نوح علیه السّلام پانزده حرف، و به حضرت آدم علیه السّلام بیست و پنج حرف داده شده بود و خداوند متعال همه آنها را در وجود حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جمع کرده بود. و اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است که هفتاد و دو حرف آن را به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عطا کرد و یک حرف دیگر از او پنهان داشته شد.

پایان

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

